

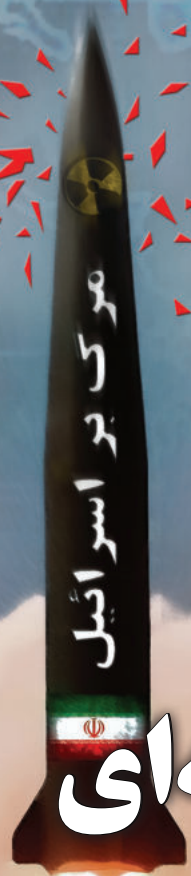
۳۷۴

کیهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۱ تا ۲۷ مردادماه ۱۴۰۱ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۴۰

برجام



باز هم توپ

زیر پای خامنه‌ای

برجام یزیدی

و عاشورای اتمی؟!!



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHAN LIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/
newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton
Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۴۰ (۳۷۴)

جمعه ۲۱ تا ۲۷ مردادماه ۱۴۰۱

۱۴ تا ۲۰ اوت ۲۰۲۲



مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب سقوط بهشت بودند
می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی
در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای
پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

رابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی،
تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne
Road Hammersmith , London W6 0LH

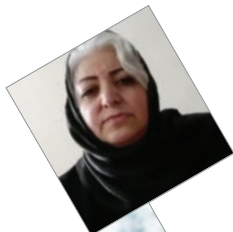
دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

*** فهرست مطالب ***

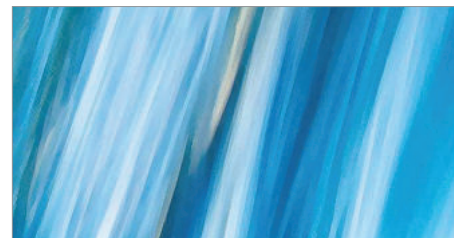
۳ سرمقاله- ایران بدون جمهوری اسلامی ایران آزاد و آباد است نه چیز دیگر! / الاهه بقرات
۴ باز هم توپ زیر پای خامنه‌ای ... / احمد رافت
۵ افزایش شمار «خودکشی» ناشی از ناامیدی ... / روشنگ آسترکی
۶ وزارت دادگستری آمریکایک سپاهی پاسدار به دنبال قتل جان بوتون در آزادی ... /
۷ گزارش ویژه: یک زن ایرانی- آلمانی وهمسر ایرانی اش به ظن تروریسم ... / احمد رافت ...
۸ گزارش ویژه: زنان ایران و یکسال بادولت «قاضی مرگ» ... / روشنگ آسترکی
۹ دشمنی مرگبار جمهوری اسلامی با ایرانیان بهایی ... /
۱۰ ۱۰۰ هزار شغل در سال نخست دولت «قاضی مرگ» از بین رفت ... /
۱۱ کالبدشکافی یک طغیان (۱۲) ... / احمد احرار
۱۲ سید کودتاچی شانگاه خود را به خوابگاه شاه رسانید و کودتایی را ... / دکتر علی بهزادی
۱۴ این دور مذاکرات اتمی نیز در وین به پایان رسید ... /
۱۵ با برارهای نظم نامگر! امر به معروف، نهی از منکر! ... / پرویز دستمالچی
۱۶ تشکیل تیم حقوقی برای دفاع از مردم آزارهای «امر به معروف» و ... /
۱۹ «مجوز مستقل» مشاوره و انشاسی برای طلبه‌ها و آخوندها! ... /
۲۰ کاهش خورد و خوراک مردم به دلیل فقر ... /
۲۱ امیر هوشنگ ابتهاج درگذشت ... /
۲۲ مسعود اسداللهی کارگردان «همسفر» و «سریال» در آمریکادر گذشت ... /
۲۳ درباره شعر مشروطیت ایران (۶) ... / محمد جلالی چمه (م. سحر)
۲۴ بیانیه شماری از فعالان مدنی و سیاسی: وقتی پای حقوق شهروندی و بشر در میان باش ... /
۲۶ گزارش کمیسیون عمران از فاجعه «مترو بیل» حد اقل ۴۰ دستگاه حکومتی متخلف و ... /
۲۷ تولید و درآمد در ایران کاهش یافته ... /
۲۹ «میر حسین» و «آن جان بیدار» و رقابت «حسن» و «مجتبی» برای ... /
۳۰ پر تاب ماهواره «خیام» توسط روس‌ها از پایگاه قزاقستان ... /
۳۱ گزارش اتاق ایران: کاهش تولید و تقاضا در همه بخش‌های اقتصاد کشور ... /
۳۲ بسته تشویقی اتحادیه اروپا به جمهوری اسلامی در صورت همکاری با آژانس ... /
۳۳ ۳۱ درصد معنادان متجاهر جمع آوری شده بی‌خانمان هستند ... /
۳۴ دور تازه‌ای از اعتراضات سراسری کارکنان رسمی صنعت نفت ... /
۳۵ ۱۴ اگوست ۲۰۲۲: دو مین همایش همبسته و هماهنگ (هما پیش آنلاین) ... /
۳۶

بازنشر

بازنشر



ایران بدون جمهوری اسلامی ایران آزاد و آباد است نه چیز دیگر!



نشریه هفتگی کیهان لندن سال‌ها با شعار «برای ایران آزاد و آباد» چاپ می‌شد. شعاری که کیهان تا روز تحقق و پس از آن نیز وفادارش خواهد بود.

مصیبت و مشکلات را مردم می‌دانند؛ گذشته‌ی معاصر را با وجود تحریف‌ها و روایت‌های خوددراوردی، مردم می‌شناسند؛ تلاش‌ها علیه این نظام قرون وسطایی را نیز همه شاهدند. تلاش‌هایی که ایرانیان چه در داخل با پیگرد و شکنجه و اعدام و قتل و دریافت گلوله در خیابان‌ها برایش هزینه داده و می‌دهند چه در خارج با تروریسم حکومتی. و همه اینها را جمهوری اسلامی و امنیتی‌هایش بهتر و دقیق‌تر از همه می‌دانند و به همین دلیل تلاش می‌کنند با انواع ترندها یک نظام ویرانگر و مافیایی را با زمامداری اقلیتی چندصد نفره که همه با هم فک و فامیل هستند به عنوان «سرنوشت محتوم» ایران و ایرانیان به جامعه بقبولانند، ولی ناگزیر با تشدید ناتوانی و ناکارآمدی این اقلیت مافیایی و همزمان با گسترش اعتراضات، مردم را از ایران بدون جمهوری اسلامی می‌ترسانند!

ولی آیا بدتر از جمهوری اسلامی هم ممکن است؟! داعش؟ طالبان؟ القاعده؟ بوکوحرام؟ سازمان‌های اسلامی و ایدئولوژیک مشابه که عکس‌برگردان همین رژیم هستند؟ نظام ولایت فقیه که ترکیبی از همه اینهاست، کدام جنایات را علیه ملت و مملکت و محیط زیست و گیاهان و جانوران نیز مرتکب نشده و برای کسانی باقی گذاشته که مردم را از آن می‌ترسانند؟! اعتراضات اجتماعی که از ۹۶ دی به بعد محتوای شاخص سیاسی یافت به خودی خود ثابت می‌کند که جمهوری اسلامی قادر به برآوردن خواست‌های حقوقی هیچیک از گروه‌های جامعه نیست چه برسد به مجموعه‌ی آنها! این ناتوانی و ناکارآمدی رژیم، حلقه‌ی اتصال همه اعتراضات است: نه تک تک و نه همه، هیچکس با این رژیم به خواست‌های برحق خود نخواهد رسید! اما اندیشیدن تنها به یک نمونه کافیهست تا دریافت با نبودن جمهوری اسلامی چگونه راه دوباره به سوی «ایران آزاد و آباد» باز خواهد شد: با لغو ممنوعیت‌های حقوق شهروندی مانند خورد و خوراک و پوشاک و فعالیت فرهنگی و هنری در کنار مناسبات عادی با همه کشورهای منطقه و جهان و تعهد به پیمان‌های بین‌المللی در کوتاه‌ترین مدت می‌توان بر بحران بیکاری که خود به شکوفایی اقتصادی و در نتیجه امنیت روانی و رفاه مردم می‌انجامد غلبه کرد! چرخه‌ای که وقتی به حرکت درآید، بسیاری از مشکلات و ناهنجاری‌های نوظهور و ناشی از جمهوری اسلامی را نیز کاهش داده و برطرف می‌کند.

چه‌انگیزه‌ای بالاتر از آزادی و آبادی ایران برای یک همبستگی ملی فراگیر که به پشتوانه انقلاب مشروطه و پنجاه سال پهلوی می‌تواند راه را به سوی آینده‌ای بگشاید که همه نیروها و گروه‌های اجتماعی از حقوق برابر در برابر قانون متکی بر دموکراسی و حقوق بشر برخوردار باشند؟

باز هم توپ زیر پای خامنه‌ای برجام یزیدی و عاشورای اتمی؟!*



● برخی با اظهارات خود تلاش دارند خوشبینی به احیای توافق هسته‌ای تزییق کنند تا شاید شبخ مرگ برجام از اذهان دور شود.

منطقه، به تاسیسات هسته‌ای و نظامی جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی بدون شک توان مقابله با حملات احتمالی اسرائیل به تاسیسات نظامی و هسته‌ای خود را ندارد، ولی از ابزار دیگری برای واکنش برخوردار است که خطرات آن می‌تواند بیش از رودررویی نظامی باشد. از هفته‌ها پیش نهادهای امنیتی بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکا، و همچنین آسیایی در رابطه با گسترش حضور تروریست‌های جمهوری اسلامی و یا مزدوران خارجی در خدمت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات، هشدار داده‌اند.

نگرانی از اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی

تروریسم در چهار دهه گذشته یکی از ابزار مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی بوده است. سال‌ها پیش حسین نصر اسلام‌شناس ایرانی در گفتگویی که با وی در شهر رم در حاشیه کنفرانس داشتیم گفت «غرب موشک دارد، اسلام هم تروریسم انتحاری دارد! اگر یکی مجاز است دیگری هم باید مجاز باشد!»

در همه این سال‌ها جمهوری اسلامی از تروریسم به عنوان سلاح تاکتیکی در جنگ خود نه تنها علیه آمریکا، غرب و اسرائیل، بلکه کشورهای منطقه و حتی مخالفان خود استفاده کرده است. دامن زدن به بحران‌های منطقه‌ای و فعال کردن گروه‌های نیابتی در منطقه نیز خواب بسیاری از کشورهای عرب و غربی را با کابوس همراه کرده است. قاسم سلیمانی فرمانده سابق نیروی قدس که توسط آمریکا ترور شد، گفته بود «ما ۶ ارتش در خاورمیانه به وجود آوردیم» و این واقعیتی است که نمی‌توان آنرا انکار کرد. نگاهی به سوریه، عراق، لبنان و یا یمن تأییدی بر این واقعیت خطرناک است.

دوشنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۱ مهلتی که اتحادیه اروپا برای احیای برجام تعیین کرده است به پایان می‌رسد. در بروکسل همه در انتظار پاسخ علی خامنه‌ای به پیشنهاد ۲۵ صفحه‌ای جوزپ بورل، مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت اتحادیه اروپا، هستند.

یکی از دستیاران انریکه مورا هماهنگ کننده مذاکرات هسته‌ای در وین و معاون جوزپ بورل، به کیهان لندن می‌گوید «اخباری که از تهران می‌رسند حکایت از این دارند که رهبر جمهوری اسلامی هنوز تصمیم نهائی را اتخاذ نکرده، اگرچه به احتمال زیاد در ساعات آینده پاسخ او می‌تواند مثبت باشد.» همین دیپلمات اروپائی می‌افزاید «امیدواریم که جمهوری اسلامی این آخرین قطار برای احیای برجام را از دست ندهد، وگرنه ما راهی غیر از ارجاع مجدد پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت در پیش نخواهیم داشت.»

در بروکسل، فعال کردن مکانیسم ماشه و بازگشت کلیه تحریم‌هایی که در سال ۲۰۱۵ در پیامد توافق هسته‌ای موسوم به برجام برداشته شدند، تنها راه در شرایط کنونی برای جلوگیری از اقدام نظامی علیه تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی می‌دانند. البته بازگرداندن تحریم‌ها تنها می‌تواند برای مدتی اقدام نظامی علیه رژیم ایران را به تعویق بیاورد، زیرا بعید به نظر می‌آید که بازگشت تحریم‌ها در شرایط کنونی بتواند جمهوری اسلامی را متقاعد به متوقف ساختن فعالیت‌های هسته‌ای و برداشتن آخرین گام‌ها در جهت دستیابی به سلاح اتمی کند و در آنصورت غرب و اتحادیه اروپا نخواهند توانست اسرائیل را قانع به چشم‌پوشی از اقدام نظامی کنند.

آنچه به نگرانی‌های کشورهای اروپایی و متحدینشان در منطقه دامن زده است، احتمال حمله نظامی اسرائیل، با حمایت آمریکا و شاید هم برخی از کشورهای عرب



افزایش شمار «خودکشی» ناشی از ناامیدی نسبت به بهبود شرایط اقتصادی-اجتماعی

● در دو سال گذشته آمار خودکشی در میان کودکان و نوجوانان افزایش یافته و سن خودکشی به ۸-۹ سال کاهش یافته است.

آمار رو به افزایش خودکشی مدت‌هاست زنگ خطر را برای گوش‌های ناشنای مسئولان جمهوری اسلامی به صدا درآورده است. خودکشی اگرچه در بسیاری جوامع به عنوان یک ناهنجاری در ابعاد محدود وجود دارد اما به دلیل افزایش و کاهش سن خودکشی در ایران به یک آسیب جدی اجتماعی قابل پیشگیری تبدیل شده است.

در هفته‌ای که گذشت دست‌کم پنج مورد خودکشی منجر به مرگ در ایران گزارش شد. دو کارگر پتروشیمی ایلام که به دلیل مشکلات اقتصادی کارفرما از کار اخراج شدند با اختلاف کمتر از ۲۴ ساعت خودکشی کردند. دو کودک ۹ و ۱۲ ساله در کوه‌دشت و چم پلک استان لرستان از طریق حلق آویز کردن و شلیک با اسلحه شکاری دست به خودکشی زده و جان خود را از دست دادند. یک جوان ۱۸ ساله اهل شهرستان ملکشاهی نیز به دلیل مشکلات روحی ناشی از خودکشی برادر دوقلوی خود را حلق آویز کرد. برادر دوقلوی او هفتم خرداد ۱۴۰۱ به دلیل مشکلات معیشتی با خوردن قرص برنج به زندگی خود پایان داده بود.

اپیدمی خودکشی، از پزشک و دانش‌آموز تا سرباز و پلیس نگاهی به آمارهای مربوط به خودکشی در ایران نشان می‌دهد این پدیده تلخ تنها مرتبط با افرادی در دسته خاص درآمدی یا اجتماعی نیست. با وجود فراگیری خودکشی اما هنوز در ایران آمار دقیق و روشنی از اقدام به خودکشی و مرگ ناشی از خودکشی در دست نیست. آمارهای موجود نیز مرتبط با آنهایی است که ثبت و رسانه‌ای شده است. تحقیقات پژوهشگران علوم اجتماعی حاکیست در طول چهارسال از ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ این آمار در ایران ۶۰ درصد افزایش داشته و هر سال ۱۵ درصد به آمار خودکشی در کشور افزوده شده است.

ده‌ها خبر به ویژه در زمان پاندمی کرونا درباره خودکشی پزشکان و پرستاران منتشر شد؛ فشار کاری، شیفت‌های طولانی کار و مشکلات مالی از جمله مهمترین دلایل خودکشی کادر درمان عنوان شده است.

خودکشی در میان سربازان نیز فزاینده است. یک سرباز در تیرماه گذشته در مشهد، یک سرباز اردبیلی در پادگان در تهران در آذرماه ۱۴۰۰، همزمان یک سرباز در کرج و یک سرباز در کلانتری مسعودیه و یک سرباز در فسا و یک سرباز در اشنویه دست به خودکشی زده‌اند که خبرشان منتشر شده است.

قابل توجه اینکه بر اساس یک تحقیق در سال ۱۳۹۰ در مرکز تحقیقات دانشگاه تهران، تنها ۳۷ درصد از خودکشی سربازان به دلایل روحی و روانی بوده و علت بیشتر خودکشی سربازان مسائل اقتصادی و مالی و خانوادگی است. با توجه به اینکه از سال ۹۰ تا کنون مشکلات

از عاشورا ست و شیعه حسینی نه دل به امان‌نامه یزید خوش می‌کند و نه با برجام یزیدیان زمان تکلیف‌اش را از یاد می‌برد!

نورنیوز ارگان شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی نقش اتحادیه اروپا را در ارائه این پیشنهاد زیر سوال می‌برد: «اتحادیه اروپایی در پایان این دور از مذاکرات وین با هماهنگی آمریکا تلاش کرد متن مورد توافق مورا- مالی را به عنوان متن نهایی جا بزند تا ایران را زیر فشار، مجبور به پذیرش آن کند، حال آنکه آنها فقط هماهنگ‌کننده‌اند نه طرف مذاکرات، لذا صلاحیت تعیین تکلیف در این خصوص را ندارند.»



برخی نیز چون روزنامه ایران، ارگان رسمی دولت، معتقدند که در شرایط کنونی جمهوری اسلامی در موقعیت برتری قرار دارد و نباید در مقابل فشارهای غرب سر خم کند. رسماً در جمهوری اسلامی مسئولیت مذاکرات هسته‌ای بر عهده شورای عالی امنیت ملی است، اگرچه شکی نیست که حرف آخر را علی‌خامنه‌ای می‌زند.

توهمات دولت ابراهیم رئیسی

روزنامه ایران، منعکس‌کننده نظرات دولت، معتقد است نباید در احیای برجام شتاب به خرج داد زیرا گذر زمان به نفع جمهوری اسلامی است. روزنامه ایران با اشاره به مذاکرات وین می‌نویسد: «با توجه به جمیع جهات، تحولات بین‌المللی در صحنه جنگ اوکراین و تایوان، کمبود انرژی و افزایش تقاضا در ماه‌های آینده، افزایش قیمت‌ها و تبعات سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن، توان داخلی در خنثی‌سازی تحریم‌ها، گشایش روابط با کشورهای خارج از بلوک غرب و همچنین افزایش توان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و تحقق بیشتر اهداف دفاعی و منطقه‌ای حکایت از این دارد که زمان به نفع ایران در حال سپری شدن است.» ارگان رسمی دولت سپس نتیجه می‌گیرد «طی روزها و هفته‌های آتی شاهد خواهیم بود که اهرم‌های طرف غربی تأثیرگذاری خود را بیشتر از دست خواهند داد و فشار ایران بر طرف غربی سنگین‌تر خواهد شد!»

مهلت اتحادیه اروپا برای گرفتن پاسخ آری یا نه به پیشنهاد روسیه، از سوی نشان از بی‌حوصلگی کشورهای اروپایی برای ادامه مذاکراتی دارد که تا کنون بی‌حاصل بوده، و از سوی دیگر با هدف خنثی ساختن سیاست وقت‌کشی جمهوری اسلامی است تا با انداختن توپ احیای برجام زیر پای علی‌خامنه‌ای، کار را یکسره کند.

احمد رأفت

تزریق خوشبینی برای بستن «پرانتهای باز»

البته در این ساعات کم نیستند افرادی که با اظهارات خود تلاش دارند با تزییق خوشبینی به احیای توافق هسته‌ای، شیخ مرگ برجام را از اذهان دور کنند. این اظهارات خوشبینانه چه از درون جمهوری اسلامی و چه در خارج از آن به گوش می‌رسد. وال استریت ژورنال می‌نویسد آنچه در پیشنهاد ارائه شده از سوی اتحادیه اروپا آمده و خواست‌های جمهوری اسلامی را برآورده می‌کند. اشاره این روزنامه آمریکایی به دو مشکلی است که در آخرین نشست وین هنوز برطرف نشده بودند و از آنها به عنوان «پرانتهای باز» نام برده می‌شود.

یکی از این دو «پرانتهای باز» خواست جمهوری اسلامی برای بسته شدن پرونده سه سایت مشکوک ورامین، تورقوزآباد و مریوان است. جمهوری اسلامی تا کنون به پرسش‌های آژانس بین‌المللی انرژی در رابطه با ذرات اورانیوم غلیظ شده در این تاسیسات پاسخ نداده و بازگشت به برجام را مشروط به بسته شدن این پرونده کرده است. آخرین پیشنهاد غرب به ایران این است که در صورت همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، حتی اگر جمهوری اسلامی «مجرم» شناخته شود، این پرونده به شورای امنیت فرستاده نخواهد شد.

«پرانتهای باز» دیگر دریافت ضمانت‌هائی در رابطه با کاهش فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی، از جمله خارج ساختن برخی نهادهای اقتصادی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست تحریم‌ها است. گفته می‌شود که آمریکا مخالفتی با بسته شده این «پرانتهای باز» ندارد. منابع رسانه‌ای خارجی تأکید دارند که اگرچه دولت جو بایدن هنوز رسماً پیشنهادی جوزپ بوریل را نپذیرفته، ولی مخالفتی با آن ندارد و در انتظار پاسخ جمهوری اسلامی است.

صبح روز جمعه، ۲۱ مرداد، ایرنا خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی به نقل از یک مقام وزارت خارجه این پیشنویس را در صورتی که به دو خواست بالا به نوعی پاسخ دهد که «برای ایران اطمینان ایجاد کند» قابل قبول خواند. میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات وین نیز در یک نشست مطبوعاتی در پایتخت اتریش گفت «متن ارائه شده بد نیست» و «تقریباً بطور کامل بر سر آن توافق صورت گرفته» و «ایران تنها در مورد چند کلمه در متن سوالاتی را مطرح کرده است.» حمید حسینی رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی اعتقاد دارد «کار به مرحله‌ای رسیده که چاره‌ای جز توافق نداریم. ضمن اینکه ایران امتیازاتی گرفته که به نظر غرب به خاطر این امتیازات، بهانه‌ای برای عدم امضای برجام ندارد و پیشنهادهای اتحادیه اروپا هم امتیازاتی برای ایران در بر داشته است.»

برجام یزیدی و عاشورای اتمی

البته در تهران برخی بر طبل مخالفت با این پیشنویس می‌کوبند که حسین شریعتمداری نماینده علی‌خامنه‌ای در مؤسسه غصب‌شده‌ی کیهان، یکی از آنهاست. حسین شریعتمداری روز چهارشنبه ۱۹ مرداد در یادداشتی نوشت، «برخلاف اظهارات مقامات و رسانه‌های غربی و برخی از مدعیان اصلاحات و مسئولان دولت پیشین، مذاکرات وین تا کنون به هیچ نتیجه‌ای که منافع ملی ایران به ویژه نفع اقتصادی را تضمین کند نرسیده است.» رستم قاسمی وزیر راه و شهرسازی هم مذاکرات برجام را به «عاشورا» گره می‌زند: «انقلاب اسلامی ایران برگرفته

اقتصادی به مراتب بیش از گذشته شده و امکانات پادگان‌ها نیز تنزل یافته، قابل پیش‌بینی است که سهم مشکلات اقتصادی و مالی و ناامیدی سربازان از بهبود اوضاع در خودکشی سربازان بیشتر باشد.

یکی از دردناک‌ترین واقعیات مربوط به خودکشی، افزایش آن در میان کودکان و نوجوانان و کاهش سن خودکشی به ۸-۹ سال است. آمار خودکشی کودکان و نوجوانان پس از شیوع کرونا و آموزش آنلاین با جهش روبرو شد؛ خانوارهای زیادی به دلیل فقر توان خرید ابزارهایی مانند تلفن هوشمند و تبلت برای کودکان نداشتند و آنها از شرکت در کلاس‌های آنلاین بازماندند. موارد متعدد خودکشی منجر به مرگ در میان دانش‌آموزان به همین علت طی دو سال شیوع کرونا ثبت شد که اکثر آنها متعلق به ساکنان مناطق محروم و فقیرنشین بود.

بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی پزشکی قانونی ۷ درصد از آمارهای خودکشی ثبت شده در ایران مربوط به افراد زیر ۱۸ سال است. همچنین آمار ثبت شده خودکشی افراد زیر ۱۸ سال طی یک دهه منتهی به سال ۱۴۰۰ تا ۲۵۰ مورد بوده است. آمارهولناک دیگری نشان می‌دهد در طی ۸۰ روز گذشته دست‌کم ۱۲ کارگر در ایران به دلیل خودکشی جان خود را از دست داده‌اند. خبرگزاری هرانا در گزارشی که اردیبهشت امسال به مناسبت روز جهانی کارگر منتشر کرد از ۱۱ مورد خودکشی کارگران در فاصله ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰ تا ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ خبر داده بود.

از سوی دیگر طبق آمار سازمان پزشکی قانونی بیشترین روش در خودکشی حلق‌آویز کردن و بعد از آن استفاده از سموم در سال ۱۳۹۸ بوده است.

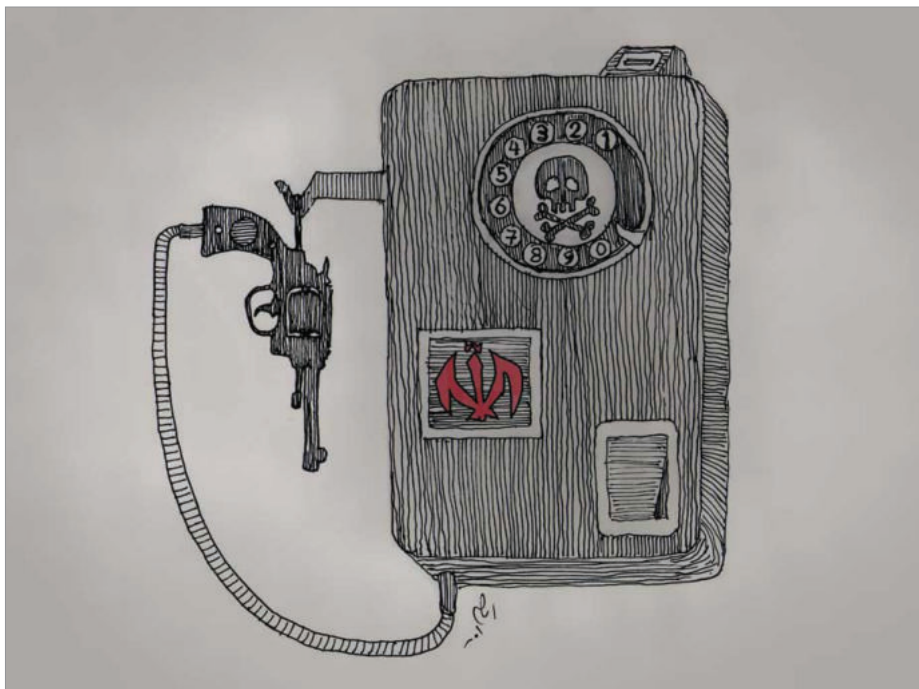
چرا جان عزیز خود را می‌گیرند؟!

هرچند بیماری‌های جسمی مانند سرطان پیشرفته و یا روانی مانند شیذوفرنی و دو قطبی می‌توانند از عوامل محرک خودکشی باشند اما در ایران غالب خودکشی‌های گزارش شده در سال‌های اخیر به دلیل مشکلات مالی و فقر و عدم امنیت مادی بوده است.

از دید برخی جامعه‌شناسان و روانشناسان، خودکشی یک «ناهنجاری» ناشی از روان محسوب می‌شود اما پدیده خودکشی در ایران به دلایل مادی آنقدر گسترده شده که می‌توان آن را یک «آسیب اجتماعی» دانست که با تحت تأثیر قرار دادن تاب و توان روانی انسان، وی را به سوی خودکشی سوق می‌دهد.

در حالی که در شرح «ناهنجاری» گفته می‌شود آندسته از رفتارهای اجتماعی هستند که عرف جامعه آنها را انحراف از هنجارها تلقی می‌کند یا اینهمه جرم و مستوجب کیفر نیستند، اما آسیب‌های اجتماعی شامل نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های فردی و جمعی می‌شود که ریشه در ناکارآمدی شرایط موجود و پیامدهای منفی آن دارد. این آسیب‌های ناشی از شرایط، باعث رنجش روانی، جسمی و مادی اقشار خاص و آسیب‌پذیر جامعه می‌شود.

«نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی»، «عدم رفاه اقتصادی»، «فقر» و «بی‌کاری» از عوامل موثر در بروز «آسیب‌های اجتماعی» شناخته می‌شوند. قابل توجه اینکه اکثر خودکشی‌های گزارش شده در ایران طی سال‌های اخیر ریشه در فقر و نابرابری اقتصادی دارند. از ابتدای سال ۱۴۰۱ نیز شکاف میان دستمزدها و هزینه زندگی به شدت افزایش یافته و تورم مواد خوراکی در چند استان ایران از ۱۰۰ درصد نیز گذشته است بطوری که آمار خودکشی و میزان رکود تورمی رابطه‌ای مستقیم یافته‌اند.



ممنوعیت فروش قرص برنج در فروشگاه‌ها و همچنین خواستار ممنوعیت اخبار خودکشی با ذکر محل شده و گفته بود: «انتشار اخبار خودکشی با ذکر محل به عنوان مثال اشاره به یک پل خاص یا یک رودخانه خاص در یک استان می‌تواند ترغیب‌کننده باشد!»

الهام فخاری عضو اصلاح‌طلب شورای اسلامی شهر تهران نیز در سال ۱۳۹۷ پس از اقدام به خودسوزی یک مرد ۴۵ ساله‌ی مغازه‌دار در مقابل شهرداری تهران در اعتراض به جریمه ۵۰۰ میلیون تومانی، خواستار استقرار «تیم اقدام فوری» در مقابل ساختمان‌هایی نظیر شهرداری شد تا شهروندان ناامید از مسئولانی مانند خودش در این مکان‌ها خودکشی نکنند!

در این میان، روانشناسان اجتماعی «امید» را یکی از مهم‌ترین انگیزه‌ها برای پیشگیری از خودکشی می‌دانند. در ایران اما جمهوری اسلامی و مقاماتش مظهر تمام‌عیار ناتوانی و ناامیدی‌اند!

نتایج یک نظرسنجی که بهمن سال ۹۶ از سوی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) انجام شد نشان می‌داد ۷۵ درصد از جمعیت کشور از شرایط موجود کشور ناراضی بوده‌اند. نظرسنجی دیگری که تابستان گذشته از سوی این مرکز برگزار شد نزدیک به ۶۰ درصد شرکت‌کنندگان اعلام کرده بودند امید ندارند که در سال آینده وضعیت کشور بهتر از امسال باشد.

تئورسین‌های جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته با تکیه بر «افزایش تاب‌آوری» و یا «کاشت بذر امید» تلاش کردند مردم را به تحمل مشکلات و بحران‌ها عادت دهند! «تاب‌آوری مردم» و «بذر امید» برای آنها فقط ابزاری جهت استمرار نظام و رقابت جناحین برای رسیدن به مقام و منصب است تا همچنان از سفره انقلاب بخورند و ببرند!

به این ترتیب، به نظر می‌رسد عوامل بازدارنده از بروز افکار خودکشی در میان مردم و پروراندن امید در جامعه، با عیار و سرشت جمهوری اسلامی هیچ نسبتی ندارد! مردم ایران در صورت داشتن چشم‌انداز سرزمینی بدون جمهوری اسلامی می‌توانند امیدوار شده و نه تنها برای زندگی انگیزه پیدا کنند بلکه برای رسیدن به این هدف بکوشند.

روشنگ آسترکی

جمهوری اسلامی مظهر ناتوانی و ناامیدی!

با وجود آمار فزاینده خودکشی در میان سنین و اقشار مختلف، اما مقامات و نهادهای مسئول هیچ توجه و راهکاری برای این آسیب در حال گسترش نداشته و ندارند. البته طی دو سال گذشته جلساتی با موضوع «پیشگیری از خودکشی» در سطح شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها توسط سازمان بهزیستی برگزار شده است. اما این جلسات بیشتر جنبه بررسی موضوع و یا ارائه نظراتی درباره ریشه‌ها و علل افزایش خودکشی است. در حالی که پیشگیری و رویارویی با چنین آسیب اجتماعی مهمی نیازمند راهکارهای عملی برای مشکلات معیشتی و اقتصادی است تا بخشی از خودکشی‌هایی که به این دلیل صورت می‌گیرد، منتفی شود. همچنین مدت‌هاست تهیه «اطلس خودکشی» با هدف بررسی میزان خودکشی در استان‌های مختلف ایران در دستور کار است تا سازمان بهزیستی بر اساس آن برنامه‌هایی برای «جلب مشارکت مردم محلی در اجرای برنامه‌های اجتماع‌محور در راستای پیشگیری از خودکشی» ارائه دهد. اما این اطلس ناقص و نیمه‌کاره مانده در حالی که آمار خودکشی به سرعت در حال افزایش است.

در کمال ناباوری علت تکمیل نشدن «اطلس خودکشی» در ایران عدم همکاری سازمان‌ها در ارائه آمارها به سازمان بهزیستی عنوان شده است. معاون پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در اینباره گفته «از انجایی که برای تهیه اطلس دسترسی به داده‌ها جهت تحلیل و بررسی ضروری است، تنها در استان‌هایی که دستگاه‌های مرتبط حاضر به همکاری در ارائه آمار و داده‌های موجود بوده‌اند تحلیل و بررسی وضعیت به شکل کامل صورت گرفته است.»

مقامات حکومتی هم مثل همیشه به دنبال پاک کردن صورت مسئله و ظاهرسازی هستند. از جمله مهدی احمدی شهردار خوانسار ماه گذشته بر پایه مصوبه شورای اسلامی این شهرستان، برگزاری مراسم برای متوفیانی را که خودکشی کرده‌اند در آرامستان خوانسار ممنوع اعلام کرد!

آرزو دکایی‌فر معاون پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور نیز شهریور گذشته خواستار

وزارت دادگستری آمریکا:

یک سپاهی پاسدار به دنبال قتل جان بولتون در ازای پرداخت ۳۰۰ هزار دلار بوده و ۱۰۰ دلار پیش پرداخته بود!



جان بولتون

انجام می‌شود؟ وی همچنین به CHS اطلاع داد که «گروه» می‌خواهد این کار به سرعت انجام شود. سوم ژانویه ۲۰۲۲ پورصفی تأکید کرد برای کشتن هدف از سوی «مردم» تحت فشار است! وی گفت که باید هرگونه تاخیر را گزارش دهد. CHS از پورصفی پرسید که چند نفر در این ماجرا نقش دارند؟ پورصفی به CHS گفت که فقط باید به یک نفر گزارش می‌داد، اما سلسله مراتبی از فرماندهی وجود داشت که مافوقش به آنها گزارش می‌داد. پورصفی در همان روز ابراز تأسف کرد که این قتل تا سالگرد «شهادت قاسم سلیمانی» انجام نخواهد شد. وی اظهار داشت: نگران اینست که اگر به زودی این کار انجام نشود، مأموریت از پورصفی گرفته شود. پورصفی به CHS توصیه کرد که اگر از «سلاح کوچک» استفاده کند، باید به هدف نزدیک شود، اما اگر از «سلاح بزرگتر» استفاده کند، می‌تواند دورتر باشد.

پورصفی در طول ارتباطاتی که با CHS داشت جزئیاتی از برنامه‌ها و زمان‌بندی‌های بولتون داشت که به نظر نمی‌رسد در دسترس عموم باشد.

اول فوریه ۲۰۲۲ پورصفی به CHS گفت که اگر او مأموریت را طی دو هفته انجام ندهد، کار از CHS گرفته خواهد شد. او همچنین به CHS اطلاع داد که شخصی منطقه اطراف خانه بولتون را بررسی کرده و معتقد است که نیروهای امنیتی حضور ندارند، بنابراین CHS باید بتواند «کار را تمام کند».

۲۸ آوریل ۲۰۲۲ CHS به پورصفی گفت بدون دریافت پول این کار را نخواهد کرد و پورصفی برای اثبات اینکه پول را پرداخت خواهد کرد با رمز ارز ۱۰۰ دلار به حساب CHS واریز کرد!

وزارت دادگستری آمریکا اعلام کرد پورصفی در صورت محکومیت تا ۱۰ سال حبس و جریمه نقدی تا ۲۵۰ هزار دلار به خاطر استفاده از تسهیلات بازرگانی بین ایالتی جهت اجیر کردن آدم برای ارتکاب قتل جریمه می‌شود. همچنین او به جرم پرداخت رشوه برای توطئه به ۱۵ سال حبس و ۲۵۰ هزار دلار جریمه محکوم خواهد شد. در حال حاضر پورصفی آزاد است.

عنوان منبع انسانی محرمانه یا CHS یاد شده است. نهم نوامبر ۲۰۲۱ پورصفی از طریق یک برنامه پیام‌رسان رمزگذاری شده با CHS تماس گرفت و سپس CHS را برای ارتباطات بیشتر به دومین برنامه پیام‌رسان رمزگذاری شده هدایت کرد. پورصفی به آن فرد ۲۵۰ هزار دلار پیشنهاد داد تا فردی را برای «حذف» مشاور سابق امنیت ملی استخدام کند. این مبلغ بعداً تا ۳۰۰ هزار دلار افزایش پیدا کرد. پورصفی همچنین گفت یک «مأموریت» دیگر هم دارد که برای آن یک میلیون دلار پرداخت خواهد کرد.

تصاویری از شهرام پورصفی که اف‌بی‌آی منتشر کرده است پورصفی به CHS گفته برای تسهیل انتقال وجه یک حساب ارز دیجیتال باز کند، اما گفته قبل از پرداخت باید قتل را انجام دهد. آن فرد بعدها به شورای عالی امنیت ملی توضیح داد که اگر پول به او داده شود و قتل کامل نشود، «گروه» پورصفی عصبانی می‌شود. جستجوی بعدی در یکی از حساب‌های آنلاین پورصفی، تصاویری از پورصفی را نشان داد که یونیفورم سپاه پاسداران به تن دارد.

فردی که در گزارش از وی با عنوان CHS یاد شده گفته است در ارتباطاتش با پورصفی وی بارها به روابط خود با سپاه پاسداران اشاره کرد و هیچگاه دخالت سپاه پاسداران در این توطئه را رد نکرد.

فردی که در پرونده به وی CHS گفته می‌شود روز ۱۴ نوامبر ۲۰۲۱ از پورصفی برای یافتن جان بولتون کمک خواست و پورصفی متعاقباً آدرس محل کار وی در واشنگتن را در اختیار CHS قرار داد.

روز ۱۹ نوامبر ۲۰۲۱، پورصفی به CHS گفت که شیوه قتل بولتون مهم نیست اما «گروه» او برای تأیید قتل به ویدئوی ترور بولتون نیاز دارد. CHS از پورصفی پرسیده که اگر قتل به رژیم ایران نسبت داده شود چه اتفاقی می‌افتد؟ پورصفی به CHS گفت نگران نباشید و «گروه» به آن رسیدگی خواهد کرد.

روز ۲۲ دسامبر ۲۰۲۱، پورصفی تصویری از دوکیسه پلاستیک برای CHS ارسال کرد که به نظر می‌رسید حاوی پول باشد. روی آنها نوشته شده بود: CHS به تاریخ ۲۲/۱۲/۲۰۲۱. هفت روز بعد پورصفی از CHS پرسید که قتل چه زمانی

● بر اساس اسناد دادگاه، شهرام پورصفی با نام مستعار «مهدی رضایی» ۴۵ ساله اهل تهران، اوایل اکتبر ۲۰۲۱ اقدام به توطئه برای قتل جان بولتون کرده که احتمالاً در انتقام کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده «سپاه قدس» بوده است.

● پورصفی که برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کار می‌کرد، می‌خواست برای انجام این قتل در واشنگتن یا مرلیند مبلغ ۳۰۰ هزار دلار بپردازد.

● فردی که پورصفی از او خواسته بود بولتون را به قتل برساند می‌گوید پورصفی اطلاعاتی از جزئیات برنامه‌های بولتون داشت که در اختیار افراد عادی نبود.

خبرگزاری آسوشیتدپرس چهارشنبه ۱۰ اوت (۱۹ مرداد) گزارش داد یکی از عوامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به توطئه برای قتل جان بولتون مشاور امنیت ملی کاخ سفید در دولت دونالد ترامپ متهم شده است.

در همین ارتباط وزارت دادگستری ایالات متحده بیانیه‌ای منتشر کرده که در آن آمده است بر اساس اسناد دادگاه، «شهرام پورصفی» با نام مستعار «مهدی رضایی» ۴۵ ساله اهل تهران، اوایل اکتبر ۲۰۲۱ اقدام به توطئه برای قتل جان بولتون کرده که احتمالاً در انتقام کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده «سپاه قدس» بوده است که در ژانویه ۲۰۲۰ در حمله پهبادی آمریکا در حوالی فرودگاه بغداد کشته شد. پورصفی که برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کار می‌کرد، می‌خواست برای انجام این قتل در واشنگتن یا مرلیند مبلغ ۳۰۰ هزار دلار بپردازد.

ماتیو جی. اولسن دستیار دادستان کل بخش امنیت ملی وزارت دادگستری گفته «مأموریت این وزارتخانه حفاظت از شهروندان آمریکا در مقابل تهدیدات دولت‌های متخاصم است که به دنبال صدمه زدن یا کشتن آنها هستند. این اولین بار نیست که ما توطئه‌های جمهوری اسلامی ایران برای انتقام گرفتن از افراد در خاک آمریکا را شناسایی کردیم و بطور خستگی‌ناپذیر برای شناسایی و مختل کردن هرگونه اقدام مشابه تلاش خواهیم کرد».

لاریسا ال. نپ دستیار مدیر اجرایی «اف‌بی‌آی» نیز گفت: «جمهوری اسلامی ایران در توطئه برای ترور افراد در ایالات متحده سابقه‌دار است، اما دولت ایالات متحده سابقه طولانی‌تری در واکنش به کسانی دارد که امنیت شهروندان ما را تهدید می‌کنند. نهادهای امنیتی آمریکا از جمله اف‌بی‌آی و دولت ایالات متحده و شرکای ما در مقابله با چنین تهدیداتی در ایالات متحده و خارج از کشور هوشیارند.»

طبق اسناد دادگاه، پورصفی ۲۲ اکتبر ۲۰۲۱ از فردی که با حرف «الف» از وی نام برده شده و مقیم آمریکاست و او به صورت آنلاین با وی گفتگو کرده بود، درخواست کرد تا از مشاور سابق امنیت ملی آمریکا عکس بگیرد. پورصفی مدعی شده بود که این عکس‌ها برای کتابی است که در حال نوشتن‌اش است. «الف» به پورصفی گفت می‌تواند وی را به شخص دیگری معرفی کند که عکس‌ها را با قیمت ۵ تا ۱۰ هزار دلار می‌گیرد. «الف» بعداً پورصفی را به یکی از همکاران خود معرفی کرد که در اسناد دادگاه از وی به

گزارش ویژه؛ یک زن ایرانی- آلمانی و همسر تروریسم از آلمانی اخراج شدند



● این دو نفر، بتول سلطانی با تابعیت آلمان و همسرش افشین کلانتری با اجازه اقامت آلمان، که پلیس «مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم آلمانی» (SPAK) نام آنها را در فهرست افراد مشکوک به همکاری با نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی ثبت کرده بود، در جریان بازجویی اعلام کردند که به دعوت دفتر «انجمن حمایت از ایرانیان مقیم آلمانی» (آسیلا) به تیرانا سفر کرده‌اند.

یک افسر «پلیس مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم آلمانی» به کیهان لندن می‌گوید «ما بعید نمی‌دانیم جمهوری اسلامی بخواهد همزمان با آغاز دادگاه بیژن پولادگرد دست به یکسری اقدامات تروریستی بزند و با ایجاد رعب و وحشت در کشور ما بر روند دادگاه و رأی آن تأثیر بگذارد.» همین افسر پلیس در ادامه می‌افزاید «وگرنه تشدید فعالیت‌های مشکوک مأمورین امنیتی جمهوری اسلامی در آلمانی قابل توجه نیست.»

جمهوری اسلامی همکاری می‌کنند، تاسیس کرده‌اند. دادستانی ویژه آلمانی و «پلیس مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم آلمانی» معتقدند که نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از اعضای این انجمن برای جمع‌آوری اطلاعات در رابطه با فعالیت‌های سازمان مجاهدین و رهبران آن با هدف طراحی اقدامات تروریستی استفاده می‌کنند.

● «آسیلا» انجمنی است که گروهی از اعضای سابق مجاهدین خلق که پس از خروج از این سازمان با نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی همکاری می‌کنند، تاسیس کرده‌اند. یک منبع «پلیس مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم آلمانی» به کیهان لندن می‌گوید «احتمالا با توجه به اینکه اعضای «آسیلا» تحت نظر قرار دارند، نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی این زوج ایرانی- آلمانی را برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد برخی از اعضای برجسته مجاهدین به تیرانا اعزام کرده بودند.»

همزمان با سفر بتول سلطانی و افشین کلانتری به آلمانی و بازداشت آنها در فرودگاه، گروهی از روزنامه‌نگاران این کشور ایمیل‌های مشکوکی به امضای فردی که خود را علی پولادی معرفی می‌کند دریافت کردند. در این ایمیل‌ها این فرد خود را روزنامه‌نگار مستقل معرفی کرده و خواهان همکاری با این رسانه‌ها شده است. در تماس‌هایی که برخی از روزنامه‌نگاران آلمانی با منابعی در ایران داشتند، مشخص شد که روزنامه‌نگاری با این نام وجود خارجی ندارد. در این ایمیل‌ها این فرد اعلام کرده که می‌تواند آنها را در جریان اخبار ویژه‌ای در رابطه با فعالیت‌های سازمان مجاهدین خلق قرار دهد.



لوگو «آسیلا» انجمن جداشدگان از مجاهدین خلق که با جمهوری اسلامی همکاری می‌کنند

● همزمان با سفر بتول سلطانی و افشین کلانتری به آلمانی و بازداشت آنها در فرودگاه، گروهی از روزنامه‌نگاران این کشور ایمیل‌های مشکوکی به امضای فردی که خود را علی پولادی معرفی می‌کند دریافت کردند. در این ایمیل‌ها این فرد خود را روزنامه‌نگار مستقل معرفی کرده و خواهان همکاری با این رسانه‌ها شده است.

در روز ۱۸ ژوئیه برخی از وبسایت‌های دولتی آلمانی هک شدند. در این حمله سایبری که مسئولیت آن را گروهی با نام «عدالت برای وطن» به عهده گرفت، برای مدتی روی وبسایت‌های دولتی آلمانی صفحه قرمز رنگی قرار گرفت که عقاب‌ی (نماد پرچم آلمانی) به ستاره داوود (نماد اسرائیل) حمله می‌کرد و در کنار آن به انگلیسی نوشته شده بود «چرا باید پول مالیات‌دهندگان را خرج تروریست‌ها در دوسر کرد!»

یک منبع «پلیس مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم آلمانی» به کیهان لندن می‌گوید «احتمالا با توجه به اینکه اعضای «آسیلا» تحت نظر قرار دارند، نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی این زوج ایرانی- آلمانی را برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد برخی از اعضای برجسته مجاهدین به تیرانا اعزام کرده بودند.»

احمد رأفت - یک زوج ایرانی به نام بتول سلطانی با تابعیت آلمان و همسرش افشین کلانتری با اجازه اقامت در این کشور اروپایی که به آلمانی سفر کرده بودند، بلافاصله پس از ورود به فرودگاه تیرانا توسط پلیس این کشور واقع در بالکان بازداشت شدند و پس از ۷۲ ساعت بازجویی به ظن تروریسم به آلمان بازگردانده شدند. بر پایه مدارک این افراد که کیهان لندن به نسخه‌ای از آنها دست یافته است، این افراد ساکن شهر کلن بوده و از این شهر به تیرانا سفر کرده بودند.

امروز بر مبنای تحقیقات آمریکا مشخص شده است که این حمله سایبری، چنانکه از ابتدا نیز حدس زده می‌شد، توسط هکرهای جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

مشخص نیست این دو نفر در جریان بازجویی ۷۲ ساعته چه اطلاعاتی در اختیار مقامات پلیس و دادستانی ویژه آلمانی قرار داده‌اند. بتول سلطانی بلافاصله پس از بازداشت موقت، با غش و ضعف در فرودگاه تلاش کرد از پاسخگویی به پرسش‌های پلیس آلمانی طفره برود.

این دو نفر که پلیس «مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم آلمانی» (SPAK) نام آنها را در فهرست افراد مشکوک به همکاری با نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی ثبت کرده بود، در جریان بازجویی اعلام کردند که به دعوت دفتر «انجمن حمایت از ایرانیان مقیم آلمانی» (آسیلا) به تیرانا سفر کرده‌اند. ۱۲ ژوئیه «پلیس مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم آلمانی» بنا بر حکمی که از سوی دادستان اتلوا ددا (Etleva Deda) صادر شده بود، به منزل بیست نفر از اعضای «آسیلا» یورش برده و مدارک، کامپیوتر، تلفن‌های همراه و مقادیری پول محلی، یورو و دلار از آنها ضبط کرده و سپس هرکدام از اعضای این انجمن به مدت ده ساعت بازجویی شده‌اند.

در سال ۱۳۹۵ بر پایه توافق بین دولت‌های آلمانی و آمریکا در همکاری با آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد، حدود ۲۵۰۰ نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق از عراق به این کشور بالکان منتقل شدند. این افراد در کمپ «اشرف ۳» در منطقه مانزا، در نزدیکی شهر بندری دوسر زندگی می‌کنند. در این سال‌ها حدود ۴۰۰ نفر از اعضای سازمان مجاهدین «کمپ اشرف» را ترک کرده و از این سازمان جدا شدند که البته ۳۰۰ نفر از آنها به صورت غیرقانونی آلمانی را ترک کرده و به دیگر کشورهای اروپایی رفته‌اند.

در آلمانی قرار است در ماه سپتامبر دادگاه بیژن پولادگرد، یک ایرانی دیگر که از دو سال پیش به اتهام طراحی اقدامات تروریستی در بازداشت بسر می‌برد، آغاز شود. بیژن پولادگرد که در روستایی در حومه قصرشیرین متولد شده، از سال ۲۰۲۰ به اتهام «همکاری با سازمان‌های تروریستی»، «جاسوسی برای دولت خارجی»، «تعقیب غیرقانونی» که شامل شنود تلفن برخی از مسئولین سازمان مجاهدین نیز می‌شود، و همچنین «اختلال در سیستم‌های رایانه‌ای» دستگیر و زندانی شده است.

«آسیلا» انجمنی است که گروهی از اعضای سابق مجاهدین خلق که پس از خروج از این سازمان با نهادهای امنیتی

گزارش ویژه؛ زنان ایران و یکسال با دولت «قاضی مرگ»



● سیاست‌گذاری دولت رئیسی بطور مشخص، تحمیل نقش همسر و مادر و تحمیل زاد و ولد به زنان است و به همین دلیل هم هیچ برنامه مدون و اجرایی در سال گذشته برای توانمندسازی زنان مطرح نشده است.

● «طرح دورکاری زنان» برای آسان شدن بارداری و زاد و ولد در صدر سیاست‌های «افزایش فرزندآوری» از جمله طرح‌هایی است که انسیه خزعلی با پشتکار تمام طی یکسال گذشته دنبال کرده است.

● تنها چند هفته پس از آغاز به کار دولت سیزدهم مشخص شد ابراهیم رئیسی گفته نیازی به کارهای پژوهشی و تحقیق در حوزه زنان نیست و آنچه تا کنون انجام شده کافی است!

● یکی از ابعاد ویرانگر این نگاه دولت رئیسی، فقیرتر کردن زنان است آنهم در حالی که پیش از این نیز شمار زنان فقیر در جامعه رو به افزایش بوده است.

● طی یکسال گذشته اشتغال در مشاغل غیررسمی، نداشتن پوشش بیمه‌ای، دستمزدهای پایین و در نهایت اخراج نیروی کار، بیشتر سهم زنان بوده تا مردان.

روشنک آسترکی - در نخستین سال فعالیت دولت سیدابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» حقوق اساسی و مدنی زنان همچون دولت‌های پیشین در جمهوری اسلامی نادیده گرفته شده و در عین حال رویارویی بیش از پیش زنان و جمهوری اسلامی، سبب تشدید و افزایش سیاست‌های زن‌ستیزانه شده و دولت سیزدهم مجری این سیاست‌هاست.

ابراهیم رئیسی از همان زمانی که به عنوان داوطلب شرکت در انتخابات مطرح می‌شد نیز چهره‌ای نبود که زنان ایران هیچ امیدواری نسبت به بهبود شرایط در دوران ریاست وی بر دولت داشته باشند. با اینهمه حضور زنانی با پوشش‌های مختلف در تبلیغات انتخاباتی «قاضی مرگ» و همچنین همراهی جمیله علم‌الهدی همسر قاعدتا چادری سرپا سیاهپوش ابراهیم رئیسی در رقابت‌های انتخاباتی، برای بخشی از زنان ناآگاه و یا فرصت‌طلب که هنوز به «انتخابات» نمایی در جمهوری اسلامی باور داشتند شاید این پیام را داشت که ابراهیم رئیسی از آندسته زمامداران جمهوری اسلامی است که بنا به «مصالح» نظام و دولت‌اش ممکن است فضا را برای زنان ایران محدودتر از گذشته نکند. وعده‌های ابراهیم رئیسی در حوزه زنان محدود و با کلی‌گویی همراه بود. او ۲۴ خردادماه سال گذشته در کشاکش تبلیغات انتخاباتی گفته بود که «زنان حق بهره‌مندی از همه حقوق دارند و این حق را خدا به زنان داده این دولت باید بتواند این حق خدادادی را ضایع نکند و اجازه شکوفایی آنرا در حوزه مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بدهد. انشاءالله اگر رای مردم به بنده تعلق گرفت، دولت مردمی با توجه به جایگاه زن در جامعه و حقی که بانوان دارند و به موجب قوانین موضوعه و فرای آن به موجب دین جایگاه اصلی نقش‌آفرینی زنان را فراهم کند.»

رئیسی اما چندماه پیش از آن و در دی ۱۳۹۹ که جایگاه رئیس قوه قضاییه طی سخنانی «مکتب فاطمه» را بهترین الگوی نجات‌بخش برای همه زنان دانسته و گفته بود که «زن نمونه همچون حضرت فاطمه زهرا شخصیتی خداخواه، مردم‌دوست، رکن رکن خانواده و جریان‌ساز در جامعه است که در مسائل سیاسی و اجتماعی و دشمن‌شناسی و

دشمن‌ستیزی و ظلم‌ستیزی و ولایت‌مداری و دفاع از حریم ولایت نقش محوری دارد.»

در نهایت او پس از رسیدن به ریاست دولت جمهوری اسلامی هم نشان داد که همان «نقش فاطمه» را برای زنان قائل است و آنها را ابزاری برای پیشبرد اهداف و ایدئولوژی جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کند.

«کودک‌همسری»ی که معاون امور زنان و خانواده شد!

ابراهیم رئیسی در دوران انتخابات بارها به دروغ بر کابینه دولت سیزدهم فارغ از هرگونه جناح‌بندی سیاسی و «جنسیتی» تأکید کرد اما کابینه او هم مانند دولت اصلاح‌طلب حسن روحانی یک کابینه مردانه بود که فقط «معاونت امور زنان و خانواده» را به عنوان سهم نیمی از جمعیت ایران یعنی زنان اختصاص داد آنهم به این دلیل که تفویض چنین معاونتی «در امور زنان و خانواده» به یک «مرد» مضحک‌گی جمهوری اسلامی را بیشتر عیان می‌کرد. البته ناگفته نماند که انسیه خزعلی، اگرچه از نظر بیولوژیک جزو زنان است، اما از نظر تفکر و درک کاملاً «مذکر» و از «مردان» جمهوری اسلامی به شمار می‌رود! انتصاب انسیه خزعلی دختر آیت‌الله خزعلی و خواهر مهدی خزعلی برای «معاونت امور زنان و خانواده» نخستین تودهنی به زنانی بود که شاید امیدی به رئیسی و دولت‌اش داشتند!

انسیه خزعلی به عنوان «کودک‌همسر» که در ۱۶ سالگی ازدواج کرده، کاملاً غیرمسئولانه فرزندآوری زیر سن ۱۸ سال را تبلیغ می‌کند! او که در واقع به دلیل رابطه نزدیکش با جمیله علم‌الهدی همسر ابراهیم رئیسی به عنوان معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری منصوب شد، بارها نظرات زن‌ستیزانه و علیه حقوق زنان مطرح کرده که چه بسا از زبان برخی مردان جمهوری اسلامی شنیده نشده است.

«طرح دورکاری زنان» برای آسان شدن بارداری و زاد و ولد در صدر سیاست‌های «افزایش فرزندآوری» از جمله طرح‌هایی است که انسیه خزعلی با پشتکار تمام طی یکسال گذشته دنبال کرده است.

صدور بخشنامه برای دورکاری زنانی که فرزند کمتر از

شش سال دارند با نگرانی‌های جدی از سوی زنان و جامعه روبرو شد. بسیاری از کارشناسان اجرای طرح دورکاری از سوی دولت سیزدهم را در راستای سرعت بخشیدن به روند خانه‌نشینی زنان و حذف آنان از بستر اقتصادی و سیاسی جامعه و کم‌رنگ کردن و زدودن نقش مهم و کارآمد آنان در مناسبات اجتماعی ارزیابی کرده‌اند.

یکی از اظهارات جنجالی انسیه خزعلی درباره چندهمسری و تبلیغاتی که در این زمینه در فضای مجازی می‌شود، بوده که گفته «چندهمسری از نظر قانون در صورتی که رضایت همسر وجود داشته باشد مجوز دارد.»

تبلیغات گسترده درباره چندهمسری به ویژه در سال‌های اخیر و با دستور علی خامنه‌ای در ارتباط با پیشبرد سیاست افزایش جمعیت و فرزندآوری با حمایت نهاد «رهبری» و صداوسیما جمهوری اسلامی انجام می‌شود. این ویدئوها و تصاویر تبلیغاتی، چندهمسری مردان را به امری طبیعی و نشأت گرفته از ذات طبیعی و تنوع‌طلبی مردان بیان کرده و نقش زنان را مانند «ماشین جوجه‌کشی» معرفی می‌کنند.

از ممنوعیت پژوهش در حوزه زنان تا تحمیل زاد و ولد

سیاست‌گذاری دولت رئیسی بطور مشخص، تحمیل نقش همسر و مادر و تحمیل زاد و ولد به زنان است و به همین دلیل هم هیچ برنامه مدون و اجرایی در سال گذشته برای توانمندسازی زنان مطرح نشده است.

طی یکسال گذشته و در آخرین سال برنامه ششم توسعه، به اصل ۸۰ این برنامه که در رابطه با «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار» بوده هم هیچ توجهی نشده است.

تنها چند هفته پس از آغاز به کار دولت سیزدهم مشخص شد که ابراهیم رئیسی گفته نیازی به کارهای پژوهشی و تحقیق در حوزه زنان نیست و آنچه تا کنون انجام شده کافیست!

در همین ارتباط، انسیه خزعلی نیمه مهرماه سال ۱۴۰۰ گفت که یکی از نکاتی که رئیسی از او خواسته، «کنار گذاشتن» کارهای تحقیقاتی تکراری از جمله نوشتن کتاب و مقاله» بوده! وی به نقل از رئیس دولت سیزدهم گفت:

«قوانین و اصلاحات طرح‌های موجود» در



➔ بحث‌های حقوقی و قضایی کافی است و از این

دشمنی مرگبار جمهوری اسلامی با ایرانیان بهایی



ویدئو

رو نیازی به تحقیق در حوزه زنان وجود ندارد!
همان زمان کیهان لندن در گزارشی هشدار داد که «دستور به توقف پژوهشی امر حقوق زنان و اکتفا به قوانین ضدزن و ناعادلانه‌ی نظام حقوقی جمهوری اسلامی زنگ خطر جدی برای تداوم و تشدید اجرای قوانین ضدانسانی و تبعیض‌آمیز و بی‌اعتنایی به اصول بنیادین حقوق بشر است به ویژه اینکه در دوران محمود احمدی‌نژاد کتاب دو جلدی طرح «بازپژوهشی حقوق زنان» که سه سال تحقیقاتش طول کشیده بود، در کنار شمار دیگری از کتاب‌های پژوهشی خمیر و نابود شد. این تحقیقات و پژوهش‌ها بر بازنگاری احکام و مجازات اسلامی تمرکز داشتند.»

در دولت رئیسی بطور ویژه سیاست افزایش جمعیت که سال‌ها از سوی علی خامنه‌ای مورد تأکید قرار گرفته بود در صدر برنامه‌ها قرار گرفته است. این سیاست تلاش می‌کند از یکسو با وضع قوانینی در رابطه با مرخصی بارداری و زایمان، زنان را از مشارکت اقتصادی و اجتماعی به کنج خانه براند و از سوی دیگر با ممنوعیت فروش داروها و وسایل جلوگیری از بارداری مانند کاندوم و قرص‌های پیشگیری، سلامت و بهداشت زنان را با تهدیدهای جدی روبرو کرده است. زنان همچنین نخستین قربانیان اقداماتی نظیر ممنوعیت آزمایش غربالگری جنین و محدود کردن بیشتر سقط جنین در ارتباط با تشخیص «سندروم داون» و همچنین دیگر بیماری‌های ژنتیک جنین هستند.

در این میان در یکسال گذشته تلاش شده است تا فضای اجتماعی نیز بر روی زنان نیز بیش از پیش بسته شود. برای نمونه ابراهیم رئیسی بر اجرای قانون «عجاب و عفاف» که اوایل دهه ۸۰ خورشیدی در دولت محمد خاکی تدوین و تصویب شده تأکید می‌کند. در همین ارتباط انواع گشت‌های ارشاد اسلامی در خیابان‌ها مستقر شده و مردان لباس‌شخصی و زنان چادری در کوچه و خیابان نه تنها به مردم‌آزایی پرداخته و مزاحم زنان می‌شوند بلکه آنها را به نهادهای اطلاعاتی و امنیتی معرفی می‌کنند تا دستگیر شده و به زندان افتاده و شکنجه شوند و در مواردی از آنها اعترافات اجباری گرفته شود. تشدید فضای سرکوب علیه زنان همزمان سبب می‌شود تا اعتراضات اجتماعی نیز با محدودیت بیشتری روبرو شوند. با اینهمه خشم و انزجار زنان و مردان از جمهوری اسلامی به اندازه‌ایست که انواع گشت‌ها و مأموران رنگارنگ قابلیت غلبه بر آن را ندارند.

اذیت ملایان مرتجع و شیعیان متعصب قرار گرفته‌اند.

دین و آیینی که از بغل اسلام و شیعه رویداد تا شاید احکام قرون وسطایی آن را با «اصلاح» و «تحول» بر روح زمان در قرن نوزدهم منطبق سازد، رهبران و پیروانش بیش از همه قربانی همان احکام غیرانسانی و ناپردبار شدند.

ولی برای اینکه دشمنی یکطرفه یا چندطرفه مراجع مرتجع ادیان مختلف، حکومت را به جان مردم و مردم را به جان یکدیگر نبندازد چه باید کرد؟

آیا جز یک نظام حقوقی مدرن و دمکراتیک که دین و مراجع را از حکومت جدا، و حقوق برابر همه شهروندان را تضمین، و هر تبعیض و درگیری مذهبی را مهار کند، راه دیگری وجود دارد؟!

تا زمان تحقق چنین نظام حقوقی، ایرانیان می‌بایست از حقوق همدیگر از جمله ایرانیان بهایی در برابر سرکوب‌های ضدبشری جمهوری اسلامی دفاع کنند. هیچکس از گزند این نظام در امان نیست!

نگاهی از «پنجره» به اوضاع ایران و جهان!

اینکه جمهوری اسلامی با هر آنچه غیر از خود و خودی‌هایش دشمن است بر کسی پوشیده نیست.

این دشمنی ناشی از انحصارطلبی ایدئولوژیک و خودبرترپنداری بیمارگونه، در همه عرصه‌هاست!

وقتی این انحصارطلبی سلطه‌جو با سیاست و حکومت و قدرت دولتی کشوری ولشکری مجهز می‌شود، آنوقت چیزی جز فاجعه نمی‌آفریند.

دشمنی جمهوری اسلامی علیه بهائیت و ایرانیان بهایی، با رقابت مذهبی و نوعی کینه‌توزی طایفه‌ای نیز درآمیخته است:

بهائیت همانگونه در ایران شکل گرفت که شیعه!

بهائیت همانگونه بر بستر اسلام شکل گرفت که شیعه!

مهم‌تر از همه اینکه، اسلام خود را آخرین و کامل‌ترین دین می‌داند که آخرین پیامبر را نیز به جهان عرضه داشته! بنابراین جایی برای دین و پیامبر جدید باقی نگذاشته است. اینست که بهائیان در زادگاه دین خود همواره مورد آزار و

نیز آشکارا به دنبال کاهش نرخ مشارکت اقتصادی زنان پیش می‌رود.

فقر اما اثرات زیرپوستی و ناپیدا نیز بر زندگی زنان دارد. بنا به گزارش پایش فقر در سال ۹۹ خط فقر در سال ۹۹ نسبت به سال ۹۸ حدود ۳۸ درصد رشد داشته. روند رو به گسترش فقر طی دو سال گذشته نیز سرعت بیشتری پیدا کرده است. بر اساس آمار اعلام شده از منابع حکومتی دست‌کم ۶۰ میلیون نفر از مردم ایران برای تأمین ضروری‌ترین نیازهای زندگی به کمک و اعانه و یارانه نیازمند هستند. آخرین گزارش از تورم اقتصاد ایران مربوط به تیرماه امسال نیز نشان می‌دهد متوسط تورم نقطه‌ای گروه کالاهای خوراکی ۸۶ درصد بوده و در این میان کالاهای پرمصرف مانند گوشت و لبنیات و روغن از ۱۰۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند.

در این میان، گزارش‌ها نشان می‌دهد طی یکسال گذشته، تشدید مشکلات معیشتی سبب شده مردان زیادی خانه و خانواده را ترک کنند. این پدیده هرچند در بسیاری از رسانه‌های حکومتی به عبارت «شرمساری مردان از همسر و فرزند» برجسته شده اما واقعیت اینست که مرد، با ترک

خانه فشار مشکلات اقتصادی و معیشتی را بطور مضاعف بر دوش زن خانه می‌اندازد که باید خانه و فرزندان را سامان بدهد و نیازهای اقتصادی خانواده را تأمین کند؛ آنهم در شرایطی که از هیچ حمایتی از سوی دولت برخوردار نیست! همچنین افزایش خشونت‌های خانگی که زنان قربانیان نخست آن هستند، کاهش مصرف مواد غذایی ضروری، بازماندن از تحصیل و «کودک‌همسری» دختران همگی با افزایش فقر در خانواده تشدید می‌شود. از سوی دیگر بارداری و زایمان در شرایط فقر سلامت جسم و روان زنان را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و تلخ‌تر اینکه، خانواده‌های تنگدست و کم‌درآمد هدف اصلی تبلیغات فرزندآوری حکومت هستند! اینهمه نشان می‌دهد که بار روانی، اجتماعی و سلامت فقیر شدن خانوار هم نخست بر دوش زنان خانواده تحمیل می‌شود. زنانی که در کنار اینهمه پدیده‌های ناهنجار که علیه آنها در کار است، گاهی تنها راه رها شدن از اینهمه فشار را در خودکشی و حتا از بین بردن فرزندان‌شان می‌بینند. آنچه از این فجایع به صفا حوادث رسانه‌های ایران راه پیدا می‌کند، تنها مشت‌نمونه‌ی خروار است.

بیشتر زنانه شدن فقر در دولت ابراهیم رئیسی

یکی از ابعاد ویرانگر این نگاه دولت رئیسی، فقیرتر کردن زنان است آنهم درحالی که پیش از این نیز شمار زنان فقیر در جامعه رو به افزایش بوده است. در طول سال گذشته اما پدیده «زنانه شدن فقر» در ایران گسترش بیشتری یافته. مفهوم «زنانه شدن فقر» به افزایش نابرابری بین سطح زندگی زن و مرد به دلیل شکاف جنسیتی، در فقر اشاره دارد و نمایشی از قرار گرفتن نامتناسب زنان در حوزه اجتماعی-اقتصادی در جایگاهی پایین‌تر از مردان است که در جمهوری اسلامی بسیار چشمگیرتر از هر جامعه دیگریست. طی یکسال گذشته اشتغال در مشاغل غیررسمی، نداشتن پوشش بیمه‌ای، دستمزدهای پایین و در نهایت اخراج نیروی کار، بیشتر سهم زنان بوده تا مردان.

ایران در شکاف جنسیتی میان ۱۹ کشور «منا» (خاورمیانه و شمال آفریقا) رتبه ۱۶ را دارد. در این شاخص، فاکتورهای توانمندی اقتصادی و سهم حضور زنان در تولید داخلی و تناسب حضور آنها در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت نیز لحاظ می‌شود. این رتبه در حالیست که سیاست‌های دولت رئیسی

این نرخ نسبت به فصل مشابه در سال قبل (بهار ۱۴۰۰) ۱/۹ درصد افزایش یافته است.

بررسی نرخ بیکاری گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ ساله نیز نشان می‌دهد که در بهار ۱۴۰۱، ۱۶/۶ درصد از جمعیت فعال این گروه سنی بیکار بوده‌اند. این در حالی است که تغییرات فصلی نرخ بیکاری این افراد نشان می‌دهد این نرخ نسبت به بهار ۱۴۰۰، به میزان یک درصد افزایش یافته است.

بررسی سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص جمعیت ۱۵ ساله و بیش‌تر نشان می‌دهد که در بهار ۱۴۰۱، ۹.۷ درصد جمعیت شاغل، به دلایل اقتصادی (فصل غیرکاری، رکود کاری و پیدا نکردن کار با ساعت بیشتر) کم‌تر از ۴۴ ساعت در هفته کار کرده و آماده برای انجام کار اضافی بوده‌اند. این در حالی است که ۴۰/۳ درصد از شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر، بیش از ۴۹ ساعت در هفته کار کرده‌اند.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مورد استفاده اقتصاددانان برای سنجش میزان فعالیت‌ها در کشور، نرخ مشارکت اقتصادی است. این شاخص به معنی نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) به جمعیت در سن کار است. نرخ مشارکت اقتصادی به متغیرهایی چون جمعیت فعال و جمعیت در سن کار که در دل خود جمعیت غیرفعال را نهفته دارد، وابسته است. در تعریف موجود محصلان، خانه‌داران و دارندگان درآمد بدون کار، چنانچه شاغل یا بیکار نیز بوده‌اند، فعال اقتصادی محسوب می‌شوند. نرخ مشارکت اقتصادی در آخرین فصل سال گذشته ۴۰/۴ درصد بود. اما در بهار امسال از این هم

۱۰۰ هزار شغل در سال نخست دولت «قاضی مرگ» از بین رفت

است. اما در سال ۹۹ میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای هر شغل در حوزه صنعت با افزایش چشمگیری به یک میلیارد و ۴۸۰ میلیون تومان رسید.

در این گزارش به نقل از ابراهیم علی مولایی مدیرکل دفتر اکتشاف وزارت صمت آمده بود که «برای ایجاد اشتغال در حوزه معادن باید میزان سرمایه‌گذاری بیش از ۱۵ میلیارد تومان باشد؛ بنابراین اگر فردی قصد ایجاد اشتغال در این حوزه را دارد باید سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی انجام دهد.»

توان اشتغالزایی بالا یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بخش ساختمان است به طوری که این حوزه توانایی اشتغالزایی مستقیم و غیرمستقیم را در جوامع دارد. در اینباره ایرج رهبر عضو هیئت‌مدیره انجمن انبوسازان عنوان کرد: «در شهر تهران برای ساخت یک ساختمان با حجم متوسط باید حداقل ۵۰ درصد سرمایه کل را در آغاز کار سرمایه‌گذاری کرد.»

آمارها همچنین نشان می‌دهد دولت رئیسی با گذشت زمان هم نتوانسته وضعیت اشتغال را بهبود ببخشد بطوریکه در بهار امسال هم نرخ بیکاری یک درصد افزایش داشته است. این در

● زیرساخت‌های مورد نیاز برای ایجاد شغل که از همه آنها مهم‌تر، سرمایه‌گذاری در کشور است طی سال گذشته تحلیل رفته است.

● در بهار امسال هم نرخ بیکاری، آنهم بر اساس آمار رسمی و نه واقعی، یک درصد افزایش داشته و ۱۰۸ هزار نفر به جمعیت بیکار ایران افزوده شده است.

● حجت‌الاسلامی وزیر کار سیزدهم که عمر وزارتش به یکسال هم نکشید و استعفا داد پارسال گفته بود که «برنامه‌ریزی کردیم یک میلیون و ۸۵۰ هزار شغل تا پایان ۱۴۰۱ ایجاد شود!»

دولت رئیسی در حالی وعده ایجاد سالانه یک میلیون شغل در کشور را داده بود که در یکسالگی تشکیل دولت، نه تنها شغلی ایجاد نشد بلکه ۱۰۰ هزار شغل نیز از دست رفته است. دولت رئیسی در حالی آغاز به کار کرد که وعده ایجاد سالانه یک میلیون شغل از جمله وعده‌های او در حوزه اقتصاد بود. حجت‌الاسلامی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت سیزدهم که البته عمر وزارتش به یکسال هم نکشید و استعفا داد مدعی شده بود که «برنامه‌ریزی کردیم یک میلیون و ۸۵۰ هزار شغل تا پایان ۱۴۰۱ ایجاد شود.»

اکنون با گذشت یکسال از فعالیت دولت سیزدهم آمارها و گزارش‌ها نشان می‌دهد نه تنها دولت نتوانسته در زمینه اشتغالزایی موفق عمل کند بلکه حدود ۱۰۰ هزار شغل نیز در ۱۲ ماه گذشته نابود شده است.

محمود جامساز اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی امروز ۱۵ مرداد ۱۴۰۱ گفته که «رئیس دولت سیزدهم وعده ایجاد یک میلیون شغل در سال را داد، اما متأسفانه از بهار ۱۴۰۰ تا بهار امسال، ۹۸ هزار شغل از دست رفت؛ یعنی در این یک سال نه تنها شغلی ایجاد نشد، که نزدیک به ۱۰۰ هزار شغل نیز نابود شد.»

به گفته این اقتصاددان، ابراهیم رئیسی وعده ایجاد یک میلیون شغل و تولید یک میلیون مسکن را به مردم داد در حالی که «یک میلیون» عدد قابل‌تأملی است که رئیس‌کابینه سیزدهم به آن متوسل شده، اما تحقق آن با توجه به عملکرد یکساله دولت وی در حاله‌ای از ابهام قرار دارد.

محمد جامساز درباره اشتغالزایی افزوده که «اشتغالزایی نیازمند سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی است. تأسیس کارخانه‌ها، مؤسسات و نهادهای مولد در زمینه‌های صنعت، کشاورزی و تجارت و خدمات مستلزم انجام سرمایه‌گذاری، مدیریت دانش محور و تکنولوژی روزآمد است؛ ولی روند سرمایه‌گذاری به شدت تحت تأثیر قوانین و مقررات پیچیده و فضای تیره کسب و کار و ریسک‌های اقتصادی در بخش واقعی اقتصاد بسیار محدود است مگر آنکه به رانت‌های قدرت‌های اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی متصل باشد که اغلب با هدف استفاده از تسهیلات بانکی بدون توثیق وثیقه‌های معتبر صورت می‌گیرد و در نهایت نیمه تمام می‌ماند، از طرفی آیا سیاست خارجی ما به گونه‌ای بوده که بتوانیم سرمایه خارجی جذب کنیم؟ حتی ایرانیان مقیم خارج از کشور هم از ورود سرمایه‌های خود به کشور امتناع می‌کنند و شورش‌خانه گریز سرمایه از کشور نیز روند افزایشی یافته است.»

همانطور که محمد جامساز توضیح داده روند اشتغالزایی در ایران روندی معکوس پیدا کرده و زیرساخت‌های مورد نیاز برای ایجاد شغل که از همه آنها مهم‌تر، سرمایه‌گذاری در کشور است نیز تحلیل رفته است.

بر اساس گزارشی که روزنامه فرهیختگان در دی‌ماه گذشته منتشر کرد، میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای هر شغل در بخش صنعت در سال ۹۶ معادل ۲۸۰ میلیون تومان بوده و در سال بعد این رقم به ۵۹۰ میلیون تومان رسیده و در سال ۹۸ کمی افزایش را تجربه کرده و به ۶۲۰ میلیون تومان رسیده



پایین‌تر آمده و به ۴۰/۱ درصد رسیده است. یعنی ۰/۳ درصد کاهش در نرخ مشارکت اقتصادی در نقاط شهری رخ داده است. در نقاط روستایی وضعیت از این هم بدتر است و نرخ مشارکت اقتصادی از ۴۴/۵ درصد به ۴۳/۵ درصد کاهش پیدا کرده است.

در خوزستان طی بهار امسال نرخ بیکاری به ۱۴/۱ درصد و در هرمزگان نرخ بیکاری در بهار امسال به ۱۵/۳ درصد و در استان مرزی کرمانشاه به ۱۵/۴ درصد رسیده است. نرخ بیکاری در دو استان سیستان و بلوچستان و لرستان ۱۲/۸ درصد عنوان شده و در استان صنعتی اصفهان ۱۲/۳ درصد. در سه استان کردستان، چهارمحال و بختیاری و یزد نیز نرخ بیکاری در بهار امسال بیشتر از ۱۰ درصد بوده است.

قابل توجه اینکه مرکز آمار ایران یک فرد «شاغل» را کسی می‌داند که «در هفته یک ساعت کار کرده باشد». بدین ترتیب اگر اشتغال کامل مورد بررسی قرار بگیرد قطعاً نرخ بیکاری در ایران بیش از این ارقامی است که مرکز آمار ایران ادعا کرده است.

حالیست که آمارهای رسمی و حکومتی از جمله درباره اشتغال همواره با تردید روبروست و شیوه محاسبه آمارها نیز به گونه‌ای است که نرخ بیکاری را پایین‌تر از رقم واقعی نشان می‌دهد. با اینهمه در آمارهای رسمی نرخ بیکاری در بهار ۱۴۰۱ نیز نرخ بیکاری گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ ساله نشان می‌دهد که در بهار ۱۴۰۱، ۱۶/۶ درصد از جمعیت فعال این گروه سنی بیکار بوده و ۱۰۸ هزار نفر به جمعیت بیکار ایران افزوده شده است.

جمعیت شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر در این فصل ۲۳ میلیون و ۵۷۸ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل ۹۸ هزار نفر کاهش داشته است. بررسی اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که در بهار ۱۴۰۱، بخش خدمات با ۲/۵۱ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی بخش‌های صنعت با ۷/۳۲ درصد و کشاورزی با ۱۶ درصد قرار دارند.

نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله حاکی از آن است که ۲۴ درصد از فعالان این گروه سنی در بهار ۱۴۰۱ بیکار بوده‌اند. بررسی تغییرات فصلی نرخ بیکاری این افراد نشان می‌دهد،

دوران هول‌انگیز محاصره

محاصره اصفهان هفت ماه طول کشید. از اوایل بهار تا اواسط پاییز راه‌های ورود و خروج بسته بود و آذوقه به شهر نمی‌رسید. مردم اصفهان عادت به ذخیره کردن آذوقه نداشتند. از عهد شاه عباس اول در این شهر همه چیز، در همه فصول، به فراوانی یافت می‌شد و اهالی هرچه را که می‌خواستند در هر زمان می‌توانستند از بازار تهیه کنند. رفاه و فراوانی چنان برای مردم عادی شده بود که سختی و تنگدستی را باور نمی‌داشتند. از همین رو، در اوایل کار، محاصره و پیامدهای آن را جدی نمی‌گرفتند. «حزین لاهیجی» که خود شاهد اوضاع بوده است از بلندنظری و گشاده‌دستی مردم در دوران محاصره، حتی زمانی که به‌روایت او قیمت «قرص نانی به چهار پنج اشرفی رسیده بود» حکایت می‌کند و می‌نویسد ساکنان شهر به‌یاری هم برمی‌خاستند و کسی از گرسنگی تلف نمی‌شد اما با تمام شدن مواد غذایی و گسترش موج قحطی، سایه مرگ بر سر شهر افتاد.

تصاویری که وقایع‌نگاران از اوضاع اصفهان در این دوران به‌دست داده‌اند هول‌انگیز و باورنکردنی است. این تصویرها، شهری ثروتمند را نشان می‌دهد که بر اثر فقدان مواد غذایی محکوم به مرگ شده بود. «زبده‌التواریخ» از سرنوشت مردی ثروتمند گزارش می‌کند که تصور می‌رفت در خانه‌اش گندم و آذوقه پنهان کرده باشد اما حقیقت امر جز این بود: «مؤلف این دفتر (محمد محسن) خود در ایام محاصره، چون حسب‌الامر مقرر شده بود که به خانه‌ها و هر جا که آذوقه باشد رفته، هرجا که آذوقه باشد نصف آن را جهت سرکار پادشاهی گرفته، قدری را جهت سرکار خاصه برده، و قدری را بر سبیه‌ها (سنگ‌های دفاعی) و دروازه‌ها تقسیم نمایند، روزی با جمعی جلوداران سرکار خاصه که به جهت تمشیت امور و خدمات مزبور با کمترین (نگارنده تاریخ) مأمور بودند به خانه مردی نقشینه‌فروش که در میدان شاه دکان داشت رفته در زیرزمین که درب آن را کاه‌گل کرده بودند به گمان آن که البته در آنجا در زیرزمین گندم یا آذوقه مخفی کرده باشند درب را مفتوح نموده چون داخل زیرزمین شد، چهارده جوال که هر یک صد من تریز یا بیشتر می‌گرفته در بالای سکوی آجری که زیر آنها خالی بوده گذاشته، چون تاریک بود به‌محض ملاحظه جوالها همگی جزم نموده که تمام گندم یا آرد یا هر دو خواهد بود. در کمال سرور و خوشوقتی که گوئی فتح قلعه خیر نموده، بر سر جوالها رفته چون سر آنها را گشوده، تمام زر عباسی تازه سکه بود. در نهایت تکدر و مأیوسی باز سر آنها را بسته، از آنجا بیرون آمد. غریب‌تر آن که صاحبخانه با وجود آن قدر زر از گرسنگی مرده و کسی نبود که او را دفن نماید.»

کروسینسکی شرح می‌دهد که بر اثر ادامه محاصره و کمبود آذوقه، چگونه کار مردم به خوردن گوشت خر و شتر و سپس سگ و گربه کشید: «بعد از سه ماه محاصره شهر اصفهان، در بازار و چهارسوق، نان و گوشت و اقسام مأكولات قدری یافت می‌شد. بعد از آن گوشت خر و شتر فروخته می‌شد و قیمت بارگیری (صیوان بارکش) در اصفهان به دوازده تومان رسید. بعد از چند روز بیست و پنج تومان می‌خریدند و آنقدر طول نکشید که حماری را به پنجاه تومان می‌خریدند. بعد، آن هم پیدا نشد. بنای خوردن سگ و گربه نهادند. روزی از خانه‌ی ایلیچی فرانسه بیرون آمدم و به خانه‌ی بلیوز انگلیس می‌رفتم. در پیش‌سرای او زنی دیدم که گربه‌ای را گرفته بود. می‌خواست ذبح کند و گربه به او آویخته دست او را زخم کرده بود. فریاد می‌کشید. من به زن اعانت کردم، گربه را ذبح کرد...»

پس از آن نوبت به فروختن و خوردن گوشت انسان می‌رسد: «در عرض چهار ماه مردم بنای خوردن گوشت انسان کرده،

کالبدشکافی یک طغیان (۱۲)

(کیهان لندن شماره ۱۱۲۵ - ۱۱۰۰)

فروردین تا مهر ۱۳۸۵



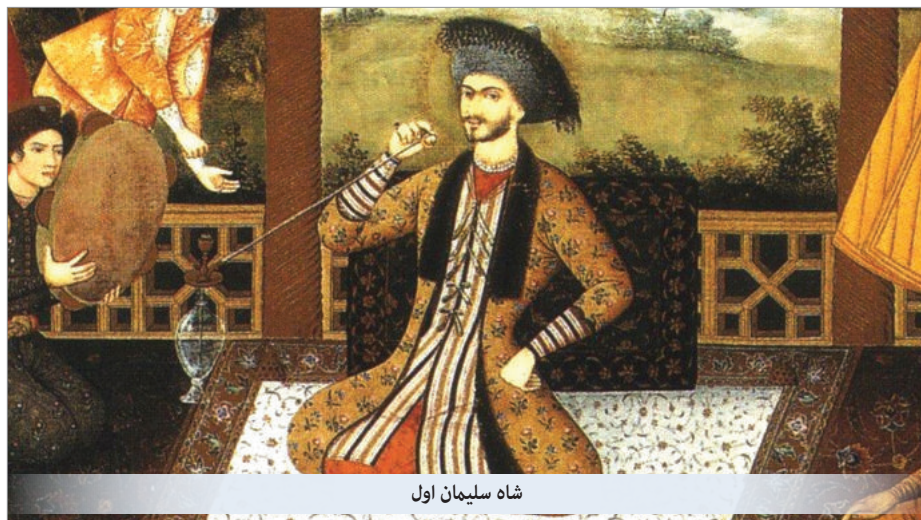
احمد احرار

پنج نفر قصاب به این امر مشغول بودند که مردم را گرفته سر ایشان را به سنگ کوفته می‌فروختند و مرده تازه را دیدم که در بازار رانهای او را بریده می‌خوردند.

برخی از مردم که تحمل چنان اوضاعی را نداشتند دست به خودکشی زدند. کسانی خودشان را می‌کشتند و کسانی دیگر برای رهایی خودشان و اهل و عیالشان از رنج چنین زندگی، مرگ دستجمعی را برمی‌گزیدند. لکه‌ها می‌نویسد: «گرسنگی چنان فشار آورده بود که چون کسی جان می‌سپرد همان دم دیگران گوشت گرم جسد را بریده بدون آن که بر آتش نهند یا ادویه‌ای بر آن بپزایند، با لذت به دندان می‌کشیدند، از آن فحیعتی، حتی کودکان را برای خوردن گوشتشان روده به‌قتل می‌رساندند» و کروسینسکی شهادت می‌دهد: «مردی از دبیران شاه سلطان حسین هرچه را داشت صرف عیال خود

«امروز دیلماج (مترجم) کمپانی با چشم خود دید که مردم کفش کهنه، گاو مرده، خاک، کاغذ، سرگین اسب و جز این را می‌خوردند...» و اندکی پس از آن: «در خیابانها دیده می‌شود که تنگدستان و گدایان جنازه‌هایی را که در گوشه و کنار افتاده است تکه‌پاره کرده می‌خورند. اینک از کنار این مردم گذشت مصیبت است چون مانند گرگان گرسنه به هر موجود زنده که قادر به دفاع از خود نباشد حمله می‌کنند و هر چه داشته باشد از او می‌گیرند... آنقدر از مردم می‌میرند که باورکردنی نیست. کوچه و پس‌کوچه‌ها از اجساد آدمیان انباشته و شهر از بوی گند و تعفن آکنده است.»

خاطرات کروسینسکی نیز مؤید این مدعاست: «گندم نایاب و در فاصله یک ماه قیمت نان دو برابر شد. اهالی برگ و پوست درختان را وزن کرده می‌فروختند. حتی ریشه خشک شده درختان را نیز آرد کرده اندکی جو بر آن می‌افزودند و با آن نان می‌پختند. چرم کفشهای کهنه را در آب جوشانده با آن شکم خود را سیر می‌کردند و چیزی نگذشت که آبگوشت چرم یکی از غذاهای رایج شد. از آن پس، نوبت به خوردن گوشت انسان رسید. برخی آشکارا و برخی در خفا گوشت مردگان را بریده می‌خوردند. حتی مادرانی گوشت کودکان خود را خورده بودند. وضع در اصفهان به چنان وخامتی گرائید که دفن کردن مردگان متروک شد. اجساد در کوچه و بازار بر روی هم تلنبار می‌شد و رهگذران مجبور بودند از روی اجساد در حال متلاشی شدن عبور کنند. شمار کثیری از مردگان را نیز به زاینده‌رود انداختند که بر اثر آن آب رودخانه به‌کلی آلوده و



شاه سلیمان اول

غیر قابل استفاده شده بود. در هر شهر دیگری، این اوضاع می‌توانست به بروز بیماری‌های همه‌گیر مانند وبا و طاعون منجر شود و فقط لطافت آب و هوای اصفهان بود که از بروز چنین فاجعه‌ای مانع می‌شد.

فشار زندگی، سرانجام به شورش عمومی انجامید. مردم که از بی‌تصمیمی شاه زنجیده بودند به قصر او هجوم بردند و با تیراندازی محافظان کاخ روبرو شدند. شاه عاجزتر از آن بود که کاری از دستش ساخته باشد. اسبها و شترهای اصطبل سلطنتی را کشته و خورده بودند. برای پرداخت حقوق سربازان، آنچه را که ظروف طلا و نقره در قصرهای سلطنتی وجود داشت به ضرابخانه برده و ذوب کرده بودند. جواهرات سلطنتی را نزد بازرگانان انگلیسی و هلندی فرو گذاشته و مبالغی برای گذراندن امور جاری قرض گرفته بودند. محمود در چنان احوالی می‌توانست به شهر حمله کند ولی ترجیح داد آنقدر انتظار بکشد که دیگر رمق دفاع از شهر و مقابله با سپاهیان او برای کسی باقی نماند.

در شماره آینده: سقوط اصفهان

کرد و دیگر چیزی برایش باقی نماند. در این حال تصمیم به هلاک عیال و اولاد خود گرفت. با آخرین نقدینه‌اش طعامی فراهم ساخت و در آن زهر ریخت و به کسان خود خوراند و اشک‌ریزان گفت ای عزیزان، این آخرین طعام ماست. راضی نمی‌شوم که شما از گرسنگی در کوچه و بازار بیفتید و به‌خواری جان دهید. پس، درب خانه بستند و همگی بر سر آن سفره جان سپردند. یادداشتهایی از کارکنان شرکت هلندی هند شرقی در اصفهان حاکی از وقایع روزانه دوران محاصره و قحطی اصفهان بر جای مانده است. این یادداشتهای از اول مارس 1722 (1135 هجری قمری) آغاز و به آخر ماه اوت ختم می‌شود. در یادداشتهای ماه ژوئیه آمده است: «بر اثر گرانی و قحطی، شماری باورنکردنی از مردم، هرروزه جان می‌سپارند. در هر کوچه و خیابان چندین نعش آدمی افتاده است. مردم بینوا اکنون از خوردن گوشت حیوانات بارکش به خوردن روده‌های این حیوانات و محتوی آنها رسیده‌اند... این روزها مردم فقیر و تهیدست را می‌بینی که استخوانهای اسبان و شتران را کوبیده و می‌خورند.» سپس در یادداشتهای ماه اوت می‌خوانیم:

سید کودتای شیبانگاه خود را به خوابگاه شاه رسانید و کودتایی را که قرار بود سپیده دم انجام گیرد لو داد!

دکتر علی بهزادی

(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد ۱۳۸۹ شماره ۱۳۰۸)

بازداشت سید ضیاءالدین توسط قوام السلطنه در سال ۱۳۲۵ و نیز سانسور نام و خاطرات وی بلافاصله پس از درگذشتش. در این مورد، من نیز خاطره‌ای دارم که بر نوشته دکتر بهزادی خواهم افزود.

احمد ارار

مؤمن» طبیب مخصوص شاه سلیمان صفوی را خوانده و برای مداوای بیماری‌ها از دستورهای او استفاده می‌کند. جالبترین طبابتی که از سید شنیدم مداوای بیماری آنژین شاه در آستانه سفر او به اتحاد جماهیر شوروی بود.

بعد از خاتمه جنگ، دوران نزدیکی اتحاد جماهیر شوروی با کشورهای همسایه فرا رسید. شوروی‌ها از شاه دعوت کردند به آن کشور سفر کند. از گوشه و کنار شنیده می‌شد عده‌ای از رجال - البته به صلاح دید کشورهای غربی به ویژه آمریکا - با این سفر نظر موافق ندارند. دو روز قبل از شروع این سفر، سید ضیاء برای دیدار شاه و خداحافظی به ملاقات او رفت.

آن روز سید تازه وارد کاخ شده بود که یکی از رؤسای تشریفات به دیدن او جلو آمد و گفت:

- اعلیحضرت بیمار و بستری هستند و به توصیه پزشکان کسی را نمی‌پذیرند.

سید او را کنار زد و گفت:

- من «کسی» نیستم. برو به عرض برسان برای دیدن ایشان آمده‌ام.

سید این را گفت و به راه افتاد. وقتی به اتاق خواب رسید، با یکی دیگر از رؤسای تشریفات روبرو شد. او هم سعی داشت به سید بفهماند که شاه کسی را نمی‌پذیرد. آنها که مشغول جر و بحث بودند، گاهی در اتاق باز می‌شد، کسی می‌رفت و کسی می‌آمد. شاه صدای سید ضیاء را شناخت. دستور داد او را به اتاق راهنمایی کنند.

ظاهر حال شاه نشان می‌داد تب شدیدی دارد. در کنار تختخواب تعدادی شیشه دوا و جعبه‌های قرص روی میز دیده می‌شد و عده‌ای از پزشکان نظامی و غیرنظامی و ژنرالها جمع بودند. شاه خطاب به سید گفت:

- تب سختی کرده‌ام. حالم بد است.

سید گفت:

- و حتماً پزشکان به اعلیحضرت توصیه کرده‌اند از رفتن به سفر خودداری فرمایید.

شاه از این سخن یکه خورد:

- بله... بله... تب شدیدی دارم. قادر به حرکت نیستم. پزشکان «آنژین» تشخیص داده‌اند.

سید از جا برخاست، به طرف شاه رفت، نبض شاه را گرفت، چشم و زبان شاه را معاینه کرد و گفت:

- همین طور است. تب شدید است، ولی اعلیحضرت به سفر خواهند رفت.

شاه با حیرت گفت:

- با این تب؟

سید ضیاء جواب داد:

- خیر، بدون این تب!

بعد دستور داد هر چه دوا، قرص، شربت و آمپول

بعد که فعالیت‌های سیاسی او طی نیم قرن است و با افت و خیزهای زیاد همراه بود، داستانی است شنیدنی و به همین مناسبت، دوست و همکار عزیزمان دکتر صدرالدین الهی نیز خاطرات و گفت و گوهای خود را با «سید» در کتابی تدوین و آماده چاپ کرده است. کتابی همراه با صدای ضبط شده سید ضیاءالدین.

در «شبه خاطرات» از جمله به دو موضوع اشاره رفته است:



سید ضیاءالدین طباطبائی

پس از ترور رزم‌آرا، دولت محلل حسین علاء روی کار آمده بود، اما بازیگران پشت صحنه ترتیبی داده بودند که سید ضیاءالدین طباطبائی را به نخست وزیر انتخاب کنند. در ششم اردیبهشت علاء به طوری غیرمنتظره استعفا داد. دکتر مصدق و یارانش مشکوک شدند و چون به آنها خبر رسید که سید هم اکنون در کاخ سلطنتی نشسته و منتظر ابراز تمایل مجلس است، دکتر مصدق که بارها و بارها پیشنهاد نخست وزیری را رد کرده بود، آن روز همین که جمال امامی پیشنهاد کرد دکتر مصدق نخست وزیر شود تا خودش مسأله نفت را حل کند، او پذیرفت و در میان بهت و حیرت نمایندگان که منتظر بودند کلمه «نه» را از دهان او بشنوند تا سید را به نخست وزیر برسانند، دکتر مصدق با رأی نمایندگان به نخست وزیر رسید و دوره جدیدی در تاریخ معاصر آغاز شد.

سید در طول ۲۷ ماه نخست وزیر دکتر مصدق فعالیتی نداشت. او تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عملاً خانه نشین بود. اما بعد از آن به عنوان مشاور شاه هفته‌ای یک روز به کاخ می‌رفت و درباره مسائل سیاسی اظهارنظر و راهنمایی می‌کرد.

طبابت سید ضیاء

از جمله علوم که سید ادعا می‌کرد در آن تبحر دارد علم پزشکی بود. امکان نداشت کسی در حضور سید ضیاءالدین طباطبائی از یک بیماری سخت یا از دردی مختصر در نقطه‌ای از بدن شکوه بکند و سید بی‌درنگ به منظور مداوای او دستورهای ندهد. سید ضیاءالدین طباطبائی به داروهای «اسپسیالیته» اعتقادی نداشت. او برای مداوای بیماری‌ها داروهای گیاهی و سنتی تجویز می‌کرد. آشنایانش عقیده داشتند او کتاب «تحفه حکیم مؤمن» اثر معروف «محمد

بخشی از «شبه خاطرات» دکتر علی بهزادی مدیر مجله سپید و سیاه، که مجموعه‌ای است از خاطرات پراکنده درباره رجال سیاسی و ادبی ایران در قرن اخیر، به «سید ضیاءالدین طباطبائی» اختصاص دارد. در این بخش، نویسنده از مناسبات و گفت و گوهای خود با «سید» سخن می‌گوید.

زندگی سید ضیاءالدین، چه در دوران روزنامه‌نگاری و چه در سالهای

... طی هشت سال، از اسفند ۱۳۲۳ (از دوره چهاردهم تا آغاز نخست وزیر دکتر مصدق) سید ضیاءالدین طباطبائی رهبر اکثریت مجلس شورای ملی و گرداننده اصلی سیاست مملکت بود. او که در آغاز کار با همکاری مظفر فیروز مبارزه شدیدی را علیه دربار شروع کرده بود به تدریج به شاه نزدیک شد.

طی این سالها سید فراز و نشیبهای فراوان دید، فحشها شنید، به زندان افتاد. در جریان وقایع آذربایجان و مسأله نفت او حامی ساعدالوزاره (محمد ساعد)، صدراالاشراف (محسن صدر) و حکیم الملک (ابراهیم حکیمی) نخست وزیران آن زمان بود، ولی این رجال دوره‌های گذشته قادر نبودند بر اوضاع آشفته کشور مسلط شوند. سرانجام شاه و مجلسیان دست به دامان احمد قوام شدند. او وقتی در سفر مسکو از استالین و مولوتف این گله را شنید که «دولت ایران دم از دوستی با اتحاد جماهیر شوروی می‌زند، ولی در همان حال دشمنان قسم خورده شوروی مانند سید ضیاءالدین طباطبائی و جمال امامی آزادانه به فعالیت مشغول هستند» با کمک مظفر فیروز برنامه ریزی کرد تا نمایندگان مجلس چهاردهم که سعی می‌کردند به عنوان جلوگیری از دخالت اشغالگران خارجی، آن دوره را تمدید کنند، موفق نشوند نقشه خود را عملی سازند. در نتیجه به محض آنکه عمر مجلس به پایان رسید، مأموران شهربانی سید را گرفتند و به زندان انداختند. ۲۴ سال قبل (از آن) سید ضیاء پس از کودتا قوام السلطنه را زندانی کرد. اکنون نوبت قوام نخست وزیر بود که سید را به زندان بیندازد.

قوام السلطنه چنان صحنه آرای کرده بود که درست در لحظه‌ای که «سادچیکف» سفیر جدید اتحاد جماهیر شوروی در کاخ نخست وزیری از فعالیت‌های مخرب سید ضیاء و عواملش شکوه می‌کرد، سرتیب صفاری رئیس شهربانی وقت اجازه ورود خواست و دست را به علامت احترام بالا برد و خطاب به قوام با لهجه گیلانی شیرین خودش - که تا آخر عمر حفظ کرده بود - گفت:

- بدینوسیله به اطلاع جناب اشرف می‌رساند که بر اثر دستور آن جناب، سید ضیاءالدین طباطبائی نماینده سابق مجلس تحت بازداشت درآمد و هم اکنون که مشغول عرض این گزارش هستم، او در راه زندان می‌باشد.

لبهای قوام زیرک به خنده باز شد. وقتی مترجم جریان را برای اطلاع سادچیکف بازگو کرد، نیش سفیر شوروی به نوبه خود تا بناگوش باز شد.

به این ترتیب سید ضیاءالدین طباطبائی در روز اول فروردین ۱۳۲۵ به جای نشست مقابل سفره هفت سین منزلش به دستور قوام السلطنه طبق ماده پنج حکومت نظامی زندانی شد. او تا روز ۲۷ اسفند آن سال در زندان شهربانی بازداشت بود که سرانجام در آن روز به علت بیماری به منزل منتقل شد. سید در این دوره تا اردیبهشت ۱۳۳۰ فعالیت زیادی نداشت.

کنار تخت شاه بود بردارند. گفت:

- من تب اعلیحضرت را ظرف چند ساعت پایین می‌آورم. فقط باید قول بدهید هیچیک از پزشکان اینجا نمانند و هیچ یک از این دواها را هم نخورید.
بعد نگاهی به دکتر عبدالکریم ایادی پزشک مخصوص شاه کرد و گفت:

- البته تیمسار ایادی استثنا هستند. ایشان هم فقط باید کارهای مرا نگاه کنند. اگر چیزی به نظرشان خلاف مصلحت آمد تذکر بدهند!

بعد سید گفت:
- اگر اعلیحضرت دستور بدهند اتاق خلوت شود کار بهتر انجام خواهد شد.

شاه نگاهی به رؤسای تشریفات، ژنرالها و پزشکان کرد که نشان می‌داد منظورش آن است که به سخنان سید گوش بدهند. سید ضیاء گفت که دو سه نفر مانند و به یکی از آنها گفت:
- زود یک تشت بزرگ بیاورید.

رئیس تشریفات به شاه نگاه کرد. شاه با اشاره سر حرف سید را تأیید کرد. او رفت و پس از ربع ساعت با یک تشت کوچک برگشت.

سید تقریباً فریاد کشید:

- من گفتم تشت بزرگ. تشت مسی! پلاستیکی هم باشد مانع ندارد.

و به دنبال او، سید یک نفر دیگر را دنبال یک پارچ آب نیم گرم و دو حوله بزرگ، و سومی را به منظور آوردن نمک فرستاد. سید چیزهایی می‌خواست که معمولاً در کاخ سلطنتی پیدا نمی‌شد یا از نوع کوچک و لوکس آن بود، به این جهت آن روز چند بار عصبانی شد. او هر وقت عصبانی می‌شد زبانش می‌گرفت و هر وقت زبانش می‌گرفت بیشتر عصبانی می‌شد. سرانجام همه چیز آماده شد. نمک آشپزخانه، تشت بزرگ، آب نیم گرم، حوله، سید آب و نمک را در تشت ریخت. خوب هم زد. کتفش را کند. آستینهایش را بالا زد و دستور داد تشت را کنار تختش شاه بردند. به شاه اشاره کرد پاهایش را یکی یکی داخل تشت پر از آب بکنند.

به سپهبد دکتر ایادی - سرلشکر آن زمان - دستور داد نمک را در تشت آب بریزد و به هم بزند. به یک ژنرال گفت پاهای شاه را یکی یکی ماساژ بدهد و به یکی از رؤسای تشریفات دستور داد پاها را با حوله خوب خشک کند.

آن روز سید ضیاءالدین طباطبائی - نخست وزیر پیشین ایران - تا نیمه‌های شب در کاخ ماند. عمل پاشویه را چند بار تکرار کرد. برای تقویت قلب و عروق دستور چند نوع عرق گیاهی مثل عرق بیدمشک، عرق نعنا، عرق بهار نارنج و... داد. آخر شب دکتر ایادی هم قبول کرد تب شاه که بعد از ظهر بالای 39 درجه بود شکست و پایین آمد.

سید خسته و کوفته از جا بلند شد، برای روز بعد سفارشات کرد و از سعدآباد خارج شد. روز بعد با آنکه خبر داشت حال بیمارش بهتر شده، بازهم به عیادت او رفت تا مأموران معذور تصمیم شاه را جهت مسافرت عوض نکنند. حال شاه خوب شد و با وجود نقاهت آمادگی داشت که به سفر برود.

چند روز بعد اشرف، سید را دید و گفت:

- شما چه افسونی خواندید که برادرم را به آن سرعت معالجه کردید؟

سید گفت:

- هیچ. فقط خواستم نشان بدهم که طب سنتی ما از طب مدرن مؤثرتر است.

وقتی کودتای چلو کودتا را می‌گیرد!

یک نیمه شب سال 1336 سید ضیاءالدین طباطبائی به دربار تلفن کرد که برای امر مهمی باید فوراً شاه را ملاقات کند. او به امیران کشیک شبانه کاخ گفت: «به شاه اطلاع بدهید آماده باشند. من هم اکنون برای امر مهمی به کاخ می‌آیم» و بدون آنکه منتظر تأیید یا مخالفت امیران کشیک دربار باشد به سوی سعدآباد حرکت کرد.

سید ضیاء وقتی به سعدآباد رسید، دقایقی از دو بعد از نیمه شب گذشته بود. رسم دربار شاه آن بود که علاوه بر افسران گارد که کشیک داشتند، هر شب دو تن از امیران مورد اعتماد شاه تا صبح بیدار می‌ماندند. وقتی سید وارد کاخ شد، امیران کشیک که او را می‌شناختند به استقبالش رفتند و احترام نظامی به جای آوردند. سید عرض سلام و جواب با عجله پرسید:

- آیا به اعلیحضرت گفته‌اید به دیدنش می‌آیم؟

آنها جرأت نکرده بودند شاه را برای چیزی که از اهمیت آن اطمینان نداشتند بیدار کنند. بیدار کردن شاه در نیمه شب دلیل قانع کننده‌ای لازم داشت. سید دلیلی ارائه نکرده بود. شاه شبها دیروقت به اتاق خواب می‌رفت و آن شب دیرتر از همیشه رفته بود. دو امیر با تردید به هم نگاه می‌کردند که سید نگاهی به ساعت خود کرد و گفت:

- ساعت نزدیک دو و نیم بعد از نیمه شب است. اگر شما تا قبل از ساعت 3 اعلیحضرت را به اینجا نیاورید یا مرا نزد ایشان نبرید، مسئولیت همه رویدادها با شما خواهد بود!

تهدید سید چنان قاطع و صریح بود که بلافاصله یکی از آنها رفت تا جریان را به اطلاع شاه برساند. چند دقیقه نگذشته بود که شاه خواب آلود در حالی که ربدو شامبری به تن داشت وارد دفتر شد. وقتی در آنجا چشمش به سید افتاد، گفت:

- چه شده؟ این وقت شب به دیدن من آمدید؟

سید در حالی که کلاه پوست خود را از سر بر می‌داشت، گفت:

- اعلیحضرت، مسئله مهمی بود که لازم دانستم شخصاً به خدمت برسم!

شاه قیافه‌ای به خود گرفت که نشان می‌داد آماده شنیدن سخنان سید است، اما او نگاهی به آن دو امیر کرد. شاه متوجه شد. با سر به آنها اشاره کرد به اتاق دیگر بروند.

وقتی سید با شاه تنها ماند، بار دیگر نگاهی به ساعت خود کرد. هنوز چند دقیقه به ساعت 3 مانده بود. گفت:

- خبر بسیار مهمی دارم، ولی اعلیحضرت قبلاً باید در دو مورد قول بدهند.

شاه با خنده‌ای تصنعی گفت:

- من نشنیده و ندانسته چطور می‌توانم قول بدهم!

سید جواب داد:

- اعلیحضرت، موضوع جدی است. قول شما هم لازم است. چون فقط با این شرط جریان را به اطلاع من رسانده‌اند.

شاه می‌دانست سید ضیاء بی دلیل حرفی نمی‌زند. قبول کرد. سید گفت:

- شرط اول آن است که اعلیحضرت سؤال نفرمایند چه کسی خبر را به من داده و من چگونه از ماجرا مطلع شده‌ام. قول دوم آن است که دستور اعدام هیچکس صادر نشود!

لحظه به لحظه بر حیرت شاه افزوده می‌شد. با لحنی که کمی نگرانی از آن آشکار بود گفت:

- در هر دو مورد قول می‌دهم. حالا زودتر جریان را شرح بدهید.

سید وقتی مطمئن شد، گفت:

- هم اکنون در یکی از پادگانهای تهران حالت آماده باش داده شده. سربازان مسلح با تانکهای مجهز آماده حرکت به سوی کاخ هستند!

رنگ شاه پرید. به شدت تکان خورد:

- یعنی خیلی ساده می‌خواهید بگویید کودتایی در حال وقوع است؟

سید جواب داد:

- همین طور است قربان و برای همین من اینقدر عجله داشتم، ولی امیران کشیک اعلیحضرت ساعتی از وقت گرانبهارا هدر دادند. اما هنوز وقت باقی است.

شاه سعی کرد اقدام عجولانه‌ای نکند، چون فکر می‌کرد مقامی یا کسی که از چنین ماجرای مهمی اطلاع پیدا کرده و جریان واقعه را به اطلاع او رسانده حتماً فکر چاره کار را هم کرده است. اتفاقاً این فکر درست بود. چون سید ادامه داد:

- هم اکنون و بدون فوت وقت به چند تن از افسران مورد اعتماد خود دستور بدهید در رأس یک گروه مکانیزه از افراد گاردی به آن پادگان (سید اسم پادگان را به شاه گفت) بروند. گروههای دیگر در اینجا آماده دفاع باشند تا اگر آنها موفق نشدند جلوی حمله را بگیرند تا در اینجا اغفال نشویم.

سید سپس ادامه داد:

- افسرانی که به پادگان می‌روند باید بلافاصله افسران یاغی را بازداشت و سربازان را خلع سلاح کنند و چاشنی قسمت (این یک اصطلاح فنی بود) تانکها را از کار بیندازند تا قادر به انجام عملیات تهاجمی نباشند.

شاه بلافاصله فرمانده گارد را احضار کرد و دستوراتی داد و در همان حال تلفنهایی کرد. در این لحظه رنگ شاه به شدت پریده بود. او در حالی که تند تند در اتاق قدم می‌زد گفت:

- کودتایی علیه من در حال انجام است، آن وقت شما از من قول گرفته‌اید به عاملین کودتا کاری نداشته باشم. علاوه بر آن نپرسم چه کسی این کودتا را لو داده، چون احتمالاً خود آنها مشوق کودتا بودند که بعداً به عللی منصرف شدند. اما باز خوب است از من نخواستارید به آنها نشان و مدال هم بدهم!

سید بار دیگر نگاهی به ساعت خود کرد تا شاه را متوجه حساسیت وضع کند. آنگاه گفت:

- اعلیحضرت می‌دانند که من در زمینه کودتا اطلاعات کافی دارم. یک بار کودتا کردم. پدر اعلیحضرت به تخت نشست. این بار آدم جلوی کودتایی را بگیرم تا اعلیحضرت راحت به تخت بنشینند. اگر من از اعلیحضرت خواسته‌ام قولی بدهند، به جهت این است که فقط به این شرط آن اطلاعات بسیار مهم به من داده شده است.

شاه نگاهی به ساعت دیواری کرد. چند دقیقه از 3 صبح گذشته بود. آیا این یک شوخی بود یا واقعاً جدی است. یک بار دیگر به وسیله تلفن داخلی از وضع جويا شد تا ببیند دستوراتی که داده عمل شده یا کودتای چیان در کاخ هم عواملی داشته‌اند.

او می‌دانست کودتا شوخی‌بدار نیست. کوچکترین غفلتی می‌تواند حوادث مهمی به بار بیاورد. در همان ایام در عراق و سوریه چند کودتا به وقوع پیوسته بود. وقتی شاه فمید یک تیپ مکانیزه از لشکر گارد در راه پادگان مورد نظر است و در کاخ هم حالت آماده باش داده شده، بار دیگر رو به سید ضیاء کرد و گفت:

- من می‌دانم شما در زمینه کودتا اطلاعات زیادی دارید، اما این هم درست نیست که من عاملان کودتا را آزاد بگذارم. این کار مشوق آنها برای اقدامات بعدی خواهد شد.

سید جواب داد:

این دور مذاکرات اقمی نیز در وین به پایان رسید؛ منابع اروپایی: «متن نهایی» ارائه شده و غیرقابل تغییر است!

● جوزپ بورل در توییتی نوشت متن نهایی توافق برای احیای برجام آماده شده و اکنون زمان تصمیم‌گیری سیاسی است.

● یک مقام غربی به پولیتیکو گفت آنچه به عنوان «متن نهایی» توافق هسته‌ای برای احیای برجام توسط جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ارائه شده «تفاوت زیادی با متن قبلی ندارد».

● یکی از دیپلمات‌های ارشد اروپایی به شرط ناشناس ماندن تأیید کرده جمهوری اسلامی در تحقیقات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سنگ‌اندازی می‌کند. او می‌گوید «به نظر می‌رسد رژیم ایران ترجیح می‌دهد بجای رفع تحریم‌ها و بهبود وضعیت مردم با توافق، از برخی افراد درگیر در فعالیت‌های مخفیانه اتمی ۲۰ سال پیش محافظت کند».

● یکی از پرسش‌های فنی مربوط به ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی است که به خاطر میزان رادیواکتیو بالا امکان خارج کردن آنها از ایران وجود ندارد. بر اساس برجام، تمام اورانیوم غنی شده در ایران باید به خارج از کشور منتقل شود.

● در توافق احتمالی، آمریکا تضمین خارج نشدن از آن را نمی‌دهد اما تضمین‌های اقتصادی در نظر گرفته شده که قراردادهای شرکت‌هایی که با ایران تجارت می‌کنند بطور موقت تداوم پیدا کند.

● به گفته هنری روم تحلیلگر ارشد اوراسیا، در حالی که ایران با وجود تحریم‌ها توانسته بخشی از نفت خود را - عمدتاً به چین - بفروشد، برجام احیاشده نیز به رژیم ایران این امکان را می‌دهد تا حدود یک میلیون بشکه در روز بالاتر از صادرات فعلی صادر کند.

خبرگزاری رویترز دوشنبه ۸ اوت (۱۷ مرداد) به نقل از یک مقام ارشد اتحادیه اروپا گزارش داد که انریکه مورا معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا «متن نهایی» توافق اتمی را به هیات‌های نمایندگی طرفین مذاکره ارائه کرده است.

این مقام که خواست نامش فاش شود اظهار داشت: «ما چهار روز کار کردیم و امروز این متن روی میز قرار دارد. مذاکرات به پایان رسیده و این متن نهایی است... و دیگر قابل مذاکره نیست».

جوزپ بورل در توییتی نوشت متن نهایی توافق برای احیای برجام آماده شده و اکنون زمان تصمیم‌گیری سیاسی است.

بورل تأکید کرده «آنچه می‌شد درباره‌اش مذاکره

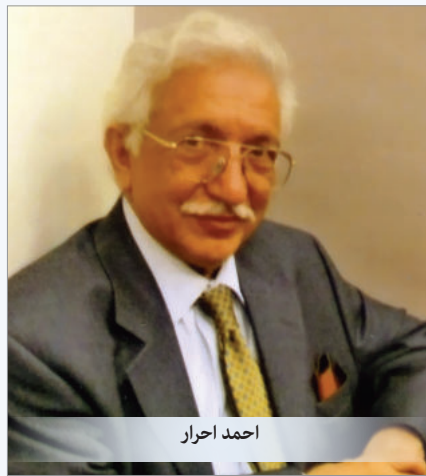
کند. یکی از این مشاوران سید ضیاءالدین طباطبائی بود. سید ضیاءالدین طباطبائی که می‌دانست کودتای او باعث سلطنت رضاشاه و محمدرضا شاه شده، بعد از یک دوره کوتاه مخالفت و بی‌اعتنایی تصمیم گرفت نسبت به شاه حالت یک حامی و راهنما را پیدا کند. شاه هم که بعد از مدتی دانست سید با توجه به سن و سال بالایش دیگر هوس‌ری سر ندارد، به او اجازه می‌داد هر چه می‌خواهد بگوید.

سید ضیاءالدین طباطبائی هفته‌ای یک روز دوشنبه‌ها با شاه و شهبانو ناهار می‌خورد و با تجربه و علاقه‌ای که در امر کشاورزی و باغداری داشت، نظارت باغ بزرگ کاخ سعدآباد را هم به عهده گرفته بود. او وقتی در ناحیه سردسیر سعدآباد نخستین موز پرورشی را که به عمل آورده بود به شاه و شهبانو داد، آنها قبول کردند که سید اگر یک نخست وزیر ایده‌آل نیست، باغبان خوبی است...

من نگفتم اعلیحضرت آنها را آزاد بگذارند. خواهش من فقط آن بود که آنها را اعدام نکنید. شما هم قول دادید! به شنیدن این حرف خیال شاه راحت شد. کودتا همان شب سرکوب شد. هیچیک از عاملان کودتا اعدام نشدند، اما همه از مشاغل خود برکنار شدند و بیشترشان زندانی شدند. سید از گفتن نام عاملان کودتا به نگارنده خودداری کرد. بعدها که جریان کودتای سپهبد قرنی برملا شد فکر کردم شاید این ماجرا مربوط به او باشد و یا یک کودتای دیگر که هرگز فاش نشد. اما فکر می‌کنم انگلیسی‌ها باعث لو رفتن کودتا بودند. انتخاب سید برای رساندن پیام به شاه احتمال دخالت آنها را زیاده‌تر می‌کند.

شاه بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به این نتیجه رسید که گذشته از رجال شاغل، با عده‌ای از رجال قدیمی رابطه برقرار کند و از آنها به عنوان واسطه بین خود و طبقات مختلف مردم استفاده

حاشیه‌ای بر «شبه‌خاطرات»



احمد احرار

سید ضیاءالدین طباطبائی در هشتم شهریورماه ۱۳۴۸ درگذشت و به‌هنگام مرگ هشتاد سال داشت.

دکتر علی بهزادی می‌نویسد «در سفر اروپا بودم که از درگذشت سید ضیاءالدین آگاه شدم. در بازگشت به ایران علاقه‌مند شدم درباره جزئیات مرگ سید ضیاء و روزهای آخر زندگانی او کنجکاوی کنم و خاطره‌هایی را که از او شنیده بودم در مجله بنویسم، اما دستور ساواک مانند صاعقه فرود آمد: درباره سید ضیاء نباید چیزی نوشته شود. هرچه تا حال نوشته شده کافی است...»

و اما خاطره من:

قرار بود جنازه سید با تشریفات رسمی از مسجد سپهسالار تشییع شود. مطابق تشریفات مرسوم، جنازه در حالی که خانواده متوفی و رجال و شخصیت‌های مذهبی و سیاسی و به‌دنبال آنها جمعیت مشایعت‌کننده در حرکت بودند تا چهارراه سرچشمه تشییع و از آنجا با آمبولانس به گورستان حمل می‌شد.

آن روز، من در مسجد سپهسالار حاضر و ناظر بودم. جنازه در شبستان قرار داشت. اسدالله علم وزیر دربار شاهنشاهی که مراسم را سرپرستی می‌کرد و به‌نوعی صاحب عزامحسوب می‌شد در موعد مقرر دستور حرکت داد. جنازه را بر روی دوش از شبستان خارج کردند و به‌طرف خیابان حرکت دادند. هنوز جنازه در صحن مسجد بود که کسی با عجله خود را به علم رسانید و در گوش او چیزی گفت و بلافاصله هر دو شتابان به سوی دفتر نایب‌التولیه رفتند. جنازه از دالان مسجد می‌گذشت و نزدیک در خروجی بود که علم بازگشت و دستور داد مراسم تشییع به همانجا خاتمه پیدا کند. آمبولانس را آوردند جلو مسجد و جنازه را داخل آن جای دادند و به گورستان بردند.

پیدا بود که این تغیر بر اساس یک دستور تلفنی لازم آمده است اما دلیل آن را کسی نمی‌دانست. رجال و معاریف مات و مبهوت به‌هم می‌نگریستند و در نگاهشان این سؤال موج می‌زد که «قضیه چیست؟ چه اتفاق افتاده است؟!» سؤالی که کسی جواب آن را نمی‌دانست و اگر هم جوابی در ذهن داشت سعی می‌کرد بر زبان نیاورد.

من برگشتم به روزنامه و قصد داشتم خبری بنویسم اما خبر عجیب‌تری در انتظارم بود. گفته شد که دستور رسیده است از این پس چیزی درباره سید ضیاءالدین نوشته نشود. بدین کیفیت سید از نظر خبری هم مدفون شد!

نکته دوم را از قول شادروان قاسم مسعودی نقل می‌کنم. قاسم مسعودی به‌عنوان روزنامه‌نگار همراه با قوام‌السلطنه

به مسکو رفت و شاهد دیدار و مذاکرات قوام با استالین بود. او نقل می‌کرد که در مسکو وقتی قوام‌السلطنه به استالین وعده داد در صورت فراخواندن ارتش سرخ و قطع حمایتش از پیشه‌وری و فرقه دموکرات، امتیازاتی - ازجمله در مورد نفت شمال ایران - به روس‌ها بدهد استالین ناباورانه جواب داد قدرت سیاسی را در ایران عوامل انگلستان ازقبیل سید ضیاءالدین و دشتی و جمال امامی در دست دارند و به شما فرصت چنین اقداماتی نخواهند داد. قوام گفت من برمی‌گردم و به شما نشان می‌دهم که قدرت در دست کیست.

قاسم مسعودی می‌گفت در مراجعت به تهران، من توسط برادرم محمدعلی خان قضیه را به گوش سید ضیاءالدین رساندم و او منتظر بود که به‌سراغش بروند. بنابراین چمدانش را بسته بود و انتظار مأموران را می‌کشید و البته طوری وانمود می‌کرد که به اطرافیانش بی‌اوراند از غیب خبر می‌گیرد!

زمانی که سید ضیاءالدین و گروهی دیگر، ازجمله علی دشتی و جمال امامی و سالار سعید سنجدی گرفتار بودند صادق سرمد قصیده‌ای سرود با این مطلع:

ای دوستان من که به زندان نشستید
گریان به کام دشمن خندان نشستید

نادر نادرپور که آن زمان شاعر نوجوانی بود و تمایلات چپي داشت در پاسخ به سرمد، قصیده‌ای به همان طول و در همان بحر، در روزنامه «مردم» به‌چاپ رسانید با این مطلع:

این دوستان تو که به‌زندان نشستند
زدان ناشی‌اند و به‌کهدان نشستند...



از دیدارهای علی باقری‌کنی و انریکه مورا در وین

یکی دیگر از پرسش‌های فنی اتمی مربوط به ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی است که به خاطر میزان رادیواکتیو بالا امکان خارج کردن آنها از ایران وجود ندارد. بر اساس برجام، تمام اورانیوم غنی شده در ایران باید به خارج از کشور منتقل شود.

به گفته یک مقام ارشد غربی آگاه به توافق هسته‌ای و مسائل آن، متن پیش‌نویس نهایی شامل راه‌حل‌های ممکن برای این موضوعات است.

البته یکی دیگر از موانع مهمی که ماه‌هاست توافق نهایی را با بن‌بست روبرو کرده، درخواست جمهوری اسلامی برای حذف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی ایالات متحده است که جو بایدن آن را تا کنون نپذیرفته است.

به گفته‌ی یک دیپلمات ارشد اتحادیه اروپا، تهران موافقت کرده است که این تقاضا را کنار بگذارد و در آینده در گفتگوهای مستقیم با واشنگتن درباره این موضوع مذاکره کند.

به نوشته‌ی پولیتیکو، جمهوری اسلامی ایران همچنین خواستار تضمین حقوقی از سوی ایالات متحده شده که در آینده از توافق هسته‌ای خارج نخواهد شد. دولت بایدن اما بارها تاکید کرده است که به تعهدات خود تحت این توافق پایبند خواهد بود اما نمی‌تواند تضمینی برای دولت‌های آینده ارائه کند. در عوض تضمین‌های اقتصادی ارائه شده که به رژیم ایران فرصت بهره‌مندی مالی از این توافق را می‌دهد حتی اگر دولت آمریکا دوباره از این توافق خارج شود. یکی از این تضمین‌ها که درباره آنها صحبت شده، تداوم موقت قراردادهای برای شرکت‌هایی است که با ایران تجارت می‌کنند. تمدید قرارداد ایران را قادر می‌سازد تا نفت خود را آزادانه در بازارهای جهانی بفروشد و به دارایی‌های مسدود شده خود به ارزش ۱۰۰ میلیارد دلار دوباره دسترسی پیدا کند.

به گفته هنری روم تحلیلگر ارشد اوراسیا، «در حالیکه ایران با وجود تحریم‌ها توانسته بخشی از نفت خود را - عمدتاً به چین - بفروشد، برجام احیاء شده نیز به رژیم ایران این امکان را می‌دهد تا حدود یک میلیون بشکه در روز بالاتر از صادرات فعلی صادر کند. این تحلیلگر همچنین گفت «اگر نفت به قیمت هر بشکه ۱۰۰ دلار معامله شود، آنگاه ایران ۳ میلیارد دلار درآمد اضافی در ماه بر صادرات موجود خواهد داشت.»

نقطه نیستیم.»

یک مقام غربی نیز به پولیتیکو گفت آنچه به عنوان «متن نهایی» توافق هسته‌ای برای احیای برجام توسط جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ارائه شد «تفاوت زیادی با متن قبلی ندارد... این متن در پایتخت چهار کشور مورد بررسی قرار خواهد گرفت و بهترین عملکرد اتحادیه اروپا است که با هدف انجام معامله میان طرفین انجام داده است.»

پولیتیکو در بخشی از این گزارش اشاره کرده که در طول پنج روز گذشته، دیپلمات‌های اتحادیه اروپا را می‌شد دید که دیوانه‌وار بین دو هتل مختلف که دو هیات جمهوری اسلامی و آمریکا در آنجا مستقر بودند و هر دو در امتداد یک خیابان قرار داشتند با پوشه‌های حاوی اسناد در رفت و آمد بودند.

یکی از اساسی‌ترین اختلافات میان جمهوری اسلامی و آمریکا بی‌پاسخ ماندن پرسش‌های آژانس در مورد کشف آثار اورانیوم با منشأ انسانی در سه سایت اعلام نشده در ایران است که بر اساس اطلاعاتی که موساد بر اساس اسناد سرقت شده در اختیار آژانس گذاشت، کشف شد. این نهاد بین‌المللی بارها تکرار کرده است که مقامات مسئول در ایران به پرسش‌های آژانس پاسخ‌های قانع‌کننده نداده‌اند. یکی از دیپلمات‌های ارشد اروپا به شرط ناشناس ماندن در اینباره تأیید کرده که جمهوری اسلامی در تحقیقات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سنگ‌اندازی می‌کند چرا که «به نظر می‌رسد رژیم ایران ترجیح می‌دهد بجای رفع تحریم‌ها و بهبود وضعیت مردم با توافق، از برخی افراد درگیر در فعالیت‌های مخفیانه اتمی ۲۰ سال پیش محافظت کند.»

جمهوری اسلامی ایران یکی از شروط توافق را بسته شدن پرونده مربوط به مسائل پادمانی مربوط به فعالیت‌های مشکوک اتمی کرده که غربی‌ها آن را نپذیرفتند.

به گفته یکی از مقامات ارشد غربی، در صورتیکه تهران توضیح قانع‌کننده در مورد منشأ آثار اورانیوم کشف شده بدهد، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌تواند قطعنامه‌ای مبنی بر بسته شدن تحقیقات در مورد این موضوع تصویب کند.

یک موضوع مهم دیگر جزئیات نصب مجدد دوربین‌هایی است که برای نظارت بر پایبندی تهران به برجام استفاده می‌شد و رژیم ایران در ماه ژوئن به تلافی قطعنامه تنبیهی شورای حکام علیه جمهوری اسلامی آنها را خاموش کرد.

کرد، مورد مذاکره قرار گرفته و اکنون در متن نهایی ثبت شده. با این حال، پشت هر موضوع فنی و هر پاراگراف یک تصمیم سیاسی نهفته که باید در پایتخت طرفین اتخاذ شود.»

به گزارش رویترز، در حالی که نمایندگان اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی و آمریکا آماده خروج از وین هستند، جوزپ بورل گفته است: «اگر پاسخ طرفین مثبت باشد، می‌توانیم این توافق را امضا کنیم.»

پیشتر یکی از مقامات ارشد اتحادیه اروپا به خبرنگاران گفته بود که هیچ تغییری در این متن که ۱۵ ماه وقت صرف مذاکره درباره آن شده نمی‌تواند اعمال شود و انتظار می‌رود که تصمیم نهایی طرفین طی «هفته‌های بسیار بسیار اندک» اتخاذ شود. این مقام همچنین گفت که «این یک بسته پیشنهادی است... شما نمی‌توانید با صفحه ۲۰ آن موافق باشید و با صفحه ۵۰ مخالفت کنید! بلکه فقط باید بله یا نه بگویید!»

رویترز نوشت که سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفته است واشنگتن آماده است تا بر اساس پیشنهادات اتحادیه اروپا به سرعت به احیای توافقی دست یابد که بطور رسمی «برجام» (برنامه جامع اقدام مشترک) نامیده شود.

مقامات جمهوری اسلامی اما مطرح کرده‌اند که پیشنهادات اتحادیه اروپا را نهایی نمی‌دانند و آنها پس از رایزنی در تهران «نظرات و ملاحظات اضافی» خود را به اتحادیه اروپا که این مذاکرات را هماهنگ می‌کند، منتقل خواهند کرد.

به گزارش رسانه‌های جمهوری اسلامی، حسین امیرعبداللہیان وزیر امور خارجه در تماسی به جوزپ بورل گفت: «توافق نهایی باید حقوق و منافع مردم ایران و همچنین لغو موثر و پایدار تحریم‌ها را تضمین کند!» این در حالیست که چنین خواستی تنها با عقب‌نشینی تام و تمام رژیم ایران از برنامه‌های اتمی‌اش می‌تواند تحقق پیدا کند. به نوشته پولیتیکو اگر طرفین به متن این توافق پاسخ مثبت بدهند احتمال می‌رود وزرای خارجه آنها عازم وین شوند تا توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ را برگردانند.

یک مقام ارشد غربی به پولیتیکو گفت: «اکنون شانس واقعی برای توافق وجود دارد، اما همچنان مانند همیشه نمی‌توان با قطعیت درباره آن صحبت کرد!»

این مقام ارشد همچنین روز دوشنبه ۸ اوت تأیید کرد که «این اتحادیه در نقش خود به عنوان هماهنگ‌کننده متن پیش‌نویس را نهایی کرده و راهکارهایی برای پرسش‌های فنی که همچنان بی‌پاسخ مانده بودند، ارائه کرده است. حالا دیگر بر عهده طرفین است که تصمیم بگیرند. این بهترین تلاشی است که می‌توانسته انجام شود و ما در مورد تمام جنبه‌ها مذاکره کرده‌ایم.» وی افزود، «متن این توافق ۲۵ صفحه است.»

این مقام اتحادیه اروپا همچنین توضیح داد که «متن پیش‌نویس کنونی مسائل باقیمانده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد برنامه هسته‌ای گذشته‌ی ایران را حل نخواهد کرد. این یک فرآیند بین جمهوری اسلامی و آژانس است و ارتباطی بین آن مسائل و این توافق وجود ندارد.»

همچنین به گزارش پولیتیکو، یک مقام وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران روز دوشنبه به خبرنگاری ایرنا گفت: «با توجه به ادامه بحث در مورد برخی موضوعات مهم باقیمانده، هنوز در مرحله نهایی کردن متن نیستیم. ایران دیدگاه‌های سازنده خود را به طرف دیگر ارائه کرده و نتیجه به تصمیم سیاسی آنها بستگی دارد. ما معتقدیم پرونده مذاکرات وین می‌تواند به زودی بسته شود، به شرط آنکه طرف مقابل تصمیم مناسبی بگیرد. اما ما هنوز در آن

ابزارهای نظم تامگرا: امر به معروف، نهی از منکر!

منافق و... بود که با باید ایمان می آورد یا کشته می شد یا اهل کتابی که باید جزیه می پرداخت. آنچه را محمد در آن زمان به نام قانون الهی بیان می کرد، عملاً برگرفته از همان روابط و مناسبات و سطح تکامل قبایل اعراب بیابان نشین آن دوران بود و پس، تقریباً کم و بیش، مورد پذیرش امت (اندک) و اطرافیان محمد. آن قواعدی که در طول زمان بدل به «احکام و موازین شرع» و مقدس شدند هنوز نه با فرهنگ های دیگر درگیر بودند و نه مانند امروز با تمدن نوین و انسان نوینی که قائم به ذات و خردگرا و «فردیت» برای خویش است، انسانی که نمی خواهد عضوی بی چهره از یک امت یکدست و یک شکل و یک اندیشه باشد یا کرداری یکسان باشد. اسلام به زور «شمشیر» در سده بیست و یکم دیگر ممکن نیست.

از محمد تا کنون بیش از ۱۴۰۰ سال سپری شده و هر گروه مومنی «معروف و منکر» را به گونه ای دیگر تعریف کرده، بسته به فرهنگ و نیاز، با ضرورت های قدرت و حفظ آن، از وهابیان تا ولایت فقیهیان. به چه چیز باید امر به انجام و از چه چیزی نفی کرد؟! یکی امامزاده می سازد و دیگری حتا قبر پیامبر را هم تخریب می کند. یکی امامت را عین کفر می شمارد و دیگری امامت را اساس دین و مذهب اش کرده است. یکی چون بوکو حرام اصولاً خواندن هر نوع «کتاب» بجز قرآن حرام می داند و دیگری تنها خواندن کتاب های «دینی» را مجاز می شمارد. همه مدعی اند، از اهل سنت تا شیعیان، از پیروان مکاتب شافعی، مالکی، حنبلی تا زیدی، از خوارج تا پیروان پنج امامیان، هفت امامیان و دوازده امامیان، از وهابیان (منشعب از حنبلی) تا اصولیان (منشعب از دوازده امامی)... و صدها مکتب و ده ها شاخه دیگر همگی خود را مسلمان واقعی و سایر مکاتب و مذاهب را کافران و مرتدان... می نامند. یکی ولایت فقیهی می شود، دیگری بوکو حرامی، یکی طالبان می شود و دیگری پیرو القاعده، همه با هم در حال جنگ اند و کمر به قتل دیگری بسته اند، زیرا می پندارند معروف یا «حقیقت» مطلق تنها در نزد آنهاست و بس و دیگران باید نهی از منکر شوند. امر به معروف و نهی از منکر هر گروه با دیگری از «ارشاد» زبانی تا حذف فیزیکی پیش می رود. هر یک می خواهد دیگری را با امر به معروف (یعنی اعتقادات خود) و نهی از منکر (یعنی دست کشیدن از اعتقادات خودش) مجبور به پذیرش ارزش های خود کند. همه همدیگر را ارشاد (اسلامی) می کنند، زیرا می پندارند آن دیگری جاهل و نادان و کافر یا از راه راست «منحرف» شده است، پس، باید ارشاد شود تا شاید متقی گردد و رفتارش بر اساس احکام و موازین «الاهی» گردد، اگر با اندرز نشد، با شمشیر! به یک نمونه به اصطلاح «مدرن» آن، یعنی به علی شریعتی نگاه کنید:

«... متأسفانه یک عده از روشنفکران مسلمان که می خواهند اسلام را با روح و زبان امروز بیان کنند، و به هر فکر و سلیقه ای که روح زمان ما می پسندد و مد می شود رو می کنند، امروز صلح جهانی، همزیستی مسالمت آمیز، عدم تعصب، آزادی و احترام به همه افکار و عقاید مد شده است... آنوقت روشنفکران مسلمان ما یا مسلمانان تازه روشنفکر ما هم خود را برای لیبرالیست ها و دمکرات ها و اومانیست ها، لوس می کنند که اسلام از سلم است و سلم یعنی صلح و صلح هم یعنی همزیستی مسالمت آمیز و سازشکارانه میان طبقات و مذاهب و افکار و عقاید... عجب! اسلام صلح نیست، اسلام جنگ است... با بزرگ کردن و امروزی و امود کردن

مومن می شدند، برایشان بهتر بود بعضی از آنها مومنانند و بیشترشان، از دین برون شدگانند.» (۲)
و قانون اساسی جمهوری اسلامی در این باره می گوید: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر و وظیفه های همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است. شرایط و حدود و کیفیت آنرا قانون معین می کند...» (اصل هشتم)



زن جوان چادری و «امر به معروف» که زنان مسافر یک اتوبوس را مورد حمله قرار داده تا حجاب اجباری را رعایت کنند! وی سپس عکس زن مخالف حجاب را که معلوم شد سپیده رشنو بوده به گفته خودش در اختیار سپاه پاسداران گذاشت تا وی را دستگیر و شکنجه و به اعتراف اجباری وادار کند / مرداد ۱۴۰۱

امر به «معروف» یعنی امر به اجرای آنچه از نگاه اسلام درست، و نهی از «منکر» یعنی امر به آنچه (باز هم) از نگاه اسلام نادرست است. علاوه بر جنبه شرعی آن به معنای وظیفه مومنان در هدایت و «راهنمایی» دگرباشان، بنا بر قانون (اساسی جمهوری اسلامی) «امر و نهی» به معروف و منکر می تواند از سوی فرد مومن، یا گروه مومنان نسبت به دیگران یا دولت نسبت به مردم باشد و جنبه قانونی دارد! همگی اما ناقض حقوق بشر و تعرض علیه حقوق شهروندان از سوی عده ایست که می پندارند از درستکارانند و دیگران گویا از «ارزش های» الهی- حقیقی مورد قبول آنها منحرف شده اند! آمران به «معروف» و ناهیان از «منکر» ایمانی راسخ دارند که انسان در اساس و ذات خود کافر و همواره نافی «حقیقت» است و به کژراهه می رود و مومنان مسلمان که «بهترین» اند (آیه بالا) باید آنها را به راه راست (صراط المستقیم) راهنمایی کنند. یعنی مومنان شرعاً موظف اند کمک کنند انسان با تقوا، انسان متقی ساخته شود. و انسان متقی (از نگاه مومنان) گویا با امر به معروف و نهی از منکر، که هر دو امر به اصول و احکام اسلام ناب محمدی است (کدام یک از اسلام؟! ساخته می شود، یکی به سبک وهابیان، یکی به شیوه ولایت فقیهیان و دیگری به شکل داعش و غیر. در دوران محمد پیامبر مسلمانان، در میان امت اسلامی، در بیابان های عربستان، با جمعیتی اندک و قبایلی کوچک، چستی اسلام مشخص بود. یعنی اسلام و ایمان همان چیزی بود که محمد می گفت و «خوبان» همگی یار و پیرو او بودند، هر که با او نبود از دشمنان (کافر، ملحد، مشرک،

● امر به «معروف» یعنی امر به اجرای آنچه از نگاه اسلام درست، و نهی از «منکر» یعنی امر به آنچه (باز هم) از نگاه اسلام نادرست است. علاوه بر جنبه شرعی آن به معنای وظیفه مومنان در هدایت و «راهنمایی» دگرباشان، بنا بر قانون (اساسی جمهوری اسلامی) «امر و نهی» به معروف و منکر می تواند از سوی فرد مومن، یا گروه مومنان نسبت به دیگران یا دولت نسبت به مردم باشد و جنبه قانونی دارد! همگی اما ناقض حقوق بشر و تعرض علیه حقوق شهروندان از سوی عده ایست که می پندارند از درستکارانند و دیگران گویا از «ارزش های» الهی- حقیقی مورد قبول آنها منحرف شده اند!
● علی شریعتی: اسلام صلح نیست، اسلام جنگ است... با بزرگ کردن و امروزی و امود کردن اسلام کاری از پیش نمی رود، حقیقت را باید آنچه انجان که هست شناخت، نه آنچه انجان که می پسندند... اسلام جنگ حق و باطل است، از آدم تا انتهای تاریخ (آخر الزمان) است... این نکته نخست آموزنده و تامل آور است که از میان اصحاب پیغمبر اسلام حتی یک تن را نمی شناسیم که مجاهد مسلح و پیکارجوی واقعی و عملی نباشد، هر مسلمان بخودی خود در زندگی- نه در حالات و حوادث استثنائی- یک پارتیزان مسلح است. اسلام تنها مذهبی است که فقط به موعظه و پند و اندرز نمی پردازد بلکه خود برای تحقق کلمه، شمشیر هم می کشد. اگر بخواهند از پیغمبر اسلام مجسمه ای بریزند باید در یک دستش کتاب باشد و در دست دیگرش شمشیر!»

● نباید فراموش کرد زمانی که «کتاب مقدس» مرجعی برای توجیه تبعیض، زورگویی و جنایت شود، دیر یا زود قیام علیه آن شروع خواهد شد. و در این وضعیت، هیچ نیرویی قوی تر از «ایده ای» که زمانش رسیده باشد، وجود نخواهد داشت.

پرویز دستمالچی - در جامعه باز و دمکراتیک «قانون مصوب نمایندگان منتخب ملت، در انتخاباتی دمکراتیک، آزاد و سالم، مقدم است بر هر قانون یا سنت (زمینی یا الهی) و حقوق بشر چهارچوب لازم و ضروری برای قانونگذاری ملت است تا هیچ اکثریتی نتواند به خطا برود. حکومتی که «امر به معروف و نهی از منکر» کند، استبدادی، دیکتاتوری یا تامگرا (توتالیتر) است، زیرا می خواهد با «زور» و اقتدار حکومت (گران) شیوه ای ویژه از نوع زندگی یا راه ها و روش ها را از بالا و با زور «سرنیزه»، یا از پایین توسط «آتش» به اختیاران خود بر دیگران (ملت) حقه کند. چنین امری جامعه را چندقطبی خواهد کرد و بخش های متفاوت ملت را در برابر هم قرار خواهد داد که حتماً می تواند منتهی به اشکال کاملاً فخر- و خشونت آمیز منتهی شود. حکومت (گران) آتشی بازی می کنند که می تواند شیرازه جامعه و حلقه اتصال ملت را از میان ببرد و جامعه را به جنگ داخلی بکشاند.

پایه دینی- اعتقادی «امر به معروف و نهی از منکر» آیه ۱۱۰ از سوره آل عمران است، به ترجمه قمشه ای: «شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که بر آن قیام کردند که (برای اصلاح بشر) مردم را به نیکوکاری وادار کنند و از بدکاری باز دارند و ایمان به خدا آوردند و اگر از اهل کتاب همه ایمان می آوردند بر آن در عالم چیزی بهتر از آن نبود لیکن برخی از آنها با ایمان و بیشتر فاسق و بدکارند.» (۱) با ترجمه ابوالقاسم پاینده: «بهترین دسته ای که بر این مردم نمودار شده اند شما بوده اید به نیکی و امانی دارید و از بدی باز می دارید و به خدا ایمان دارید. اگر اهل کتاب

اسلام کاری از پیش نمی‌رود، حقیقت را باید آنچنان که هست شناخت، نه آنچنانکه می‌پسندند... اسلام جنگ حق و باطل است، از آدم تا انتهای تاریخ (آخرالزمان) است... این نکته نخست آموزنده و تامل‌آور است که از میان اصحاب پیغمبر اسلام حتی یک تن را نمی‌شناسیم که مجاهد مسلح و پیکارجوی واقعی و عملی نباشد، هر مسلمان بخودی خود در زندگی- نه در حالات و حوادث استثنائی- یک پارتیزان مسلح است. اسلام تنها مذهبی است که فقط به موعظه و پند و اندرز نمی‌پردازد بلکه خود برای تحقق کلمه، شمشیر هم می‌کشد. اگر بخواهند از پیغمبر اسلام مجسمه‌ای بریزند باید در یک دستش کتاب باشد و در دست دیگرش شمشیر (۳)... پیغمبر ما... پیغمبری نیست که کلمات وحی را اعلام کند و خاموش ماند... (او) برای تحقق این پیغام‌ها... شمشیر می‌کشد و به همه حکومت‌های این جهان هم اعلام می‌کند یا تسلیم این راه بشوید یا از سر راه من کنار بروید... و هر کس نرفت به رویش شمشیر می‌کشم. پیغمبر مسلح است چون پیغمبر متعهد است. کسی نیست که به مردم آنچنان که هستند بخواهد خوش بگذرد، یک مصلح، یک تغییردهنده مردم و تغییردهنده جامعه است. اگر رأی فاسد است رأی را ملاک انتخاب و تعیین عقیده و راه خودش می‌کند، بلکه عقیده و مسیر او متعهد است که این رأی را عوض کند...» (۴)

ایمان یا رای (فردیت) اساس تفاوت اسلام با دموکراسی است. جامعه مدرن نه آمر به معروف دارد و نه ناهی از منکر، چه از سوی مومنان به دیگران، چه از سوی حکومت برای شهروندان. در دموکراسی در باره ارزش‌ها می‌توان به گفتگو نشست، اما تنها گفتگو، آنهم در صورت تمایل دو سو، اجباری در کار نیست. در دموکراسی‌های پارلمانی متکی به حقوق بشر، حکومت نه وزارت ارشاد دارد و نه گشت ارشاد محسوس یا نامحسوس، زیرا حکومت هیچ ارزشی را بر دیگری ترجیح نمی‌دهد و مقدم نمی‌دارد، اگر چنین کرد، اصل اساسی دموکراسی، یعنی تکرر بر اساس حقوق فردی را زیر پا گذاشته است و حکومت تک‌ارزشی و تامگرا خواهد شد. نظم دموکراسی‌های مدرن بر اساس حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر است. «ارشاد» از پائین یا از بالا تنها از ویژگی‌های نظام‌های غیردموکراتیک است تا شهروندان مطیع بسازند. در جوامع باز و دموکراتیک توافق در حقوق مساوی در برابر قانون است و نه تک‌ارزشی کردن حکومت و جامعه تا همه یک نوع بیاندیشند، یک راه و روش زندگی داشته باشند و در نهایت «یکی» شوند، آنهم آنگونه که حکومتگران می‌خواهند.

برای امر به معروف و نهی از منکر، ابتدا باید روشن کرد که اصولاً معروف و منکر کدامند. معروف و منکر حکومتگران در ایران، ارزش‌های دین اسلام، مذهب شیعه دوازده امامی، مکتب اصولی (پیرو ولایت فقیه) هستند. و حتا در آنجا نیز توافق کامل بر سر معروف و منکر وجود ندارد، هر کس «ساز» خود را می‌زند.

اولین اشکال «امر به معروف و نهی از منکر» در این است که بخشی از شهروندان جامعه ما هرچند ایرانی، اما پیرو دین و مذهب دیگری بجز «مذهب رسمی» کشورند و دموکراسی‌ها دین و مذهب رسمی ندارند. یعنی در جوامع باز هیچ دین یا مذهبی بر دین یا مذهبی دیگر برتری یا ارجحیت ندارد و همه از نگاه قانونی و ساختار حکومت در یک مقام حقوقی‌اند. وگرنه بی‌طرفی حکومت در ارزش‌ها و یکسانی حقوقی شهروندان در برابر قانون خدشه‌دار خواهد شد. در دموکراسی تبعیض حقوقی به هر دلیل، از جمله دین یا مذهب، مجاز نیست.

دومین اشکال در این است که عده‌ای اصولاً خداپاوار اما

دین‌ناباور یا حتا خدا‌ناباورند، یعنی کسانی که شهروندان ایران هستند و باید از نگاه حقوق بشر دارای حقوق شهروندی یکسان با دین‌باوران باشند. سومین اشکال این است که اهل سنت ایران (حدود ده تا پانزده میلیون) اصولاً امامت و ارزش‌های مطروحه از سوی مذهب شیعه را نمی‌پذیرند، هرچند در برخی از اصول دین با آنها مشترک هستند.

اگر از اشکالات اساسی شاخه‌های گوناگون مذاهب شیعه و نیز مکاتب اخباریان و شیخیان در میان همان مکتب دوازده امامی بگذریم، چهارمین اشکال در این است که در میان حتا همان شاخه حکومتگران نیز درک واحد و مشترکی از «معروف» یا «منکر» وجود ندارد و هرکس یا گروه تصورات شخصی- گروهی یا «خوانش»‌های خود را همان اصل و برداشت درست از کلام الهی تعریف می‌کند. آنها توجه ندارند که اگر چيستانی کلام الهی بستگی به «خوانش» یعنی میزان دانش و علم خواننده یا مفسر داشته باشد، پس تعیین کننده در نهایت خرد انسان، آموزش و میزان علم و نگاه او است که خواهد گفت الله چه گفته است و نه متن مقدس! در نتیجه، خرد همه‌کاره خواهد بود و این امر تضادی است در پایه و مقدس کردن آن «چیژی» که بر فراز انسان قرار داده شده است.

برای نمونه توجه کنید به اموری چون حجاب کامل، مانتو و روسری و... یا موسیقی، تک‌خوانی زنان، موی سر و ده‌ها مورد مشابه که هریک از مومنان تصویری متفاوت ارائه می‌دهند. چرا چنین است؟ زیرا جامعه امروز ما نه امت محدود و بسته دوران محمد است و نه جامعه بسته روستایی دیروز که در آن «فردیت»‌ها هنوز شکل نگرفته بودند. زن که (برای نمونه) پزشک شد و «مرد» را معالجه کرد، نشان می‌دهد که عقلش نیم عقل مرد نیست، به همین سادگی! یعنی موضوع بر سر امکانات و آموزش و پرورش است و نه ژن یا «خلقت»!

زنان چشم‌اسفندیار تمام نظام‌های تام- و بنیادگرایی اسلامی‌اند. نقش آنها همچون نقش گالیله در درهم شکست اقتدار کلیسا است. به همین دلیل ولایت فقیهان با تمام قوا، و با شکست سیاست‌های سی و چند سال گذشته خود علیه زنان، با هدف «اسلامی» کردن آنان، باز هم دست از مقابله و سرکوبی که شکست آن محتوم است بر می‌دارند، زیرا بنیادگرایان معمم یا مکلا با شکست محتوم از زنان، تمام اقتدار «علم الهی» خود را از دست خواهند داد، چنانکه تا کنون گام به گام از دست داده‌اند.

زمانی که در جامعه تکرر ارزشی (معروف و منکر) موجود است، هر ارزشی را حکومت به عنوان ارزش رسمی‌اش انتخاب کند، دیگران به درستی معترض خواهند بود، زیرا مخارج حکومت از ملت (مالیات یا ثروت‌های ملی) تامین می‌شود و نمی‌شود منطقاً از همه یکسان طلب کرد، اما عده‌ای را خودسرانه (به هر دلیل) بر دیگران ترجیح داد. اختلاف از همینجا شروع می‌شود. اگر (برای نمونه) رئیس جمهور باید مرد (رجل) پیرو مذهب رسمی‌کشور باشد (شیعه دوازده امامی مکتب اصولی)، تمام کسانی که شامل این اصل نمی‌شوند (زنان، اهل سنت، پیروان سایر ادیان و مذاهب، دین‌ناباوران و... که تماماً شهروندان ایران هستند) خود را مظلوم خواهند دید. زیرا به این کسان از سوی حکومت به گونه قانونی- رسمی- و علنی ظلم می‌شود و مورد تبعیض قرار می‌گیرند.

در جامعه‌ای که «باز» است و به سوی امت یکدست و یک‌اندیشه و تک‌ارزشی سوق داده می‌شود و تکرر را به عنوان اساس و پایه زندگی مشترک پذیرفته است، امر به معروف و نهی از منکر به ابزاری در دست مومنان بنیادگرا

برای دخالت در امور شخصی- خصوصی دیگران خواهد شد، با کلام یا با «اسید». در چنین شرایطی، مومن بنیادگرا به خود حق خواهد داد ارزش‌های گویا الهی و مطلقاً درست خود را به هر شکل ممکن بر کرسی بنشانند، زیرا در غیر اینصورت جامعه مومنان را در خطر می‌بیند، خطری که برای او منجر به «فساد روی زمین» می‌شود.

در خرداد سال ۴۲ (برای نمونه) خمینی بهره‌مندی زنان از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را عین فحشا و فساد در روی زمین تعریف کرد. گذشته از اینکه بعداً خمینی برای تثبیت حکومت اسلامی به رأی همین زنان نیاز پیدا کرد و نظام در همه انتخابات نمایشی برای حضور زنان تبلیغ می‌ند اما در خود جمهوری اسلامی نیز با انواع و اقسام و اشکال «امر به معروف و نهی از منکر» با هدف پاکسازی جامعه اسلامی از «فساد» روبرو هستیم! از مزاحمت‌های حزب‌الله به ویژه برای زنان در رابطه با «حجاب» تا اسیدپاشی بر صورت «بدحجابان». هدف از این تعرض‌های آشکار و پنهان به حقوق شهروندان از سوی حکومت (گران) یا عوامل محسوس و «نامحسوس» آنها که حیره‌خواران بنیادگرایان مکلا و معمم هستند، ترساندن دگراندیشان است تا آنها از سر ترس به ارزش‌های اسلامی مورد نظر بنیادگرایان تن دهند. اگر لازم شود، که شد، هم «قتل‌های ناموسی» زنجیره‌ای انجام می‌شود و هم قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای!

این اندیشه‌های بنیادگرا چنان در میان اسلامگرایان رنگارنگ گسترده است که حتا (برای نمونه) «حزب اتحاد اسلامی ملت ایران» که تازه خود را «اصلاح‌طلب» هم می‌داند، بیانیه اعلام موجودیت خود را با آیه ۱۰۴ از سوره آل عمران شروع می‌کند: «باید که از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند. اینان رستگارانند.» (۴) یعنی حزب از همان ابتدا اعلام می‌دارد که نماینده حقیقت و ارزش مطلق الهی است و دیگران منحرفانی هستند که باید به راه راست هدایت شوند و نمی‌بیند که در سیاست موضوع بر سر ارائه یک راه حل مشخص برای یک مشکل مشخص اجتماعی- اقتصادی و... است و نه هدایت اخلاقی- ارزشی جامعه از سوی رهبران حزبی یا یک دولت. اداره کشور اصولاً چه ربطی به ارزش‌هایی دارد که بر سر آنها بیش از هزار و چهارصد سال نزاع بی‌پایان تا نابودی فیزیکی دائمی وجود دارد؟! «حزب اتحاد اسلامی ملت ایران» نمی‌بیند امامت که برای او یک «معروف» مطلق است، برای اهل سنت عین کفر و شرک یا «منکر» مطلق است و عدالتش که همان به حاکمیت رسیدن امامان و اجرای احکام و موازین اسلام ناب محمدی است، برای سایر «هموطنان» عین بی‌عدالتی و در اساس سلب حق حاکمیت از ملت است و وحدت «اسلامیت» و «جمهوریت» مورد نظر آن در قانون اساسی که به آن تمکین می‌کند، یک حکومت ایدئولوژیک- دینی است که عملاً منتهی به تامگرایی شده است.

دخالت مومن در امور افراد برای هدایت اخلاقی موجب تنش دائمی در جامعه است. اگر جامعه متکثر است، اگر فردیت بجای امت می‌نشیند، دیگر معیارهای واحد و ارزش‌های یکسان برای تمام شهروندان بی‌معنا می‌شود. در دموکراسی حقوق یکسان برای همه در برابر قانون تضمین است، اما ارزش‌ها می‌توانند به تعداد شهروندان باشند. یعنی حق انتخاب آزاد پوشش برای شهروندان باید تضمین باشد تا هر کس بتواند نوع پوشش خود را آزادانه انتخاب کند: با حجاب، بدحجاب یا بی‌حجاب باشد، به هیچکس ربطی ندارد، نه به مومن و نه به حکومت! تساوی در حقوق، تکرر در ارزش‌ها. امر به معروف و نهی از منکر از اساس تعرضی است به حق آزاد شهروندان در انتخاب ارزش‌ها و راه و روش زندگی و ممنوعیت دخالت در امور شخصی

دیگران، از سوی هر کس که می‌خواهد باشد. یک لحظه تصور کنید که دیگران نیز بر مومنان بتازند و مرتب وقت و بی‌وقت بر آنها خرده بگیرند یا تهدید کنند که یا حجاب را بردارید یا بر صورت شما اسید پاشیده خواهد شد! یا به رسم بنیادگرایان، با امکانات آشکار و پنهان نهادهای وابسته به ولایت فقیهیان در «بیلبوردهای» بزرگ در شهر تبلیغ کنند که «خواهران محجبه، حجاب شما نشان واپسگرایی و عقب‌ماندگی و ننگی برای ملت ایران است». چنانکه بنیادگرایان نسبت به دگرباشان انجام می‌دهند. تصور کنید که در شهرهای جوامع باز و دمکراتیک گشت‌های ارشاد برقرار شوند تا آنهایی را که حجاب اسلامی دارند دستگیر و مجازات کنند!

بدترین جنبه «امر به معروف و نهی از منکر»، جنبه حکومتی آن است که حکومت را تامگرا خواهد کرد، با نیت (یا خوانش) خوب یا بد. تفاوت نمی‌کند کدام «خوانش» را انتخاب و شهروند را مجبور به رعایت آن کنیم. اگر حکومت بخواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، با هر خوانشی از امر «مقدس» یا هر مرام و مسلک دیگر، با ارزش‌های دینی یا غیردینی، محصول کارش عملاً تعیین راه و روش زندگی و پندار و کردار شهروندان از بالا است که یکسویه و استبدادی خواهد بود. چنین کاری تعرض و تجاوز به حقوق بشر و تعرض به آزادی‌های شهروندان است، به سود یک بخش و به زیان بخشی دیگر است.

آزادی شهروند دو جنبه اساسی- پایه‌ای دارد: آزادی‌های مثبت یا آزادی «برای» و آزادی‌های منفی، یعنی آزادی «از». آزادی «از»، یعنی مصونیت از تعرضات حکومت، یعنی امنیت و مصون بودن فرد از تعرضات حکومت (گران). آزادی مثبت یعنی آزادی عمل شهروند در انتخاب یا انجام «چیزی» که میل به انجام آن را دارد، مثلاً اینگونه یا آنگونه لباس بپوشد یا خود را آرایش کند. شهروند در پندار و کردار و گفتار خویش حق انتخاب آزاد دارد و کسی نباید از پائین یا بالا مزاحم او شود.

در نظام‌های تامگرا، که بر اساس نفی حقوق فردی و مصلحت جمع بنا شده‌اند، عده‌ای اندک (مثلاً فقیه و مجتهد، یا تنها حزب مجاز و...) مدعی می‌شوند که گویا آنها نمایندگان خواست و اراده واقعی همگانی (ملت) اند. از روسو تا روبسپیر، از نازیسم تا فاشیسم، از ولایت فقیه تا داعش و... همگی از جمله اندیشه‌ها یا نظام‌هایی هستند که بر اساس نفی حقوق فرد و گویا مصلحت عمومی بنا شده‌اند. در جوامع باز، در دمکراسی‌های پارلمانی متکی بر حقوق بشر، برخلاف جوامع بسته، میان حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان این‌همانی و یکسانی وجود ندارد، بلکه سیستم و جامعه متکثر است و احزاب نماینده بخش‌های گوناگون جامعه با منافعی متفاوت تا متضادند. حکومت‌های یکدست که بر اساس یک جمع واحد گویا مشترک‌المنافع و مصلحت یکسان ملت متحدالشکل و گویا متحدالفکر با تکیه صرف بر روی اراده اکثریت و بدون تضمین حقوق دگراندیشان بنا می‌شوند، ساختارهای سیاسی مربوط به دوران کودکی دمکراسی‌اند، دورانی که ملت تازه صاحب رای برای حکومت شده بود و تفاوت‌ها را نمی‌دانست.

اصل هژدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید:

«هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق، منفرداً یا جمعا، بطور خصوصی یا بطور عمومی، برخوردار باشد.»

اگر چنین است، که هست، اگر آزادی فکر و وجدان و تغییر

مذهب یا عقیده و... حق هر کس است، دیگر کسی یا حکومت مجاز نیست در این حق که آزادی به رسمیت شناخته شده پیشاحکومتی است دخالت کند. نمی‌توان از یکسو مدعی پذیرش حقوق بشر بود و از سوی دیگر از مومن یا حکومت خواست دگراندیش را امر به معروف یا نهی از منکر کند یا به عنوان حزب سیاسی «اصلاح‌طلب» در پی چنین کاری بود. ولایت فقیهیان و حکومت (گران) از اساس با اصل هژدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر مخالف‌اند، زیرا از نگاه آنها هرکس نمی‌تواند و مجاز نیست هر دینی را که خواست بپذیرد و رفتارهای فردی و راه و روش زندگی‌اش تنها مربوط به خودش باشد و هر کاری را که شخصا درست تشخیص داد انجام دهد، بلکه باید آن کند که «الله» گفته است، باید امر به معروف شود. از نگاه بنیادگرایان تغییر دین از اسلام به مرامی دیگر «ارتداد» است و مجازات مرگ دارد. و حقوق بشر تغییر عقیده و مرام و مسلک را حق هر کس می‌داند. از نگاه بنیادگرایان اسلامی آزادی اندیشه و آزادی در انتخاب دین و مذهب، حقوقی است که می‌تواند منتهی به شرک و کفر شود و شرک ۱۶۰ بار در قرآن آمده است. امر به معروف و نهی از منکر، تعرض و تجاوز به حقوق فردی به عنوان پایه و اساس نظم دمکراتیک و در خدمت جامعه یکدست و بی‌چهره امت- امامتی است.

مومنان و حکومت باید بپذیرند که انسان (برخلاف تصورات و پندارهای آنها) مجموعه‌ای از جهل و کفر نیست که باید با ایمان متقی شود. از نگاه انسان مدرن امروز، خرد خلاق وجود دارد، نه عقل تابع. یعنی عقلی که تنها در خدمت فراگیری علم «کتاب» (وحی) باشد و از حدود تعیین شده از سوی الله بیرون نرود. یا پندارد که «علم خدایی» را تنها کسانی می‌فهمند که در تبعیت عقلی محض از او و فرستادگانش باشند. انسان مدرن که محصول آموزش و آموزش و باز هم آموزش است تبعیت از وحی را نفی خلاقیت و قدرت آفرینش خود می‌داند. او «وحی» را که گویا باید بر چشم‌ها و گوش‌ها و قلب‌ها بنشیند و نه بر خرده‌ها، با خرد و علم می‌سنجد. اصالت انسان یعنی اینکه او سرچشمه معرفت و شناخت است و حق تعیین سرنوشت دارد. و جهل او یعنی وابستگی‌اش به «عالمان» دین، به نمایندگان خودخوانده خدا بر روی زمین که گویا عالم به علم «غیب» هستند، یعنی تمکین انسان آزاد از نمایندگان خودخوانده الله بر زمین، یعنی حکومت دین‌سالاران. باید از تجربیات کلیسا در «غرب» آموخت.

تنها انسان مطیع تمکین‌کننده به دنبال حکومت مطلق می‌رود، زیرا عقل ایمانی او عقلی تابع و گیرنده فرمان است. انسان از این راه به دوران کودکی باز می‌گردد، به دوران نیاز به قیمومیت. چرا تمام بشریت باید قربانی عده‌ای مومن شوند و بر اساس معروف و منکر آنها زندگی کنند؟ دنیای انسان‌ها، محدوده دانش و اطلاعات آنها است. تناسب ایمان با خرد، تناسب بی‌دانشی و دانش است. و برتراند راسل زمانی گفته بود «مشکل دنیا در این است که احمق‌ها به خود و ایمانشان یقین کامل دارند، در حالی که دانایان همواره سرشار از شک و تردیدند.»

نباید فراموش کرد زمانی که «کتاب مقدس» مرجعی برای توجیه تبعیض، زورگویی و جنایت شود، دیر یا زود قیام علیه آن شروع خواهد شد. و در این وضعیت، هیچ نیرویی قوی‌تر از «ایده‌ها» که زمانش رسیده باشد، وجود نخواهد داشت.

یا تمام انسان‌ها، بدون در نظر گرفتن دین و مذهب یا مسلک، یا جنسیت و نژاد یا مقام و موقعیت اجتماعی و... در برابر قانون از حقوقی یکسان بهره‌مند خواهند بود و ارزش‌های زندگی خود را مستقل انتخاب خواهند کرد یا نه. جمهوری اسلامی ایران حکومتی دینی است که انسان را بنا بر دین، بنا بر بی‌دینی، مذهب، جنسیت یا مقام و

مرتبه شهروندان جامعه به خوب و بد و بد و بدتر و از همه بدتر تا واجب‌القتل تقسیم می‌کند. بر کدام اساس و پایه؟ بر اساس «معروف»‌های خود. ارزش‌های خودپسندیده را بجای حقوق شهروند نشانده‌اند. از نگاه اینان انسان جاهل است و جاهل می‌ماند، ارجح او به ایمان (درست) او است. او باید جاهل بماند تا راهنمایی شود. انسانی که خودمختار و قائم به ذات است مستقل می‌اندیشد و نیازی به راهنمایی امام ندارد، خود، امام خویش است. حکومت، به ویژه حکومت دینی، نیازمند انسان جاهل است. و جاهل نباید عاقل شود، بلکه باید مومن بماند و از حقیقت پنهان پیروی کند. چهل انسان (از نگاه آنها) نادانی او به دلیل ناتوانی خردش در درک حقیقت ماوراء طبیعی است و نه کمبودی که بتوان آن را با آموزش و پرورش برطرف ساخت. در اسلام، در برابر چهل انسان، البته «علم» قرار دارد؛ اما علمی که در انحصار «الله» است، گنجیه‌ای ثابت در کتاب مقدس و سنت پیامبر و امامان که دسترسی به آن تنها با ایمان و تقوا و تفسیر نمایندگان خودخوانده بر زمین میسر می‌شود.

نتیجه نهایی «امر به معروف و نهی از منکر» باید همان جامعه یکدست، یک فکر و یک شکل «دکتر» علی شریعتی با امامی در راس آن شود. جامعه‌ای که در آن امت بجای فرد می‌نشیند و ارزش‌های یکسان و یکدست بجای تکثر ارزشی. جامعه‌ای که در آن با همه افراد معروف‌ها و منکرات دیکته شده از بالا را می‌پذیرند یا به روی آنها «شمشیر» کشیده می‌شود: «... امت... جامعه‌ای (است) که افرادش تحت یک رهبری بزرگ و متعالی، مسئولیت پیشرفت و کمال فرد و جامعه را، با خون و اعتقاد و حیات خود حس می‌کنند و متعهدند که زندگی را نه در بودن به شکل راحت، بلکه در رفتن به سوی نهایت و به سوی کمال مطلق، دانایی مطلق، خودآگاهی مطلق، کشف و خلق مداوم ارزش‌های متعالی، ماندن در هیچ منزلی و شکلی و قالبی... امت جامعه‌ای است از افراد انسانی که همفکر، هم‌عقیده، هم‌مذهب و همراهند، نه تنها در اندیشه مشترکند، که در عمل نیز اشتراک دارند... افراد یک امت یک گونه می‌اندیشند و ایمانی همسان دارند و در عین حال در یک رهبری مشترک اجتماعی، تعهد دارند که به سوی تکامل حرکت کنند، جامعه را به کمال ببرند، نه به سعادت... میان دو اصل به خوشی گذراندن و به کمال گذشتن، امت طریق دوم را می‌گزیند... حتی اگر این تکامل به قیمت رنج افراد باشد... امت یک جامعه متحرک مهاجر و دارای ایده‌آل است...» (۶)

پیشرفت و کمال با خون و اعتقاد، رفتن به سوی بی‌نهایت، دانایی مطلق، خودآگاهی مطلق و... تماما سخنانی پوچ و بی‌معنا! امر به معروف و نهی از منکر باید چنین جامعه‌ای را بسازد، همه یکسان، یک‌شکل، یک‌فکر و یک‌عقیده، با رهبری چون چوپان برای گوسفندان. و چون چنین چیزی ناممکن است، پس وحشتناک نیز خواهد بود!

زیرنویس‌ها:

- ۱- قرآن مجید، ترجمه حاج شیخ مهدی الهی قمش‌های، موسسه چاپ و انتشارات محمد حسن علمی
- ۲- قرآن مجید، ترجمه ابوالقاسم پاینده، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ سوم، نوروز ۱۳۵۴
- ۳- علی شریعتی، ما و اقبال، مجموعه آثار ۵، شماره ثبت ۱۲/۱/۵۷، برگهای ۵۴، ۵۵
- ۴- علی شریعتی: علی (ع)، مجموعه آثار ۲۶، انتشارات نیلوفر، چاپ دوم، بهار ۱۳۶۲، چاپ پزمان، برگهای ۶۱۷ تا ۶۱۹
- ۵- ایلنا، خبرگزاری کار ایران، خد کد ۲۷۳۴۰۱، متن بیانیه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۴، بازبینی شده در ۲۹ مرداد ۱۳۹۴
- ۶- علی شریعتی، همانجا، علی (ع)، مجموعه آثار جلد ۲۶، برگهای ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۲۰، ۶۳۰

تشکیل تیم حقوقی برای دفاع از مردم آزارهای «امر به معروف» و عدم صدور «شیما» و «شاپرک» برای پوشاک غیراسلامی!



رئیس کارگروه ساماندهی مد و لباس گفته است، «قرار است با ایجاد بانک اطلاعاتی جامع از همه لباس‌های تولیدی و وارداتی بر تولید پوشاک داخلی نظارت و از ورود لباس‌های وارداتی مغایر با ارزش‌های دینی و ملی جلوگیری شود!» طبق دستورالعمل کارگروه ساماندهی مد و لباس، پوشاکی که فاقد شناسه «شیما» باشند با اعمال قانون نهادهای نظارتی مواجه خواهند شد. این شناسه که از سوی وزارت صمت صادر می‌شود، به معنای دریافت مجوز از بنیاد مد و لباس است و در صورتی که فروشنده و تولیدکننده فاقد این شناسه باشد، از سوی وزارت صمت شناسه «شاپرک» یا «ای-نماد» برای فروش دریافت نخواهد کرد! «شاپرک» هم

سیاسی‌بازی و سیاسی‌کاری» دانست و افزود که «قانونگذار یا مسئولان اجرای قانون، نقش اپوزیسیون به خود گرفته و حجاب را دستاویزی برای جذب آرای انتخاباتی نکنند.» او «ایجاد توقف، فرافکنی و تکرار مکررات، درد دل و ناله کردن و ترویج ناامیدی و اعتراض بدون ارائه راه حل» را از مهم‌ترین گرفتاری‌های مجریان طرح حجاب و عفاف خوانده است.

رئیس ستاد «امر به معروف» همچنین از کمک گرفتن از دستگاه قوه قضاییه برای رفع مشکلات حقوقی آمران به معروف نیز خبر داد و اعلام کرد که یک تیم حقوقی برای دفاع حقوقی از آمران تشکیل می‌شود.

به گفته‌ی او، همچنین قراردادهایی با مرکز وکلای قوه قضاییه بسته شده و اگر تیم حقوقی تشخیص دهد که مشکل حقوقی ناشی از امر به معروف بوده است، وکیل در اختیار این افراد قرار داده می‌شود و دادگاه‌ها نیز موظفند شعبه ویژه قضایی برای رسیدگی به این موارد تشکیل دهند. او به تهیه‌کنندگان آثار سینمایی نیز هشدار داد و گفت با فیلم‌هایی مانند «دینامیت» که آمران را «لوده» نشان می‌دهند، برخورد خواهد شد، چرا که این مأموران را در افکار عمومی «تخریب» می‌کند.

نشست ویژه «کارآمدسازی طرح جامع حجاب و عفاف» با هدف بررسی نقاط ضعف گشت‌های ارشاد اسلامی و عملکرد مأموران و دستگاه‌ها برگزار شده که به معنای تداوم اراده حکومت بر اجرای این طرح ضدانسانی و تشدید فشار بر زنان و دختران است.

در حالی که جامعه زنان از پوششی که حکومت ترویج و تبلیغ می‌کند خشمگین و منزعجند و هر روز از آن دورتر می‌شوند و ترجیح می‌دهند پوشش دلخواه خود را داشته باشند، تلاش برای اعمال محدودیت جهت تولید و عرضه پوشاک زنان نیز ادامه دارد تا علاوه بر اجباری بودن حجاب، مدل آن را نیز در کنترل و اختیار بگیرد؛ چیزی که در دو دهه‌ی اخیر به شدت از کنترل نظام و سرکوبگرانش خارج شده است.

در تازه‌ترین اقدامات، تولید، عرضه و فروش پوشاک که شناسه «شیما» را به عنوان تأییدیه بنیاد مد و لباس و وزارت «صمت» نداشته باشند، اجازه فعالیت در حوزه لباس را به صورت مجازی و فروشگاهی نخواهند داشت. «شیما» مخفف «شناسه یکپارچه‌ی مد و لباس ایران» است! آنگونه که مجید امامی دبیر شورای عالی فرهنگ عمومی و

شناسه‌های کالاها از جمله پوشاک در جمهوری اسلامی بجای اینک بر اساس کیفیت و استانداردهای بین‌المللی تندرستی و محیط زیست صادر شوند، بر اساس «امر به معروف و نهی از منکر» و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های تحمیلی صادر می‌شوند!

محمدصالح هاشمی گلپایگانی دبیر ستاد «امر به معروف» در یک نشست با عنوان «کارآمدسازی طرح جامع عفاف و حجاب» ویژه مدیران، اساتید دانشگاه‌ها، معاونین و طلاب حوزه‌های علمیه، «ناکارآمدی» و «ناله کردن و ترویج ناامیدی» در بین آمران به معروف را مورد انتقاد قرار داده است.

رئیس ستاد «امر به معروف» همچنین از کمک گرفتن از دستگاه قوه قضاییه برای رفع مشکلات حقوقی آمران به معروف نیز خبر داد و اعلام کرد که یک تیم حقوقی برای دفاع حقوقی از آمران تشکیل می‌شود.

مجید امامی دبیر شورای عالی فرهنگ عمومی و رئیس کارگروه ساماندهی مد و لباس گفته است، «قرار است با ایجاد بانک اطلاعاتی جامع از همه لباس‌های تولیدی و وارداتی بر تولید پوشاک داخلی نظارت و از ورود لباس‌های وارداتی مغایر با ارزش‌های دینی و ملی جلوگیری شود!» - امامی که در خردادماه اعتقاد مردم به حجاب را به بیش از «۸۰ درصد» افزایش داد، پیشتر ادعا کرده بود، «۷۰ درصد» مردم ایران به حجاب اعتقاد دارند و «پذیرای شاخص‌های عفاف و حجاب و پوشش ایرانی و اسلامی هستند.» معلوم نیست اگر چنین است، پس اینهمه گشت اسلامی و مزاحمت و مردم‌آزاری و بگیر و ببند و قوانین و مقررات تازه برای پوشاک مردم به خاطر چیست!

محمدصالح هاشمی گلپایگانی دبیر ستاد «امر به معروف» از «ناله کردن و ترویج ناامیدی» در بین آمران به معروف انتقاد کرده و از تشکیل تیم حقوقی ویژه برای دفاع از بازوی سرکوب معترضان به حجاب اجباری متشکل از وکلا خبر داده است.

محمدصالح هاشمی گلپایگانی دبیر ستاد «امر به معروف» در یک نشست با عنوان «کارآمدسازی طرح جامع عفاف و حجاب» ویژه مدیران، اساتید دانشگاه‌ها، معاونین و طلاب حوزه‌های علمیه «ناکارآمدی» و «ناله کردن و ترویج ناامیدی» در بین آمران به معروف را مورد انتقاد قرار داده است. هاشمی گلپایگانی ترویج عفاف و حجاب را «جای

مخفف «شبکه الکترونیکی پرداخت کارتی» است! درواقع شناسه‌های کالاها از جمله پوشاک بجای اینک بر اساس کیفیت و استانداردهای بین‌المللی تندرستی و محیط زیست صادر شوند، بر اساس «امر به معروف و نهی از منکر» و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های تحمیلی صادر می‌شوند! رئیس کارگروه ساماندهی مد و لباس اجرای این طرح را «بخشی از زنجیره درمان» تعریف کرده تا «کالای قاچاق و بدون شناسنامه فرهنگی و هنری و کالایی که اساساً جایگاه یک طراح یا یک تولیدکننده مسئول و مسئولیت پذیر در آن وجود ندارد، نباید به سادگی در بازار قرار بگیرد.» طبق گزارش دستگاه‌های انتظامی استان‌های قم و خوزستان، در جریان اجرای «طرح حجاب و عفاف» که از ۲۱ تیرماه شروع شد، دست‌کم ۵۰۰ واحد صنفی پوشاک بازدید شده‌اند و به آنها اخطار پلمب داده شده و یا پلمب شده‌اند.

طبق دستورالعمل بنیاد مد و لباس، پوشاک عرضه شده باید «کارکرد پوشاندگی»، «قد مناسب»، «اندازه آستین مناسب» داشته باشند و «بدن‌نما و اندام‌نما» و دارای «پارگی یا زاپ» نباشند.

حمید خرم رئیس اتاق اصناف قم هم پیشتر از وضع و اجرای دستورالعمل‌های محکم در ضرورت رعایت حجاب و عفاف خبر داده بود که شامل برخورد با فروشندگان بدحجاب و ممنوعیت عرضه کالا و خدمات به مشتریان «بدحجاب» می‌شود.

ممنوعیت «پوشیدن تی‌شرت نامناسب برای آقایان و مانتوهای خیلی کوتاه برای بانوان فروشنده» نیز از جمله این محدودیت‌هاست.

امامی دبیر کارگروه ساماندهی مد و لباس پیشتر ادعا کرده بود، «۷۰ درصد» مردم ایران به حجاب اعتقاد دارند و «پذیرای شاخص‌های عفاف و حجاب و پوشش ایرانی و اسلامی هستند.» معلوم نیست اگر چنین است، پس اینهمه گشت اسلامی و مزاحمت و مردم‌آزاری و بگیر و ببند و قوانین و مقررات تازه برای پوشاک مردم به خاطر چیست!

این ادعا کافی نبود، امامی ۲۳ خردادماه، آمار اعتقاد مردم به حجاب را به «بیش از ۸۰ درصد» افزایش داد! وی گفت که «حدود ۸ سال است که ذائقه پوشش جامعه رها شده و جامعه به اجبار به سمت استفاده از مانتوهای نامناسب سوق داده شده، چون انتخاب دیگر را سخت کرده‌ایم.» او تأکید کرد «در بازار عملاً داریم برای مردم تن‌نمایی را ترویج می‌کنیم.»

Boloh

مشاوران سازمان کمک‌دهنده

لطفاً با شماره تلفن: **۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵**

تماس بگیرید.

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

Believe in children
Barnardo's

«مجوز مستقل» مشاوره روانشناسی برای طلبه‌ها و آخوندها!

سازمان نظام روانشناسی:

باید از دستور کار خارج شود!



● «دوگانگی صدور مجوز در یک کشور»، «نداشتن ساختار لازم حوزه جهت نظارت» و از همه مهمتر «غیرتخصصی شدن خدمات مشاوره‌ای» به عنوان ایرادات اساسی چنین طرحی مطرح شده است.

● پیش از این نیز دخالت و اشتغال روحانیون و طلبه‌ها در بخش‌های کاملاً تخصصی از جمله به عنوان آموزگار در آموزش و پرورش رخ داده است.

● وزارت اطلاعات نیز طلاب حوزه‌های علمیه را استخدام کرده بود و بخشی از این طلاب اکنون مشغول کار در وزارت اطلاعات هستند. دخالت آخوندها و طلبه‌ها در مسائل بهزیستی و فقرزدایی و محرومیت‌زدایی و حتی فعالیت عمرانی به اسم فعالیت «جهادی» نیز یکی دیگر از انحرافات است که در جمهوری اسلامی و برای اشتغال آخوندها و دادن پول مفت به آنها انجام شده است.

شماره از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دنبال تصویب طرح عجیب و ضدعلمی هستند که بر اساس آن مجوز «مشاوره روانشناسی با رویکرد دینی و اسلامی» به طلبه‌ها و آخوندهای حوزه‌های علمیه سپرده شود.

تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرحی را به هیئت رئیسه ارائه کرده‌اند که بر اساس آن صلاحیت اعطای مجوز مشاوره روانشناسی که اکنون در اختیار نظام روانشناسی و مشاوره کشور است در اختیار حوزه‌های علمیه و طلبه‌هایش قرار می‌گیرد.

در مقدمه این طرح که به امضای ۶۹ نفر از نمایندگان مجلس یازدهم رسیده آمده که «با توجه به مرجعیت دینی حوزه‌های علمیه و ضرورت استقلال آن، لازم است صلاحیت اعطای مجوز مشاوره با رویکرد دینی و اسلامی، به صورت مستقل در اختیار مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه کشور قرار گیرد. این مهم با اضافه شدن یک تبصره، ذیل ماده ۱ قانون تشکیل سازمان روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی محقق می‌شود.»

هیئت رئیسه نیز طرح این نمایندگان را «جهت بررسی» به مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ارسال کرده و اکنون مرکز پژوهش‌های مجلس برای دریافت نظرات کارشناسی طرح را در اختیار تعدادی از ارگان‌ها، نهادها و صاحب نظران قرار داده است.

در واکنش به این طرح، محمد حائمی رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور گفته که این سازمان به محض اطلاع از مفاد این طرح، رایزنی خود را برای از دستور خارج کردن این موضوع شروع کرد. با نمایندگان مجلس، مسئولان و اشخاصی که این طرح جهت اظهار نظر به آنها داده شده بود جلسه و اشکالات طرح در میان گذاشته شد.

به گفته محمد حائمی، او با آیت‌الله اعرافی ریاست حوزه

علمیه هم برای اعلام «مخالفت» با این طرح دیدار کرده است. در این جلسه رئیس حوزه علمیه مدعی شده از چنین طرحی اطلاع ندارد و تدوین و تنظیم آن کار نمایندگان مجلس شورای اسلامی بوده است.

رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور همچنین گفته که سازمان از ضوابط خود در ارتباط با سازمان‌ها، نهادها، دانشگاه‌ها، حوزه‌ها و قوه قضاییه عدول نخواهد کرد و کسانی هم که غیرمرتبط هستند مانند بقیه متقاضیان باید یک مقطع دیگر دریافت یا در آزمون علمی- حرفه‌ای اگر سازمان برگزار کرد، شرکت کرده و مجوز فعالیت در زمینه ارائه خدمات روانشناسی و مشاوره را بگیرند.

محمد حائمی در واکنشی آشکار به اقدام مجلس و این طرح گفته که «در گذشته هم چنین طرح‌هایی وجود داشته است که با اقدامات موثر و تعاملی از دستور خارج کردیم. اکنون هم در تلاشیم این طرح غیرکارشناسی تفرقه‌افکنانه را از دستور کار پژوهش‌های مجلس یا کمیسیون مرتبط خارج کنیم.»

رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره ایران «دوگانگی صدور مجوز در یک کشور»، «نداشتن ساختار لازم حوزه جهت نظارت» و از همه مهمتر «غیرتخصصی شدن خدمات مشاوره‌ای» را از ایرادات اساسی چنین طرحی عنوان کرده است. جدید سازمان نظام روانشناسی و مشاوره ایران در مخالفت با این طرح تا آنجاست که به گفته محمد حائمی «برای پیگیری موضوع کمیته‌ای را در سازمان جهت رایزنی با نمایندگان و مرکز پژوهش‌های مجلس و سایر مسئولان» تشکیل شده است.

چهار دهه پس از انقلاب و پرورش تعدادی زیادی آخوند به عنوان «روحانی» و «طلبه» که خرج‌شان از روز نخست آغاز به تحصیل در حوزه بر دوش حکومت بوده حالا لشکری از آخوندهای مفتخور و بیکار ایجاد کرده که هیچ تخصصی ندارند و نمی‌توانند مانند مشاغل دیگر، به پیشبرد امور جاری کشور کمک کنند.

اینهمه سبب شده بجز مسیرهای اصلی که از ابتدای انقلاب برای این قشر به امور مملکت‌داری گشوده شد، حالا مسیرهای فرعی برای اشتغال آنها در حوزه‌های تخصصی نیز ایجاد شود. به این ترتیب آخوندهای زیادی هستند که بجای شغل اصلی یعنی امامت جماعت و روضه‌خوانی، ساختار اجرایی و سیاست‌گذاری ایران را غصب کرده‌اند که در رأس آنها ولی فقیه و در حال حاضر سی سال است که سیدعلی خامنه‌ای قرار دارد!

پیش از این نیز دخالت و اشتغال روحانیون و طلبه‌ها در بخش‌های کاملاً تخصصی رخ داده است. برای نمونه آذر ۱۳۹۸ بود که مدیر «حوزه‌های علمیه خواهران کشور» از مصوبه شورای معین شورای انقلاب فرهنگی برای استخدام ۱۰

درصدی طلاب در وزارت آموزش و پرورش خبر داد. طلاب در هشت رشته علوم انسانی (دبیری عربی، مربی امور تربیتی، دبیری معارف اسلامی، آموزگاری ابتدایی، دبیری ادبیات فارسی، دبیری علوم اجتماعی، دبیری تاریخ، دبیری فلسفه) می‌توانند در آزمون استخدامی شرکت کنند و در صورت پذیرش در همان رشته‌ای که قبول شده‌اند به استخدام آموزش و پرورش درآمده و به تدریس مشغول می‌شوند.

بر اساس گزارشی که در اسفند ۱۴۰۰ منتشر شد نیز آموزش و پرورش چند هزار نفر را که آموزشیاران نهضت سوادآموزی، روحانیون و طلبه‌های حوزه علمیه، خانواده‌های «ایثارگر» و حتا تعدادی با هویت مبهم را بجای آموزگاران حق‌التدریس در دستور کار قرار داده است. بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی، آموزش و پرورش موظف است نخست از آموزگاران حق‌التدریس برای استخدام استفاده کند اما در یک اقدام غیرقانونی بخشی از ظرفیت استخدامی این وزارتخانه به افرادی غیرمرتبط و غیرمتخصص تعلق گرفته است.

در چهار دهه گذشته طلاب و روحانیون به عنوان امام جماعت و معلم پرورشی در مدارس ایران جاسازی شدند اما جمهوری اسلامی بر اساس طرح «مبلغ معلم» از سال ۹۷ راه ورود طلاب به مدارس کشور را به عنوان «آموزگار» بیشتر هموار کرد. «مرکز تربیت مبلغ معلم» حوزه‌های علمیه در تاریخ ۲۰ اسفندماه ۱۳۹۷ در بیست و سومین جلسه هیئت امنا دانشگاه فرهنگیان مطرح و به عنوان مرکز وابسته دانشگاه فرهنگیان با اهداف زیر تصویب شد:

۱. تأمین و تربیت معلمان، مربیان و مدیران مؤمن و متعهد، معتقد به مبانی دینی و ارزش‌های اسلامی و انقلابی، دارای فضایل اخلاقی و ارزش‌های والای انسانی، کارآمد و توافقد در طراز جمهوری اسلامی
۲. جذب و تربیت نیروهای مستعد از بین داوطلبان حوزوی برادر و خواهر برای ورود به آموزش و پرورش
۳. تربیت صاحب‌نظران و پژوهشگران متخصص حوزوی به منظور نظریه‌پردازی تربیت دینی
۴. بهره‌گیری از ظرفیت تبلیغی- فرهنگی طلاب در عرصه آموزش و پرورش
۵. جذب و آموزش نیروهای حوزوی برادر و خواهر جهت ارائه راهنمایی و مشاوره در سطح مدارس آموزش و پرورش

پیشتر، وزارت اطلاعات نیز طلاب حوزه‌های علمیه را استخدام کرده بود و بخشی از این طلاب اکنون مشغول کار در وزارت اطلاعات هستند. دخالت آخوندها و طلبه‌ها در مسائل بهزیستی و فقرزدایی و محرومیت‌زدایی و حتی فعالیت عمرانی به اسم فعالیت «جهادی» نیز یکی دیگر از انحرافات است که در جمهوری اسلامی و برای اشتغال آخوندها و دادن پول مفت به آنها انجام شده است.



کاهش خورد و خوراک مردم به دلیل فقر؛ خانواده‌های کارگری رنگ گوشت را نمی‌بینند!

● محاسبات نشان می‌دهد که یک خانواده‌ی سه نفره کارگری اگر یک روز بخوانند غذای گوشتی بخورند، باید کل دستمزد آن روز نان‌آور خانواده را برای خرید فقط یک کیلوگرم گوشت قرمز هزینه کنند!

● فرامرز توفیقی: «وقتی بیش از نیمی از جمعیت، پولی برای خرید ندارند، تورم بطور طبیعی تا حدودی کاهش می‌یابد چون تقاضایی دیگر در کار نیست اما این مسئله به معنای گشایش معیشتی یا خروج از بحران گرانی نیست.»

گرانی و تورم همچنان بیش از پیش سبب کوچک شدن سبد خرید خانوارها در ایران می‌شود. فعالان کارگری می‌گویند حتی با صفر شدن تورم اقتصاد ایران هم توان خرید بسیاری از مواد غذایی را ندارند و در حال حاضر گوشت از سبد خوراک خانوارهای کارگری تقریباً حذف شده است.

تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها در تیرماه به ۸۶ درصد رسید. این عدد به معنای فاجعه‌ای هولناک در سبد خرید و تغذیه اقشار کارگری، بازنشسته و کارمندی است که دریافتی آنها زیر رقم خط فقر است. این خانوارها که فاصله درآمد آنها با تورم هر هفته و هر روز در حال افزایش است، در تیرماه امسال ناچار بودند برای خرید سبد مشخصی از کالا ۸۶ درصد بیشتر از تیرماه سال گذشته هزینه کنند.

نخستین اثر تورم ۸۶ درصدی مواد خوراکی، حذف بخش قابل توجهی از کالاهای خوراکی از سبد مصرفی خانوارهای کم‌درآمد و تنگدست است. تعداد این خانوارها اصلاً کم نیست و بنا بر آمارها و برآوردهای خود حکومت ۶۰ میلیون نفر یعنی حدود ۷۵ درصد از جمعیت کشور را شامل می‌شود. فرامرز توفیقی رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شوری کار درباره تورم هفته‌های گذشته گفته که «امروز چرخ دنده‌های تورم تمام مردم و نه فقط کارگران را در منگنه قرار داده است و تأمین نیازهای اولیه‌ی خوراکی برای لایه‌های مختلف طبقه متوسط نیز به یک «امر دشوار» بدل شده است.»

به گفته فرامرز توفیقی «لاکچری‌سازی کالاهای خوراکی» یکی از تبعات اصلی تورم سنگین حداقل در بخش سبد تغذیه‌ای مردم بوده است. نه فقط گوشت قرمز و سفید، بلکه برنج، تخم مرغ، میوه‌ها و صیفی‌جات، به تدریج جزو اقلام لاکچری سبد خرید خانواده‌ها شده‌اند؛ وقتی قیمت برنج ایرانی هر کیلو بیش از ۱۰۰ هزار تومان است، آیا یک خانواده‌ی مزدبگیر می‌تواند ماهی چند کیلو برنج در برنامه خرید منظم خود داشته باشد؟

فرامرز توفیقی معتقد است که «اگر در ماه آینده یا ماه‌های بعدتر، تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها، از ۸۶ درصد به ۵۰ درصد برسد و روی کاغذ نزولی شود، بازم تاثیر در بهبود معیشت کارگران نخواهد داشت چراکه همین امروز کارگران با دستمزدی که ماهانه می‌گیرند نمی‌توانند کالاهای خوراکی کافی و باکیفیت بخرند و ۵۰ درصد تورم خوراکی‌ها بازم به معنای گرانی بیشتر است در حالیکه این دستمزد است که ثابت می‌ماند؛ پس رکود تورم یا نزول چند درصدی آن نیز نمی‌تواند راهکاری برای «بهبود معاش فرودستان» باشد.» آنچه مورد اشاره فرامرز توفیقی است، عمیق شدن فاصله

از جمله بازنشستگان و طبقه متوسط ارزیابی کرده و گفته که «نا توانی در خرید اقلام غذایی باکیفیت، فقط مختص به حداقل‌بگیران یا کارگران ساده نیست، طبقه‌ی متوسط هم به این حال و روز دچارند؛ سفره‌ها ناچاراً از اقلام ارزان ولی بی‌کیفیت پر شده و سرانه مصرف گوشت احتمالاً به پایین‌ترین رقم در دهه‌های اخیر سقوط کرده است؛ وقتی فرزند یک خانواده‌ی کارگری یا حتی خانواده‌ی متوسط، با سبب‌زمینی و سویا و نهایتاً تخم مرغ تغذیه می‌کند، چطور می‌تواند رشد مطلوب داشته باشد و فردای این کشور را بسازد؟!»

مسعود رسولی دبیر انجمن صنعت بسته‌بندی گوشت و مواد پروتئینی کشور نیمه اردیبهشت که هنوز قیمت کالاهای خوراکی با تورم انفجاری دو ماه گذشته روبرو نشده بود، از کاهش مصرف سرانه گوشت ایرانیان نسبت به سال گذشته خبر داده و گفته بود که «مرکز آمار ایران سرانه مصرف گوشت قرمز در سال را ۴ کیلوگرم در سال به ازای هر نفر اعلام کرده است. اما آنچه واقعیت دارد چیزی حدود ۳ کیلوگرم است که باید گفت این آمار برای هر جامعه‌ای نگران‌کننده است.» در این میان مقامات دولتی مدام اصرار دارند که شیب افزایش تورم کمتر شده است. حتی هادی سبحانیان معاون وزیر اقتصاد دولت سیزدهم نیز در سخنانی عجیب مدعی شده که «بر اساس مبنای اقتصادی نمی‌توان به افزایش قیمت‌ها در خردادماه، تورم بگوییم. آنچه که تحت عنوان افزایش در شاخص قیمت‌ها رخ داد، یک جهش قیمتی بوده، در تورم شاهد افزایش مستمری در شاخص‌های عمومی قیمت‌ها هستیم. اما آنچه که در خردادماه رخ داد، یک جهش و شوک قیمتی و مورد انتظار بود.»

معاون وزیر اقتصاد افزوده که «استدلال بسیاری از کارشناسان اقتصادی این بود از آنجایی که پیش از این شیوه تأمین مالی ارز ۴۲۰۰ تومانی یک شیوه تورمی بوده، حذف آن به کنترل تورم کمک می‌کند.» او گفته است با حذف ارز دولتی، یکی از ریشه‌ها و مسببین اصلی تورم از میان برداشته شده و در ماه‌های آینده روند نرخ تورم نزولی خواهد شد.

فرامرز توفیقی در اینباره معتقد است «وقتی بیش از نیمی از جمعیت، پولی برای خرید ندارند، تورم بطور طبیعی تا حدودی کاهش می‌یابد چون تقاضایی دیگر در کار نیست اما این مسئله به معنای گشایش معیشتی یا خروج از بحران گرانی نیست. امروز بحران معیشتی به یک بحران همه‌جانبه اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است؛ کارشناسان اقتصادی که به ادعای خودشان مدام به دنبال مدل‌های اقتصادی برای افزایش رشد و بهره‌وری هستند، نمی‌دانند سوءتغذیه چه تاثیر مخربی بر بهره‌وری نیروی انسانی در اقتصاد دارد؟ الفبای بهره‌وری این است که نیروی انسانی، غذای مناسب خورده باشد و در وضعیت متعادل باشد.»

دستمزد و هزینه زندگی است. هرچند در عدد، رقمی بر دستمزدهای سال ۱۴۰۱ افزوده شده اما در عمل ارزش واقعی این دستمزدها به دلیل کاهش ارزش پول ملی کمتر شده است. به این معنا که مقدار کالای خریداری شده با حقوق یک کارگر در سال گذشته بیش از کالاهایی بوده که این کارگر با دستمزدی که به صورت عددی حدود ۳۰ درصد افزایش یافته، اکنون خریداری می‌کند. محاسبات نشان می‌دهد که یک خانواده‌ی سه نفره کارگری اگر یک روز بخوانند غذای گوشتی بخورند، باید کل دستمزد آن روز نان‌آور خانواده را برای خرید فقط یک کیلوگرم گوشت قرمز هزینه کنند!

خربرگزاری ایلنا در گزارشی محاسبه کرده که «بر اساس مصوبات مزدی شورای عالی کار، حداقل دستمزد روزانه‌ی کارگران در سال جاری، ۱۳۹ هزار و ۳۲۵ تومان است؛ اگر مزایای مزدی مانند حق مسکن و سنوات را به این رقم بیفزاییم، به سختی به روزی حدود ۲۰۰ هزار تومان می‌رسیم؛ بنابراین قیمت هر کیلو گوشت گوسفندی امروز از دستمزد روزانه‌ی یک کارگر به مراتب بیشتر است؛ یعنی یک خانواده‌ی سه نفره کارگری اگر یک روز بخوانند غذای گوشتی بخورند، باید کل دستمزد آن روز نان‌آور خانواده را برای خرید فقط یک کیلوگرم گوشت قرمز هزینه کنند؛ تنزل سطح کیفی تغذیه، عواقب میان‌مدت و بلندمدت بسیار دارد؛ عواقبی که چشم پوشیدن بر آن‌ها جامعه را به سمت بحران سوق خواهد داد.» یک کارگر پیمانکاری شهرداری درباره مصرف گوشت به خربرگزاری ایلنا گفته که «ما چندین ماه است که اصلاً گوشت قرمز نخوریده‌ایم، یعنی از ابتدای سال خرید گوشت قرمز نداشته‌ایم؛ اگر اوضاع به همین شکل باشد تا پایان سال هم خرید نمی‌کنیم؛ پولی باشد یکی دو کیلو مرغ یا ماهی می‌خریم؛ واقعاً سرانه مصرف گوشت خانواده‌ی ما به صفر رسیده است!»

«من غذای کمپ را می‌خورم اما همسر و دو فرزندم اصفهان زندگی می‌کنند؛ فکر کنم هر دو یا سه ماه، یکی دو کیلو گوشت خورشتی می‌خرند تا بتوانیم هر پانزده روز یکبار، غذا با گوشت قرمز داشته باشیم؛ سرانه مصرف هر عضو خانواده ما در بهترین حالت، سالی ۳ یا همان ۴ کیلوگرم است.» این جملات را یک کارگر شاغل در پروژه‌های نفتی عسلویه گفته که از جمله کارگرانی هستند که درآمد بیشتری از کارگران شاغل در دیگر سازمان‌ها و بخش‌های اقتصادی دارند. وضعیت بازنشستگان نیز بهتر از کارگران نیست. برای نمونه یک بازنشسته ساکن ایلام گفته که «ماه‌هاست سفره‌ی ما رنگ گوشت قرمز را ندیده است؛ پول ما به خرید چند کیلو مرغ و تخم مرغ به زور می‌رسد؛ گوشت را دیگر فاکتور گرفته‌ایم!» کاظم فرج‌اللهی فعال کارگری نیز کاهش مصرف مواد خوراکی و تغذیه نامناسب را مختص بخش زیادی از مردم

هوشنگ ابتهاج در سال‌های گذشته ساکن شهر کلن آلمان بود. او درباره مهاجرتش به آلمان در یک مصاحبه گفته بود: «رفتن من اجباری بود. اول یکی از بچه‌هایم رفت آلمان، بعد زنم رفت که بچه‌ام تنها نباشد. بعد بچه‌های دیگر رفتند. یک مدتی هم من ممنوع‌الخروج بودم. بالاخره من هم رفتم.»

او همچنین افزوده بود «البته من خودم مهاجرت نکردم ولی اگر چیزی زندگی شما را تهدید می‌کند و خطر مرگ برای شما وجود دارد، شما حق دارید که هر نقطه خطرناکی را ترک کنید تا در امان باشید.»

هوشنگ ابتهاج درباره اینکه آیا در آلمان هم شعر می‌سراید گفته بود: «بله. این ویروس است که از تن آدم نمی‌رود. ترسم این است که در آن دنیا هم دچار شعر گفتن شوم. شعر گفتن ایران و آلمان و ژاپن ندارد. گاهی چیزهایی به کله شما می‌آید و شما یاد گرفته‌اید، که آنچه حس می‌کنید، بگویید. گاهی کمتر و گاهی بیشتر.»

در سال‌های گذشته بسیاری از غزل‌ها و سروده‌های ه. ا. سایه در میان بخشی از جوانان مورد استقبال قرار گرفت. این غزل از معروف‌ترین آنهاست:

امروز نه آغاز و نه انجام جهان است
ای بس غم و شادی که پس پرده نهان است

گر مرد رهی غم مخور از دوری و دیری
دانی که رسیدن، هنر گام زمان است

تو رهرو دیرینه‌ی سرنمزل عشقی
بنگر که ز خون تو به هر گام نشان است

آبی که برآسود، زمینش بخورد زود
دریا شود آن رود که پیوسته روان است

باشد که یکی هم به نشانی بنشیند
بس تیر که در چله‌ی این کهنه کمان است

از روی تو دل کندم آموخت زمانه
این دیده از آن روست که خونابه‌فشان است

دردا و دریغا که در این بازی خونین
باز پچه‌ی ایام، دل آدمیان است

دل بر گذر قافله‌ی لاله و گل داشت
این دشت که پامال سواران خزان است

روزی که بچنبد نفس باد بهاری
یبینی که گل و سبزه کران تا به کران است

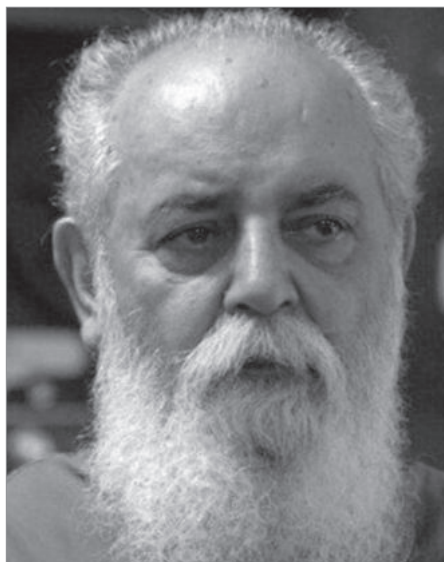
ای کوه، تو فریاد من امروز شنیدی
دردی‌ست درین سینه که همزاد جهان است

از داد و ووداد آنهمه گفتند و نکردند
یارب، چه قدر فاصله‌ی دست و زبان است

خون می‌چکد از دیده در این کنج صبوری
این صبر که من می‌کنم، افشردن جان است

از راه مرو سایه، که آن گوهر مقصود
گنجی‌ست که اندر قدم راهروان است

امیرهوشنگ ابتهاج درگذشت؛ پس تو که این ترانه را سرودی چرا در زندانی؟!



امیرهوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه)

هوشنگ ابتهاج به همراه چند نفر از شاعران و نویسندگان عضو کانون نویسندگان در جریان اختلافاتی که در نخستین سال‌های پس از انقلاب در این کانون شکل گرفت از آن اخراج شد. وی مدتی پس از اخراج از کانون نویسندگان به همراه جمعی از شاعران و نویسندگان از جمله محمود اعتمادزاده (به‌آذین)، سیاوش کسرایی و فریدون تنکابنی که همگی از طرفداران و یا اعضای حزب توده بودند، «شورای نویسندگان و هنرمندان ایران» را تأسیس کردند.

هوشنگ ابتهاج در حوزه سیاسی افکار چپگرا و «توده‌ای» داشت و پیش از انقلاب ۵۷ مانند بسیاری دیگر از هم‌فرانشیز که به کار و زندگی عادی از جمله در نهادهای دولتی و مؤسساتی مانند رادیو و تلویزیون اشتغال داشتند، وی نیز به کار در رادیو دولتی ایران مشغول بود. اما پس از انقلابی که حزب توده به شکل تمام‌عیار از آن دفاع می‌کرد، همزمان با قلع و قمع این حزب توسط جمهوری اسلامی، در سال ۱۳۶۲ بازداشت شد و یک سال در زندان بسر برد. ابتهاج درباره این دوره از بازداشت خود گفته است که «به مدت ۸۴ روز مرا با چشم‌بند در راهرو و کنار مستراح نگاه‌داشتند و همانجا روی موزاییک باید می‌خوابیدم اما بعد از ۸۴ روز مرا به سلولی کوچک منتقل کردند.»

او درباره دوران زندانش گفته «در زندان بودم و با یک هموطن همبند، ترانه «ایران ای سرای امید» از بلندگوی زندان پخش شد، تا که شنیدم زدم زیر گریه! هم‌بندم گفت: چرا گریه می‌کنی؟ گفتم: شاعر این ترانه منم. گفت: پس تو که این ترانه را سرودی چرا در زندانی؟!»

تصنیف خاطره‌انگیز «تو ای پری کجایی» و شعر «دیرست گالیا» از دیگر اشعار خیلی معروف هوشنگ ابتهاج هستند.

● امیرهوشنگ ابتهاج با نام هنری «ا. ه. سایه» شاعر و پژوهشگر بیش از هفت دهه در حوزه شعر و ادبیات فارسی فعالیت می‌کرد و در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ خورشیدی مسئول بخش موسیقی رادیو ملی ایران و سرپرست برنامه معروف «گلها» بود.

● هوشنگ ابتهاج در حوزه سیاسی افکار چپگرا و «توده‌ای» داشت و پیش از انقلاب ۵۷ مانند بسیاری دیگر از هم‌فکرانش که به کار و زندگی عادی از جمله در نهادهای دولتی و مؤسساتی مانند رادیو و تلویزیون اشتغال داشتند، وی نیز به کار در رادیو دولتی ایران مشغول بود، اما پس از انقلابی که حزب توده به شکل تمام‌عیار از آن دفاع می‌کرد، همزمان با قلع و قمع این حزب توسط جمهوری اسلامی، در سال ۱۳۶۲ بازداشت شد و یک سال در زندان بسر برد.

● او درباره دوران زندانش گفته «در زندان بودم و با یک هموطن همبند، ترانه «ایران ای سرای امید» از بلندگوی زندان پخش شد، تا که شنیدم زدم زیر گریه! هم‌بندم گفت: چرا گریه می‌کنی؟ گفتم: شاعر این ترانه منم. گفت: پس تو که این ترانه را سرودی چرا در زندانی؟!»

امیرهوشنگ ابتهاج شاعر و غزلسرای معاصر ایران بامداد چهارشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۱ در سن ۹۴ سالگی در آلمان درگذشت.

امیرهوشنگ ابتهاج با نام هنری «ا. ه. سایه» شاعر و پژوهشگر بیش از هفت دهه در حوزه شعر و ادبیات فارسی فعالیت می‌کرده و پیش از انقلاب ۵۷ مسئول موسیقی رادیو ایران و سرپرست برنامه معروف «گلها» بود. او چند مجموعه شعر و همچنین چند تألیف دارد و تصحیحی نیز بر دیوان اشعار حافظ با عنوان «حافظ به سعی سایه» انجام داده است.

علت درگذشت هوشنگ ابتهاج که مدت‌ها بیمار بود، گذشته از کولت، از سوی خانواده او اعلام نشده است. او تیرماه امسال به دلیل نارسایی کلیه چند روز در بیمارستان بستری بود.

یلدا ابتهاج فرزند هوشنگ ابتهاج بامداد امروز چهارشنبه ۱۹ مردادماه ۱۴۰۱ در صفحه‌ی اینستاگرام خود از درگذشت این شاعر نامدار خبر داد.

یلدا ابتهاج با انتشار تصویری از پدرش نوشت: «بگردید ، بگردید ، درین خانه بگردید درین خانه غریبید، غریبانه بگردید. سایه ما با هفت‌هزارسالگان سربه‌سر شد.»

امیر هوشنگ ابتهاج در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در شهر رشت متولد شد و در میانه‌ی دوره دبیرستان برای ادامه تحصیل به تهران رفت. او فرزند میرزا آقاخان ابتهاج و فاطمه رفعت و تنها پسر یک خانواده ۴ فرزند بود. پدرش آقاخان ابتهاج از مردان سرشناس رشت و مدتی رئیس بیمارستان معروف پورسینا در این شهر بود.

هوشنگ ابتهاج در ۲۲ سالگی در سال ۱۳۲۸ خورشیدی نخستین مجموعه اشعارش با عنوان «نخستین نغمه‌ها» را در رشت منتشر کرد. «سراب» دومین دفتر شعر هوشنگ ابتهاج در سال ۱۳۳۰ در تهران منتشر شد. «سیاه مشق»، «شبگیر» و «زمین» سه مجموعه اشعار دیگر ابتهاج بودند که در فاصله سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ منتشر شدند. «چند برگ از یلدا» حدود یک دهه بعد در سال ۱۳۴۴ منتشر شد.

در سال ۱۳۵۲ سایه مجموعه دیگری از غزلیات خود را با نام «سیاه مشق دو» منتشر کرد و کتاب شعر بعدی او سه سال پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ به نام «یادگار خون سرو» در سال ۱۳۶۰ و «سیاه مشق سه» در سال ۱۳۶۴ انتشار یافت. هوشنگ ابتهاج همچنین در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ شمسی مسئول بخش موسیقی رادیو ملی ایران و سرپرست برنامه معروف «گلها» بود.

مسعود اسداللهی کارگردان «همسفر» و سریال «طلاق» در آمریکا درگذشت



سعید راد، مسعود اسداللهی و آیلین ویگن از ستارگان سینمای قبل از انقلاب ۵۷

انقلاب نیز با استقبال مخاطبان روبرو بوده‌اند و از این رو، در ساختارهای سانسورزدهی سینما و سریال‌سازی کنونی نیز مانند سریال «پایتخت» بارها گپی برداری و تقلید شده‌اند. گپی برداری از سکانس‌های موتورسواری گوگوش و بهروز وثوقی در سریال حکومتی «پایتخت» اعتراض اسداللهی را در پی داشت. وی گفت که این برداشت‌ها، ادای احترام به یک اثر هنری نیست، وقتی که حتی اسم این آثار و سازنده و بازیگرانش ممنوع است و بُرده نمی‌شود. به تازگی نیز شایعاتی مبنی بر ساختن قسمت دوم فیلم «همسفر» در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، اما اسداللهی از آن ابراز بی‌اطلاعی کرد و گفت که خودش هم این خبر را از دیگران شنیده است! اسداللهی به عنوان بازیگر نیز با کارگردانان شناخته شده‌ای از جمله نصرت‌الله کریمی در «درشکه‌چی» و ناصر تقوایی در فیلم «آرامش در حضور دیگران» همکاری داشت. بازی در آثار خودش نیز بخش دیگری از کارنامه هنری وی است.

انقلاب ۵۷ ساختن است. مسعود اسداللهی نویسنده، کارگردان و بازیگر سینمای قبل از انقلاب روز چهارشنبه ۱۹ مردادماه ۱۴۰۱ در سن ۷۸ سالگی در لس‌آنجلس آمریکا درگذشت. اسداللهی آثار محبوبی چون «همسفر»، «علی کنکوری» و سریال پُریننده «طلاق» را در ایران پیش از انقلاب ۵۷ ساخته است. مسعود اسداللهی نویسنده، کارگردان و بازیگر سینمای قبل از انقلاب روز چهارشنبه ۱۹ مردادماه ۱۴۰۱ در سن ۷۸ سالگی در لس‌آنجلس آمریکا درگذشت. اسداللهی در سال ۱۳۲۳ در تهران به دنیا آمد و با بازیگری تئاتر پا به عرصه هنری گذاشت. او فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای دراماتیک

ایران به شمار می‌رود. این مجموعه در ۹ قسمت و درباره معضل طلاق در جامعه شهری ساخته شد و بازیگران ثابتی از جمله مسعود اسداللهی، ژیل سهرابی، رضا کرم‌رضایی، محسن مهدوی، هوشنگ بهشتی، مهری مهرنیا در آن بازی کرده‌اند. لیلا حاتمی بازیگر مشهور کنونی سینمای ایران، فرزند علی حاتمی کارگردان و زری خوشکام هنرپیشه، در سه‌سالگی جلوی دوربین این سریال رفت. مسعود اسداللهی پس از انقلاب ۵۷ و گذشت سه سال از وقوع آن، تنها اثر سینمایی پس از انقلاب خود را با نام «قرنطینه» در سال ۱۳۶۱ ساخت. در ابتدای دهه شصت و بازداشت و ممنوع از کار شدن بسیاری از چهره‌های هنری سینمای ایران، اسداللهی نیز از فعالیت ممنوع شد و در نهایت از طریق مرز پاکستان ایران را برای همیشه ترک گفت. وی ابتدا به اروپا و سپس به آمریکا رفت. اسداللهی پس از اینکه مجبور به خروج از ایران شد، فعالیت‌های هنری

● مسعود اسداللهی نویسنده، کارگردان و بازیگر سینمای قبل از انقلاب روز چهارشنبه ۱۹ مردادماه ۱۴۰۱ در سن ۷۸ سالگی در لس‌آنجلس آمریکا درگذشت.

● اسداللهی آثار محبوب و پُر مخاطبی چون «همسفر» (۱۳۵۴) و «علی کنکوری» (۱۳۵۲) با بازی گوگوش و بهروز وثوقی و سریال «طلاق» را کارگردانی کرد که حتی پس از انقلاب نیز با استقبال مخاطب روبرو بوده‌اند و از این رو، در ساختارهای سانسورزدهی سینما و سریال‌سازی کنونی نیز همانند سریال «پایتخت» بارها گپی برداری و بازتولید شدند.

مسعود اسداللهی کارگردان، بازیگر سینما و تئاتر مشهور و پُرکار قبل از انقلاب در سن ۷۸ سالگی در لس‌آنجلس آمریکا درگذشت. اسداللهی آثار محبوبی چون «همسفر»، «علی کنکوری» و سریال پُریننده «طلاق» را در ایران پیش از انقلاب ۵۷ ساخته است.

مسعود اسداللهی نویسنده، کارگردان و بازیگر سینمای قبل از انقلاب روز چهارشنبه ۱۹ مردادماه ۱۴۰۱ در سن ۷۸ سالگی در لس‌آنجلس آمریکا درگذشت. اسداللهی در سال ۱۳۲۳ در تهران به دنیا آمد و با بازیگری تئاتر پا به عرصه هنری گذاشت. او فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای دراماتیک



مسعود اسداللهی



مسعود اسداللهی، گوگوش و بهروز وثوقی در پشت صحنه فیلم سینمایی «همسفر»

خود را پی گرفت. وی پس از مهاجرت اجباری همچنان به نویسندگی، کارگردانی و اجرای برنامه‌های تلویزیونی پرداخت. اسداللهی در خارج از ایران در تئاتر معروف «اتللو در سرزمین عجایب» نوشته غلامحسین ساعدی به کارگردانی ناصر رحمانی‌نژاد و فیلم «رمب ۳» ایفای نقش کرد.

اسداللهی در «علی کنکوری»، «بابا خالدار»، «پسرک» و «قرنطینه» ایفای نقش کرد.

مسعود اسداللهی سریال تلویزیونی «طلاق» را در سال ۱۳۵۶ کارگردانی کرد که از تلویزیون ملی ایران پخش شد. این سریال جزو پُریننده‌ترین سریال‌های دهه پنجاه خورشیدی

بود و از کارگردانان، نویسندگان و هنرمندان موج نو هنر و ادبیات ایران به شمار می‌رفت.

اسداللهی آثار محبوب و پُر مخاطبی چون «همسفر» (۱۳۵۴) و «علی کنکوری» (۱۳۵۲) را با بازی گوگوش و بهروز وثوقی و سریال معروف «طلاق» را کارگردانی کرد که حتی پس از

● آگاهان و اهل ادب فارسی بهار را بزرگترین شاعر قصیده‌سرای شش قرن اخیر ایران می‌دانند. قصیده‌سرای که بجز آزادی و عدالت و قانونخواهی ممدوح دیگری برنگزیده و جز با جهل و استبداد و سلطه‌گران خودی و بیگانه درنیایخته است.

امسال ۱۱۶ سال از ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ که پیروزی انقلاب مشروطه با امضای فرمان توسط مظفرالدین شاه قاجار به تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی مشروطه پیروزی حقوقی خود را به ثبت رساند، می‌گذرد. شاعر گرامی محمد جلالی چیمه (م. سحر) کتاب خود با عنوان «درباره شعر مشروطیت ایران» را برای انتشار در اختیار کیهان لندن قرار داده است تا همزمان با سالگردی دیگر از انقلابی مترقی و آزادیخواهانه که راه زندگی ایرانیان را به سوی جهان مدرن و «ایران نوین» در دوران پهلوی‌ها گشود، منتشر شود. کیهان لندن این مجموعه را در بخش‌های مختلف در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

بخش ششم

هر ملک را که داد بود بنیاد
دیر ایستد چو کوه به ستواری
وان مُلک را که ظلم بود بنیان
زود افتد به مسکنت و خواری
[بهار]

پیش از ادای سخنی چند درباره بهار اجازه بدهید با این غزل کوتاه عارف گفتار پیشین را که ناتمام مانده بود از سر بگیریم. این شعر در نکوهش حجاب است که در این سال‌های سیاه استبداد دینی بدل به یکی از بزرگترین گرفتاری‌ها و به ویژه مایه بسی خواری‌ها و ظلم و آزار برای نیمی از ملت ایران یعنی برای مادران، خواهران، همسران و دختران ما و بطور کلی زنان ایران شده است.

وجود این تصنیف‌ها و شعرها نشان می‌دهد که آرمان آزادی زنان ایران و به ویژه رها شدن آنان از قید سنت‌های عتیق و واپسگرا نزد همه آزادیخواهان عصر مشروطیت از جمله شاعران این دوران مانند عارف از اهمیت برخوردار بوده و مسئله آزاد شدن زنان و ورود آنها به جامعه آرزویی بوده است که کشف حجاب دوران رضاشاهی برآیند و نمره آن آرمان‌ها و آن مبارزه‌ها بوده است.

و اما بهار

آرمان بهار در کلمه‌ی آزادی تبلور می‌یابد و ناسیونالیسم شاعرانه‌ای که در شعرهای او موج می‌زند به معنای میهن‌پرستی و مقاومت در برابر سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی بیگانگان است.

آگاهان و اهل ادب فارسی او را بزرگترین شاعر قصیده‌سرای شش قرن اخیر ایران می‌دانند. قصیده‌سرای که بجز آزادی و عدالت و قانونخواهی ممدوح دیگری برنگزیده و جز با جهل و استبداد و سلطه‌گران خودی و بیگانه درنیایخته است. این شاعر استثنایی سنت هزار ساله‌ی شعر فارسی و مجموعه‌ی فنون و ظرایف قصیده‌سرایان تاریخ ایران را پشتوانه‌ی آرمان آزادی و عدالت و قانونخواهی و میهن‌پرستی کرد و آنهمه دانش زبانی و قوت سخنوری را در مبارزه با ستم و استبداد و در ستایش آزادی به کار بست. در قصیده بلندی که او بر اساس شکوایه‌ای از مسعود سعد سلمان سروده این آرمان آزادیخواهی شاعران مشروطه به زیبایی و تشخص خاصی مسطور است. این شعر انتقادی شیوا، درواقع شکوایه‌ی

آخر بس است این بدعملی؛ آخر بس است این منفعلی!

درباره شعر مشروطیت ایران (۶)



محمد جلالی چیمه (م. سحر)

شاعری قدرتمند و آرمانخواه است از روزگار خویش و سرشار از شکایت و اعتراضی که شاعر را در برابر انواع حقارت‌ها و حسدورزی‌ها و ناجوافردی‌های رنگارنگ اهل زمانه‌ی خویش به فغان آورده است. زمانه‌ای که همدمت با «آسمان» به قول

جرمیست مرا قوی که در این ملک
مردم دگرند و من دگرسانم
نه خیل عوام را سپهدارم
نه خوان خواص را نگهبانم
بر سیرت رادمردمان، زیروی
در خانه‌ی خویشت به زندانم
یکروز کند وزیر تبعیدم
یکروز زند سفیه بهتانم
دشنام خورم ز مردم نادان
زیراک هتور و سخندانم
زیرا به سخن یگانه‌ی دهرم
زیرا به هنر فرید دورانم
زیراک به نقشبندی معنی
سیلابه‌ی روح بر ورق رانم
زیرا پس چند قرن چون خورشید
بیرون شده از میان اقرانم
.....

از نقیمت دشمنان آزادی
گه در ری و گاه در خراسانم
وامروز عمید مُلک شاهنشاه
بسته‌ست زبانِ گوهرافشانم
...



ملک الشعراى بهار

حافظ «کشتی ارباب هنر» را شکسته می‌خواهد و گناه دانش و فضل را بر اهل دانش و فضل نمی‌بخشاید! با اینهمه در ابیات پایانی این قصیده پر شکوه و درد، آرمان مشروطه‌خواهان و آرزوی شاعران و نویسندگان و روشنفکران عصر باطنینی با شکوه در کلمه‌ی «آزادی» تبلور و تجسم یافته است. ابیاتی از این شکوایه شاعر را که بحق ستایشنامه‌ی آزادیست و رساترین فریادخواهی ممکن و نمایانگر آرزوی شاعران دوران مشروطیت است، با هم بخوانیم:

تا بر زیر ری است جولانم
آزرده و مستمند و نالانم
هزلست مگر سطور اوراقم
پاوه‌ست مگر دلیل و برهانم
پاهچو گروه سفلیگان هر روز
از بهر دو نان به کاخ دونانم
...

ناکرده گنه معاقبم گوئی
سبابه‌ی مردم پشیمانم
عمری به هوای وصلت قانون
از چرخ برین گذشت افغانم
در عرصه‌ی گیر و دار آزادی
فرسود به تن، درشت خفانم
تیغ حدثان گسست پیوندم
پیکان بلا بسفت ستخوانم
گفتم که مگر به نیروی قانون
آزادی را به تخت بنشانم
وامروز چنان شدم که بر کاغذ
آزاد نهاد خامه نتوانم
ای آزادی، خجسته آزادی!
از وصل تو روی برنگردانم
تا آنکه مرا به نزد خود خوانی
یا آنکه ترا به نزد خود خوانم





زبان شعری و شکردهای سبک خراسانی در شعر بهار، میراث شاعران دوره بازگشت و «انجمن صبا»ی کاشانی بود که از سوی پدر بهار، یعنی ملک الشعرا صبوری- که از کاشان به خراسان رفت و «ملک الشعرا آستان قدس» شد- به او سپرده شده بود.

بهار نیز همچون عارف شاعر آزادی و وطن دوستی است. البته بنیه و توانایی او در ادب و شعر فارسی و عمق دانش او از تاریخ و فرهنگ ایران (اگر دهخدا را مستثنی کنیم) از شاعران همدوره خود بیشتر است.

چون در گفتار پیشین از وطن پرستی (پاتریوتیسم) و آزادیخواهی عارف سخن گفتیم و نمونه‌هایی از تصنیف‌ها و ترانه‌های این شاعر هنرمند و موسیقیدان آزاده آوردیم بد نیست از ذوق بهار در تصنیف نیز یاد کنیم و مهر به وطن را که روح این شاعر بزرگ و آزاده از آن سرشار بود، در تصنیفی ببینیم که برای ایران سروده است

این تصنیف را حدود دو دهه پیش ایرج بسطامی به زیبایی تمام خوانده است؛ هنرمند بسیار خوش آوازی که دریغا در فاجعه زلزله بم همراه با هزاران تن از هموطنانش در آوارهای این شهر کهن مدفون شد.

ای خطه ایران مهین، ای وطن من
ای گشته به مهر تو عجب جان و تن من
دور از تو گل و لاله و سرو و سمنم نیست
ای باغ گل و لاله و سرو و سمن من
بس خار مصیبت که خلد دل را بر پای
بی روی تو، ای تازه شکفته چمن من
ای بار خدای من گر بی تو زیم باز
افرشته من گردد چون اهرمن من
تا هست کنار تو پر از لشکر دشمن
هرگز نشود خالی از دل محن من
از رنج تو لاغر شده‌ام چونان کاز من
تا بر نشود ناله نبینی بدن من
دردا و دریغا که چنان گشتی بی برک
کاز یافته‌ی خویش نداری کفن من
بسیار سخن گفتم در تعزیت تو
آوخ که نگریاند کس را سخن من
وانگاه نبوشند سخن‌های مرا خلق
کز خون من آغشته شود پیرهن من
و امروز همی گویم با محنت بسیار
دردا و دریغا وطن من، وطن من

ایته بهار تصنیف‌های دیگری نیز دارد که غالب آنها در ستایش وطن یا شکوه از رنجی‌ست که کشورش در آن گرفتار بود- رنجی که متأسفانه با شدت توانفرساری ادامه یافته. تصنیف «مرغ سحر» که به نوعی به سرود ملی تبدیل شده و از قمر تا شجریان هر هنرمند خوش آوازی که در ایران پیدا شد آن را با عشق و افتخار اجرا کرده است.

در اینجا یادآوری یکی دیگر از تصنیف‌های وطنی بهار بی‌مناسبت نیست:

باد صبا بر گل گذرگن بر گل گذر کن

...

گل چاک غم بر پیرهن زد بر پیرهن زد

از غیرت آتش در چمن زد

بلبل چو من شد در چمن دستانرا بهر وطن

دیدنی که ظالم تیشه‌اش را

آخر به پای خویشتن زد

ایرانیان از بهر خدا یکدل شوید از صدق و صفا

تا چند نفاق تا کی دغلی؟

تا چند غرض تا کی دودلی؟

آخر بس است این بدعملی

آخر بس است این منفعلی

این بخش از گفتار درباره بهار را با قسمتی از قصیده وطنی «یا مرگ یا تجدد» که سخن ایرانیان دردمند امروز نیز هست به پایان می‌برم:

هر کو در اضطراب وطن پست

آشفته و نژند چو من نیست

کی می‌خورد غم زن و دختر

آترا که هیچ دختر و زن نیست

مرد از عمل شناخته گردد

مردی به شهرت و به سخن نیست

فرتوت گشت کشور و او را

بایسته‌تر ز گور و کفن نیست

یا مرگ یا تجدد و اصلاح

راهی جز این دو پیش وطن نیست

ایران کهن شده‌ست سرپای

درمانش جز به تازه شدن نیست

عقل کهن به مغز جوان هست

فکر جوان به مغز کهن نیست

ز اصلاح اگر جوان نشود ملک

گر مُرد جای سوک و حزن نیست

ویرانه‌ایست کشور ایران

ویرانه را بها و ثمن نیست

امروز حال مُلک خرابست

بر من مجال شهت و ظن نیست

شخصی زعیم و کارگشانی

مردی دلبر و نیزه‌فکن نیست

خویشی میان پور و پدر نه

یاری میان شوهر و زن نیست

بیدادها کنند و کسی را

یکدم مجال داد زدن نیست

حکام نابکار زهر سوی

غارت کنند و جای سخن نیست!

می‌بینیم که با کمال تأسف بعد از حدود صد سال باز هم در بر همان پاشنه می‌چرخد و آب به همان آسیاب می‌ریزد.

[ادامه دارد]

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۴۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing; Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hornuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisscau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

این جنایات بخشی از زنجیره خودکامگی و تلاش برای نابودی و حذف اقلیت‌های دینی و دگرباوران است. ایدئولوژی حاکم بر ایران، یک نظام خودکامه آپارتاید مذهبی است که میلیون‌ها شهروند را به دلیل باور دینی از حقوق شهروندی محروم ساخته است.

در این هفته‌ها، ما، شهروندان ایرانی، با نگرانی فزاینده، شاهد تخریب، غارت خانه‌های شهروندان بهایی در روستای روشنکوه، و تصاحب زمین‌های آبا و اجدادی این روستاییان، توسط حکومت اسلامی بودیم.

همچنین در روزهای اخیر، سرکوب و بازداشت خودسرانه‌ی شهروندان بهایی در شهرهای مختلف تشدید شده و تعداد بیشتری از دانشجویان بهایی از تحصیل محروم شده‌اند.

این جنایات بخشی از زنجیره خودکامگی و تلاش برای نابودی و حذف اقلیت‌های دینی و دگرباوران است. ایدئولوژی حاکم بر ایران، یک نظام خودکامه آپارتاید مذهبی است که میلیون‌ها شهروند را به دلیل باور دینی از حقوق شهروندی محروم ساخته است.

ما امضاکنندگان این نامه با صدای رسا اعلام می‌کنیم که نه تنها از فشار بر شهروندان بهایی و دیگر اقلیت‌های دینی بیزاریم و آن را محکوم می‌کنیم بلکه وقتی پای حقوق شهروندی و بشری آنها در میان باشد ما نیز خود را یک بهایی می‌دانیم. زیرا همانگونه که استاد سخن و اندیشه سعدی می‌گوید:

ز گوش، پنبه برون آر و داد خلق بده
وگر تو می‌ندهی داد، روز دادی هست

بیانیه شماری از فعالان مدنی و سیاسی:

وقتی پای حقوق شهروند و بشر در میان باشد، ما نیز خود را بهایی می‌دانیم!



- ۲۱ فرد پطروسیان، ژورنالیست و پژوهشگر، بلژیک
- ۲۲ سعید پیوندی، استاد دانشگاه، فرانسه
- ۲۳ محمد جلالی چیمه (م سحر) شاعر، فرانسه
- ۲۴ شهرزاد چنگلواپی، هنرمند، آمریکا
- ۲۵ آذر خونیانی-اکبری، کارشناس ارشد آموزش کودکان، آمریکا
- ۲۷ ناهید حسینی، پژوهشگر مسایل آموزش و زنان، بریتانیا
- ۲۸ حسن دانشور، فعال سیاسی و فرهنگی، هلند
- ۲۹ عباس دانشور، زندانی سیاسی سابق، نویسنده و فعال جنبش دادخواهی
- ۳۰ آتنا دایمی، فعال حقوق بشر، ایران
- ۳۱ علیرضا درویش، فیلمساز انیمیشن و طراح، آلمان
- ۳۲ سعید دخانی، هنرمند تجسمی، آمریکا
- ۳۳ سعید دهقان، حقوقدان و وکیل دادگستری، کانادا
- ۳۴ رضا دقتی، فتوژورنالیست، فرانسه
- ۳۵ احمد رافت، نویسنده و روزنامه‌نگار، انگلستان
- ۳۶ آزاده رجحان گوستافسون نماینده پارلمان سوئد
- ۳۷ فرزانه روستایی، روزنامه‌نگار، سوئد
- ۳۸ جلیل روشندل، استاد روابط بین‌الملل، آمریکا
- ۳۹ سپیده زرین‌پناه، روزنامه‌نگار، سوئد
- ۴۰ مسعود سالاری، نویسنده، مترجم و خبرنگار، فرانسه
- ۴۱ مهشید سپهری، زندانی سیاسی سابق
- ۴۲ اکبر سیف، کنشگر سیاسی
- ۴۳ اصغر سلیمی، کارشناس اقتصاد و فعال سیاسی، آلمان
- ۴۴ نیاز سلیمی، فعال حقوق بشر، کانادا
- ۴۵ فرشید سیدمهدی، کنشگر مسیحی، هلند
- ۴۶ اسد سیف، نویسنده و منتقد ادبی، آلمان
- ۴۷ شهلا شفیقی، جامعه‌شناس و نویسنده، فرانسه
- ۴۸ روحی شفیعی، جامعه‌شناس، نویسنده و فعال حقوق زنان
- ۴۹ مهندس حشمت طبرزدی، کنشگر سیاسی، ایران
- ۵۰ حمید جاودان، کارگردان و بازیگر تئاتر، فرانسه
- ۵۱ زهره حبیب محمدی، فعال مدافع حقوق بشر و آزادی

- ۵۲ میهن جزنی، کنشگر مدافع حقوق بشر و آزادی زنان
- ۵۳ محمد خدادادی، موزیسین
- ۵۴ مهرانگیز کار، نویسنده و حقوقدان، آمریکا
- ۵۵ علی کریم زاده، فعال مدافع حقوق بشر، فرانسه
- ۵۶ موسی حاتمیان، زندانی سیاسی سابق، کنشگر حقوق بشر و دادخواهی
- ۵۷ حنیف حیدر نژاد، کنشگر حقوق بشر، آلمان
- ۵۸ میهن جزنی، کنشگر مدافع حقوق بشر و آزادی زنان
- ۵۹ علی طاهری پور، مدافع دادخواهی
- ۶۰ شهاب عمویور، سینماگر و خبرنگار، فرانسه
- ۶۱ رحمت غلامی، دادخواه، آلمان
- ۶۲ سوسن فرخ‌نیا، کارگردان و بازیگر تئاتر، انگلیس
- ۶۳ حامد فرمند، بنیانگذار و مدیر مؤسسه غیرانتفاعی کودکان زندانیان، آمریکا
- ۶۴ شهاب فیضی، مددکار اجتماعی و عضو هیئت رئیسه ایران و سوئد، سوئد
- ۶۵ اختر قاسمی، روزنامه‌نگار، آلمان
- ۶۶ آرش صادقی، کنشگر حقوق بشر، زندانی سیاسی سابق، ایران
- ۶۷ شیرین عبادی، حقوقدان و برنده جایزه صلح نوبل، انگلستان
- ۶۸ کیارش عالی‌پور، روزنامه‌نگار و مشاور رسانه‌ای، کانادا
- ۶۹ امیر عزتی، نویسنده و برنامه‌ساز، فنلاند
- ۷۰ حسین علیزاده، دیپلمات سابق ایران و تحلیلگر مسائل ایران
- ۷۱ رحمت غلامی، دادخواه، آلمان
- ۷۲ رضا کاظم‌زاده، روانشناس و نویسنده، بلژیک
- ۷۳ علی کشتگر، نویسنده و تحلیلگر سیاسی، فرانسه
- ۷۴ مسعود کاظمی، روزنامه‌نگار
- ۷۵ فروغ کنعانی، پژوهشگر و فعال مدنی، آلمان
- ۷۶ ارسلان کهنمویی‌پور، استاد دانشگاه، کانادا
- ۷۷ مهدیه گلرو، فعال حوزه زنان، سوئد
- ۷۸ مهرداد لقمانی، پژوهشگر و نویسنده، آمریکا
- ۷۹ مسعود مافان، مدیر انتشارات باران، سوئد
- ۸۰ صدیقه مالکی فرد کنشگر مدنی ایران
- ۸۱ ابوالفضل محقق، نویسنده و فعال سیاسی
- ۸۲ زین محی الدین، کنشگر مدنی و سیاسی، کانادا
- ۸۳ فرح مداین از خانواده دادخواهان و خانواده خاوران
- ۸۴ رادامردانی فعال صنفی فرهنگیان و دانشجوی زندانی سابق
- ۸۵ ایرج مصداقی، نویسنده، تحلیلگر سیاسی و فعال حقوق بشر، سوئد
- ۸۶ آیت الله معصومی تهرانی کنشگر حقوق بشر، ایران
- ۸۷ شقایق نوروزی، کنشگر حقوق زنان، مدیر شبکه بگذار حرف بزیم، اسپانیا
- ۸۸ حسین ملک‌زندی سابق سیاسی و عضو جنبش دادخواهی، سوئیس
- ۸۹ نوشین مشکاتی، مهندس هوافضا آمریکا
- ۹۰ محمد مقیمی، وکیل دادگستری و کارشناس حقوق بشر
- ۹۱ دکتر حسن نایب هاشم، فعال حقوق بشر و کنشگر سیاسی، اطریش
- ۹۲ رضا ناصحی، مترجم، فرانسه
- ۹۳ سیامک نادری، زندانی سیاسی سابق، شاعر، کنشگر دادخواهی
- ۹۴ سحر ناصری، کنشگر محیط زیست، سوئد
- ۹۵ ژرژیک نرسسیان، کنشگر حقوق بشر، سوئد
- ۹۶ ناهید نصرت، کنشگر حقوق بشر و آزادی زنان
- ۹۷ جمیله ندایی فیلمساز و فعال حقوق زنان، فرانسه
- ۹۸ الهام یعقوبیان، کنشگر مدنی، آمریکا
- ۹۹ مهدی یحیی نژاد، فعال آزادی اینترنت آمریکا
- ۱۰۰ علی یعقوب‌وند، کنشگر سیاسی، سوئد

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوا را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

- ۱ مهرداد آرین نژاد، کنشگر اجتماعی، کانادا
- ۲ سیمین اسکویی، فعال حقوق کودکان، زنان و دادخواهی
- ۳ کامران اشتری، هنرمند و پژوهشگر، هلند
- ۴ حمید اشتری، زندانی سابق سیتاسی و دادخواه، انگلستان
- ۵ حمید اکبری، استاد دانشگاه، آمریکا
- ۶ محمدجواد اکبرین، روزنامه‌نگار و دین‌پژوه، فرانسه
- ۷ حسین احمدی نیاز، حقوقدان و وکیل دادگستری، هلند
- ۸ تیمور الیاسی، مدیر جمعیت حقوق بشر کردستان ایران - ژنو، سوئیس
- ۹ شهره اغداشلو، هنرپیشه، آمریکا
- ۱۰ دکتر محمود امیر مقدم، کنشگر حقوق بشر و استاد دانشگاه، نروژ
- ۱۱ دکتر امیر ایرایی، کنشگر سیاسی و پزشک پیشین نیروی هوایی ارتش نروژ
- ۱۲ صادق امیدی، دادخواه، فرانسه
- ۱۳ حسین انور حقیقی، کنشگر سیاسی
- ۱۴ اسد بیناخواهی، کارتون‌بست، آلمان
- ۱۵ سعید بشیرتاش، فعال و تحلیلگر سیاسی، بلژیک
- ۱۶ خسرو برهمندی، نقاش، کانادا
- ۱۷ لادن برومند، بنیان‌گذار و عضو هیئت مدیره بنیاد برومند، آمریکا
- ۱۸ نیلوفر بیضایی، نماینده نویس و کارگردان تئاتر
- ۱۹ سهیل پارسا، هنرمند و کارگردان تئاتر، کانادا
- ۲۰ آزاده پورزند، مؤسس و مدیر اجرایی بنیاد سیامک پورزند

شرکت «مهندسين مشاور نقشيداد» چندي پيش در بيانيه‌اي اعلام کرده بود که نقشه‌هاي تهيّه شده توسط آنان، متعلق به پروژه‌اي به نام «الماس شهر» بوده که بعدها به «متروپل» تغيير نام داده ولي با «نقشه ديگري با سطح اشغال بزرگتر، ۳ طبقه بيشتري و تغييرات عمده در ستون‌گذاري با حذف بيشتري از ۲۵ ستون از ۱۰۰ ستون طراحي شده توسط اين مشاور، حذف ۲ درز انقطاع، تغيير سيستم سقف به وافل و بزرگ شدن دهانه‌ها تا بيشتري از ۱۲ متر که توسط افراد يا گروه‌هاي ديگري طراحي شده، ساخته شده است.»

کميسيون عمران مجلس شورای اسلامي انصراف مهندسان مشاور اوليه پروژه را پس از دو ماه و به دليل «عدم انجام اصلاحات و اعلام مخالفت مالک ساختمان با پرداخت مبلغ مورد توافق» اعلام کرده با اين تأکيد که «اين روند با هيچکدام از ترتيبات قانوني موجود سازگاري ندارد» و «مستندي از عمل سازمان نظام مهندسي ساختمان استان خوزستان در پروژه حاضر به تکاليف قانوني از زمان صدور پروانه ساختمان اول تا زمان ارسال اين نامه، به دست نيامد.»

کميسيون عمران مجلس شورای اسلامي شهرداري آبادان را نيز به دليل متوقف نکردن عمليات ساختماني و «عدم صدور دستور تخليه سازمان و محوطه براي تأمين ايمني لازم»، يکي از مقصران حادثه دانسته و نوشته است «به‌رغم ايرادات فوق و فقدان انسجام انجام وظايف و ارائه خدمات مهندسي و آشفتگي در اين خصوص، چنانچه از ادامه عمليات ساختماني توسط شهرداري جلوگيري و ساختمان تخليه مي‌شود، حداقل از آسيب‌هاي جاني پيشگيري به عمل مي‌آيد.»

بر مبناي گزارش اين کميسيون، به دليل قرار داشتن ساختمان «متروپل» در محدوده طرح جامع منطقه آزاد اروند، مشمول و ملزم به اجراء مقررات اين منطقه بوده است و «استفاده از زمين صرفاً در چارچوب طرح جامع منطقه آزاد که به تصويب شورای عالي مناطق آزاد تجاري-صنعتي و ويژه اقتصادي مي‌رسد، امکان‌پذير است.»

اين مصوبه سازه‌هاي اين محدوده را ملزم مي‌کند با توجه به نوع کاربري حداکثر ۸ طبقه و با حداکثر سطح اشغال مجاز ۷۰ درصدی باشند ولي «متروپل» ۱۳ طبقه و با سطح اشغال ۱۰۰ درصد ساخته شد.

بر اين مبنا، طبق ماده ۳۵ قانون نظام مهندسي و کنترل ساختمان، وزارت مسکن، راه و شهرسازي نيز در فاجعه «متروپل» مقصر است، چرا که به عنوان مسئول عالي نظارت بر اجراء الزامي ضوابط و مقررات شهرسازي و مقررات ملي ساختمان در طراحي و اجراء تاممي ساختمان‌ها، «در موضوع ساختمان متروپل آبادان واجد مسئوليت‌هايي بوده است که ترک فعل به وضوح در آن نمايان است.»

تخلفات محرز ديگر توسط کميسيون عمران چنين عنوان شده است: «عدم ارائه گزارش توقف کار توسط سامان نظام مهندسي ساختمان آبادان و راه و شهرسازي به شهرداري، عدم توقف کار توسط شهرداري آبادان و اداره مسکن و شهرسازي با توجه به تخلفات اجرائي و اداري پروژه متروپل و عدم درخواست شهرداري آبادان از اداره مسکن و شهرسازي استان خوزستان مبني بر ارائه حدود صلاحيت شرکت‌هاي مشاور و مهندسين ناظر جهت اخذ نظارت، طراحي و اجراء پروژه متروپل.» کميسيون عمران نهادهاي مسئول را به شناسايي ساختمان‌هاي پرخطر با برنامه‌ريزي و استراتژي مشخص توصيه کرده است تا از سازه‌هاي ساختمان شماره ۲ متروپل و ساختمان‌هاي ديگر اين هلدینگ، ساير ساختمان‌هاي استان خوزستان با اولويت ساختمان‌هاي بلند آبادان و اهواز، همچنين ساختمان‌هاي مشابه در ساير شهرها و به ويژه شهر تهران و کلانشهرها بررسي به عمل بيآيد و اقدامات پيشگيرانه صورت گيرد.



ديروز محمدحسن نامي رئيس سازمان مديريت بحران درباره سازه «متروپل» گفته بود، «در متروپل بسياري از آهن‌ها به درستي جوش نخورده بودند و بايد ۳۷۰ ستون زده مي‌شد که ۲۷۰ ستون شد و سيمان و تجهيزات ساختمان پودر مي‌شد بنابراین مهندسان طراح و ناظر مسئوليت دارند و اگر ساختماني بر اساس کم‌کاري‌ها فرو بريزد و مردم آسيب ببينند قوه قضائيه به شدت برخورد مي‌کند.»

کميسيون عمران مجلس شورای اسلامي از ايرادات اساسي به پروانه‌ي ساخت اين ساختمان نيز خبر داده که نوع ساخت «متروپل» از سوي شهرداري آبادان با وجود اصلاح مساحت زمين به ۳۰۵۳۶۰ مترمربع به متن پروانه‌ي مربوطه اضافه نشده است. همچنين در پروانه ساختمان تعداد کل پارکينگ مورد نياز صفر واحد قيد شده، سطح اشغال صفر درصد قيد شده و اساساً روشن نيست، ساختمان چند طبقه بوده است!

در نهايت با چنين پروانه‌اي، ساختمان «متروپل» در ۱۳ طبقه شامل بام، ۱۰ طبقه تجاري-اداري، پارکينگ و همکف و زیرزمين و با سطح اشغال ۱۰۰ درصدی ساخته شده است. گزارش مي‌گويد، «متروپل» با دهانه‌اي به طول ۱۶ متر، ضعف سازه‌اي دارد که اين ضعف در جوشکاري‌ها، بتون‌ها، ستون‌ها، اتصالات سازه، محاسبات انهدام پيش‌رونده، اتصالات تيرها و ستون‌ها و چسبندگي ميلگردها و بتون‌ها با واژه‌هايي چون «فقدان» و «نبود» تشریح شده، تا حدی که بتون‌ها در موارد متعدد خرد شده‌اند!

علاوه بر اينها، «عدم رعايت ضوابط شهرسازي»، «عدم اجراء الزامات قانوني در تقبل و انجام وظايف و خدمات مهندسي» و «عدم اجراء صحيح وظايف و تکاليف قانوني»، و «تعارض منافع شهرداري در مقابل کارفرماي پروژه و مقام کنترل‌کننده ساختمان» نيز توسط کميسيون عمران مجلس به عنوان تخلفات متعدد ديگر برشمرده شده است.

کميسيون عمران در گزارش «متروپل»، طراحي ساختمان را متناسب با یک سازه ۱۲ طبقه ندانسته است. ضمن اينکه در پروانه ساختمان نام مجري ساختمان هم ذکر نشده و مشخص نيست بخش‌هاي مختلف ساختمان توسط چه اشخاص بنا شده‌اند. همچنين با يادآوري انصراف مهندسان ناظر و طراحان اوليه تعيين شده توسط سازمان نظام مهندسي، تأکيد شده که «نظام مهندسي در زمان معرفي ناظر جديد نقشه‌هاي ساختمان را بر اساس اين سيستم ساختماني غيرمجاز تايد کرده است!» کميسيون عمران مجلس شورای اسلامي در نبود اطلاعات کافي حدس زده که احتمالاً طراحي اوليه پروژه شرکت «مهندسين مشاور نقشيداد» با پروانه اشتغالي بوده که ۱۰ سال تمديد نشده و «براي فعاليت در ساخت و ساز شهري و روستايي فاقد صلاحيت محسوب مي‌شود.»

گزارش کميسيون عمران از فاجعه «متروپل»: حداقل ۴ دستگاه حکومتی متخلف و متهم‌اند!

● کميسيون عمران مجلس شورای اسلامي گزارش اوليه خود را از فاجعه روز دوم خردادماه و ريزش ساختمان «متروپل» آبادان با دست‌کم ۴۳ گشته و ده‌ها نفر مجروح ارائه کرد که طی آن، مالک ساختمان، اجراکنندگان و تمام نهادهاي صادرکننده مجوز عمليات ساخت‌وساز متهم به تخلف شده‌اند.

● محمدحسن نامي رئيس سازمان مديريت بحران درباره سازه «متروپل» گفته «در متروپل بسياري از آهن‌ها به درستي جوش نخورده بودند و بايد ۳۷۰ ستون زده مي‌شد که ۲۷۰ ستون شد و سيمان و تجهيزات ساختمان پودر مي‌شد بنابراین مهندسان طراح و ناظر مسئوليت دارند و اگر ساختماني بر اساس کم‌کاري‌ها فرو بريزد و مردم آسيب ببينند قوه قضائيه به شدت برخورد مي‌کند.»

در گزارش اوليه کميسيون عمران مجلس شورای اسلامي درباره فاجعه مرگبار ريزش ساختمان «متروپل» آبادان مالک، مجري طرح و پيمانکار و همچنين دستگاه‌هاي حکومتی شهرداري آبادان، سازمان مهندسي، مناطق آزاد و وزارت مسکن، راه و شهرسازي متهم به تخلفات متعدد در عمليات ساخت و ساز بنا شده‌اند.

کميسيون عمران مجلس شورای اسلامي گزارش اوليه خود را از فاجعه روز دوم خردادماه و فرو ريختن ساختمان «متروپل» آبادان با دست‌کم ۴۳ گشته و ده‌ها نفر مجروح ارائه کرد که طی آن، مالک ساختمان، اجراکنندگان و تمام نهادهاي صادرکننده مجوز عمليات ساخت و ساز متهم به تخلف شده‌اند.

در اين گزارش با تشریح دلایل فني ريزش، از ابتدای صدور پروانه ساخت تا بهره‌برداي، مقصران ريزش «متروپل» شامل مالک، مجري ساختمان، پيمانکار، شهرداري آبادان، مهندسان ناظر و سازمان نظام مهندسي استان و کشور، سازمان مناطق آزاد و منطقه آزاد اروند، اداره کل راه و شهرسازي استان خوزستان و وزارت راه و شهرسازي متخلف و ناقص قانون برشمرده شده‌اند.

در اين گزارش همچنين تصريح شده: «تخلفات اداري و انتظامي برخي اشخاص در بروز اين حادثه محرز است. لازم است به قيد فوريت و در کنار رسيدگي قضايي پرونده اداري و انتظامي براي متخلفان تشکيل و براي رسيدگي به مراجع ذيربط تسليم شود.»

اين گزارش مي‌افزايد، مالک پروانه‌ي ساخت ساختمان ۸ طبقه و با سطح اشغال ۷۰ درصدی را داشته ولي در نهايت سازه‌اي با ۱۳ طبقه و با سطح اشغال فضای ۱۰۰ درصدی بنا کرده است.

واقعیت یا مانور؟!

«نور نیوز»: جمهوری اسلامی «متن نهایی توافق» را قبول ندارد!



علی باقری کنی نماینده جمهوری اسلامی در مذاکرات اتمی وین

● وسایت «نور نیوز» وابسته به «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» در واکنش به سخنان مقامات اروپایی که اعلام کردند «متن توافق نهایی شده» می‌نویسد «در برخی موضوعات پیشرفت‌های نسبی حاصل شده اما بطور قطع رسیدن طرفین به متن نهایی توافق نیست!»

● «جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از طرف‌های اصلی مذاکرات، متن موجود را به عنوان توافق نهایی قبول ندارد، هیچ مقام دیگری نمی‌تواند از نهایی شدن متن توافق صحبت کند.»

● «اتحادیه اروپا در جایگاه هماهنگ‌کننده مذاکرات نمی‌تواند پیشنهادات خود را به عنوان متن نهایی معرفی نماید.»

● خبرگزاری‌های بین‌المللی دیروز ۸ اوت به نقل از مقامات اروپایی اعلام کردند که «متن نهایی توافق» ارائه شده و غیرقابل مذاکره است و حالا تصمیم‌گیرندگان در تهران و واشنگتن بدون بحث و فحص فقط می‌بایست اعلام کنند که آن را می‌پذیرند یا نه!

ساعتی پس از آنکه مقامات اروپایی اعلام کردند «متن نهایی» توافق برای احیای برجام آماده شده و این متن غیرقابل تغییر است و خبرگزاری‌های بین‌المللی نیز با آب و تاب درباره آن گزارش دادند، پایگاه خبری «نور نیوز» وابسته به «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» با رد کردن نهایی شدن متن توافق گزارش داد در برخی موضوعات پیشرفت‌های نسبی حاصل شده اما «بطور قطع رسیدن طرفین به متن نهایی توافق نیست.»

در گزارش «نور نیوز» آمده تأکید روی کلیدواژه «متن نهایی توافق» که به صورت پُر تکرار از سوی رسانه‌ها و مقامات غربی بازنشر شد «فضای یکسویه‌ای را که با واقعیت‌های موجود در اتاق مذاکرات متفاوت بود، پدید آورد... طبعاً زمانی که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از طرف‌های اصلی مذاکرات، متن موجود را به عنوان توافق نهایی قبول ندارد، هیچ مقام دیگری نمی‌تواند از نهایی شدن متن توافق صحبت کند.»

«نور نیوز» همچنین می‌نویسد: «اشاره طرف غربی به اینکه متن نهایی و غیرقابل مذاکره است با اصول مذاکرات در تناقض است و در حقیقت تلاش برای ایجاد جایگاه و نقشی ویژه برای اتحادیه اروپاست که هیچگاه مورد توافق طرفین مذاکرات قرار نگرفته است... به بیان دقیق‌تر، اتحادیه اروپا در جایگاه هماهنگ‌کننده مذاکرات نمی‌تواند پیشنهادات خود را به عنوان متن نهایی معرفی نماید چرا که اتخاذ تصمیم در این خصوص تنها در اختیار طرف‌های مذاکره‌کننده است.» این تعبیر و تفسیر در حالیست که خبرگزاری‌های بین‌المللی به نقل از دیپلمات‌ها و منابع آگاه گزارش داده‌اند که این «متن نهایی» مورد توافق طرفین مذاکره‌کننده است و حالا تصمیم‌گیرندگان در پایتخت‌های طرفین بدون بحث و فحص فقط می‌بایست بگویند: بله یا نه!

بیانیه چهار زندانی سیاسی در حمایت از ناهید شیرپیشه: «چراغ انسانیت و دادخواهی خاموش شدنی نیست»



● ۴۳ سال به بیراهه رفتید چپاول کردید و کشتید و سینه سپر کردید به کجا رسیدید؟ چطور نفهمیدید زبان مردم و کنشگران و دادخواهان، زبان خشونت و زور نیست؟ بس است! تمام کنید! دست از سر مردم نجیب و شریف ایران بردارید.

خون به ناحق ریخته جگر گوشه‌اش، او را بی‌تاب و سرگشته هر روز به این سوی و آنسوی می‌کشاند تا شاید با دادخواهی فرزند دلبندهش، با تمام زخم‌های زمانه دل پر درد او تسکین یابد.

اما تو با لشگرکشی و یورش و شکست درب خانه‌اش او را با غل و زنجیر به اسارت بردی.
با چه رویکرد و با کدام هدف به خانه ناهید شیرپیشه، مادر زنده یاد پویا بختیاری، یورش بردیدی؟
می‌خواهید چه چیز را اثبات کنید؟
فرا قانونی بودن دت‌تان را؟
با نقض آشکار حقوق شهروندی،

قدرت‌تان را به رخ مادران بی‌دفاع می‌کشید؟
آیا عدل و حقوق بشر اسلامی تان این است؟
بگذارید مادران با داغ عزیزان خود بسوزند و بسازند.
قدرت در عشق و محبت و مهرورزی است، نه در نفرت و کینه و سرکوب و کشتار و زندان.

۴۳ سال به بیراهه رفتید!
چپاول کردید و کشتید و سینه سپر کردید به کجا رسیدید؟
چطور نفهمیدید زبان مردم و کنشگران و دادخواهان، زبان خشونت و زور نیست؟
بس است!
تمام کنید!

دست از سر مردم نجیب و شریف ایران بردارید.
ناهید شیرپیشه، مادر دادخواه و جگر سوخته را فوراً از زندان آزاد و با احترام به خانه‌اش بازگردانید.
آرشام رضایی

رضا محمد حسینی
زرتشت احمدی راغب
علی موسی نژاد فرکوش
آمداد ۲۵۸۱
زندانی رجایی شهر - کرج، ایران

در بخش دیگری از گزارش «نور نیوز» تأکید شده «اتخاذ این موضع از سوی آمریکا که مسئول اصلی شکل‌گیری وضعیت موجود است و همچنان تلاش می‌کند با استفاده از ابزارهای سیاست فشار حداکثری ترامپ دیدگاه‌های زیاده‌خواهانه خود را به مذاکرات تحمیل کند، به صورت واضح نشان داد که تأکید بر «نهایی شدن متن توافق» از سوی رسانه‌ها و مقامات غربی رویکردی هماهنگ شده برای زیر فشار گذاشتن ایران برای پذیرش متن توافق شده میان آمریکا و اتحادیه اروپایی است.»

«نور نیوز» در پایان این گزارش که به نظر می‌رسد به نوعی بیانیه جمهوری اسلامی در ارتباط با نتیجه مذاکرات چهار روزه در وین است نوشته، «پس از یازده ماه گفتگو در وین که با فراز و فرودهای بسیاری همراه بوده آنچه که موجب نهایی نشدن متن توافق تا کنون شده رفتار غیرصادقانه غربی‌ها و تلاش برای استفاده از ابزارهای فرامذاکراتی برای زیر فشار قرار دادن ایران بوده است.»

«نور نیوز» تأکید کرده است «اتخاذ این رویکرد کاملاً سیاسی از سوی غربی‌ها همانطور که تا کنون تأثیری بر مواضع اصولی ایران نداشته، از این پس نیز در پیگیری راهبرد اصولی مذاکره‌کنندگان ایرانی برای احقاق حقوق ملت ایران نخواهد داشت.»

اینهمه در حالیست که مقامات اروپایی بعد از پایان مذاکرات وین تأکید کردند «این متن نهایی است و دیگر قابل مذاکره نیست.» همچنین یک مقام اتحادیه اروپا تأکید کرد «متن توافق یک بسته پیشنهادی است... شما نمی‌توانید با صفحه ۲۰ آن موافق باشید و با صفحه ۵۰ مخالفت کنید! بلکه فقط باید بله یا نه بگویید!»

بر اساس گزارش‌ها، در بسته پیشنهادی اروپا خبری از حذف نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست سازمان‌های تروریستی نیست. همچنین در این متن پیشنهادی هیچ اشاره‌ای به تضمین آمریکا برای عدم خروج مجدد از برجام نشده اما در ازای بازرسی‌های آژانس از تأسیسات اتمی و اجرای برجام برای جمهوری اسلامی مزایای اقتصادی در نظر گرفته شده است.

از سوی دیگر مقامات اروپایی به صراحت تأکید کرده‌اند که اجرای بسته پیشنهادی اروپا نیز با موانع زیادی روبروست. یکی از آنها افزایش میزان ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران است. این ذخایر به حدی زیاد شده که امکان انتقال آن به کشور دیگر به خاطر میزان بالای تشعشعات رادیو اکتیو ممکن نیست. طبق برجام می‌بایست تمام اورانیوم غنی‌سازی شده در ایران به کشور دیگری منتقل شود.

همچنین غربی‌ها تأکید کردند موضوع بسته شدن پرونده بازرسی‌های آژانس از تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی در حیطه وظایف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است و ایران باید اختلافات با آژانس را برطرف کند و این موضوع ارتباطی با بسته پیشنهادی اروپا ندارد.

تولید و درآمد در ایران کاهش یافته؛ گرانی‌های جدید در راه است



مملکت داشته باشند!

به گفته این اقتصاددان، در دهه‌های اخیر کم نبوده‌اند تولیدکنندگان و شرکت‌هایی که با نام‌ها و عناوینی پرطمطراق راه‌اندازی شدند اما برآیند عملکرد آنان برای مردم هیچ بوده و تنها مدیران و دست‌اندرکارانش سود برده‌اند. یکی از طنزهای تلخ این است که در دهه ۱۳۹۰ تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان بیش از ۱۰۰ برابر افزایش پیدا کرده اما اندازه تولید سرانه کشور بیش از ۲۶ درصد سقوط کرده است.

فرشاد مومنی در ادامه سخنان خود گفته که «متأسفانه محاسبات نشان می‌دهد که به جای تولید یک کالای معین، اگر آن را قاچاق یا از خارج وارد کنی، ۱۱ تا ۲۴ برابر بیشتر از تولید کننده سود می‌کنی در نتیجه از دل این مناسبات دانش بنیانی شدن بیرون نمی‌آید. در دوره سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۶ گونه‌های متفاوت خام فروشی در ایران با جهش‌های صادراتی وحشتناک روبرو شدند. در این دوره حجم صادرات محصولات پتروشیمی که خام فروشی بزرگ شده است، ۱۰ برابر، صدور آهن و فولاد خام ۱۷ برابر و صدور سنگ آهن ۳۹ برابر شده است.»

این اقتصاددان با بیان اینکه «به نام دانش‌بنیانی بی‌سابقه‌ترین صنعت‌زدایی در تاریخ اقتصادی معاصر ایران اتفاق افتاده» ابراز داشت که «گزارش رسمی وزارت کار گفته است در ۸ ساله احمدی نژاد ۷ هزار کارگاه ورشکسته شده اند. داده‌های سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ حدود ۶۲۱ میلیارد دلار به اقتصاد ایران تزریق شده اما خالص فرصت‌های شغلی بخش صنعت منفی ۴۱۵ هزار نفر بوده است.»

گرانی کالاها و خدمات یکی از اثرات کاهش سطح تولیدی و رشد اقتصادی منفی در ایران است. آمارهای حکومتی از جمله آمارهای مرکز آمار ایران و بانک مرکزی از تورم بخش‌های مختلف اقتصاد بیانگر روندی نگران‌کننده برای

یکی از مهمترین دلایل کاهش سطح تجارت خارجی کشور، تحلیل رفتن توان تولیدی در ایران به دلیل سوء مدیریت و ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی دولت و قانونگذاری است.

آمارهای حکومتی از جمله آمارهای مرکز آمار ایران و بانک مرکزی از تورم بخش‌های مختلف اقتصاد بیانگر روندی نگران‌کننده برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است.

فرشاد مومنی: شرکت‌های دانش‌بنیان بیش از ۱۰۰ برابر شده، اما اندازه تولید سرانه کشور بیش از ۲۶ درصد سقوط کرده است! شرکت‌های دانش‌بنیان بیش از ۱۰۰ برابر شده، اما اندازه تولید سرانه کشور بیش از ۲۶ درصد سقوط کرده است!

به نظر می‌رسد این شرکت‌ها بیشتر راهی برای برخورداری از رانت و امکانات حکومتی هستند بدون آنکه بنیان آنها را «دانش» تشکیل دهد و سودی به حال اقتصاد مملکت داشته باشند!

افزایش تورم و رکود، در کنار کاهش سطح تولید، تجارت و درآمد سرانه در ایران با هشدارهای کارشناسان روبرو شده است. در آنسو اما مقامات دولتی وعده‌های بی‌سرانجام خود را مدام تکرار می‌کنند.

احسان سلطانی اقتصاددان و پژوهشگر اقتصادی با اشاره به تجارت خارجی کشور گفته که تجارت ایران با کشورهای در حال توسعه، با ۶۷ درصد کاهش از ۱۱۳ میلیارد دلار در سالهای ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ میلادی به ۳۷ میلیارد دلار در سالهای ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ میلادی سقوط پیدا کرده است. در فاصله این سالها، صادرات ایران به کشورهای در حال توسعه با ۷۶ درصد کاهش از ۶۶ به ۱۶ و واردات ایران از کشورهای در حال توسعه با ۵۴ درصد کاهش از ۴۷ به ۲۱ میلیارد دلار کاهش یافته است.

این تحلیلگر اقتصادی افزوده که «تجارت ایران با کشورهای توسعه یافته، با ۸۵ درصد کاهش از ۴۱ میلیارد دلار در سالهای ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ میلادی به ۶ میلیارد دلار در سالهای ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ میلادی سقوط پیدا کند. در این مدت صادرات ایران به کشورهای توسعه یافته با ۹۶ درصد کاهش از ۲۸ به ۱/۲ و واردات ایران از کشورهای توسعه یافته با ۶۲ درصد کاهش از ۱۳ به ۵ میلیارد دلار تنزل یافت.»

یکی از دلایل کاهش تجارت خارجی ایران، تحریم‌های اقتصادی و قرار داشتن کشور در فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) است. یکی دیگر از مهمترین دلایل کاهش سطح تجارت خارجی ایران، تحلیل رفتن توان تولیدی در ایران به دلیل سوء مدیریت و ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی دولت و قانونگذاری است.

تولیدکنندگان در ایران چه در زمینه حمایت‌های مالی در قالب تسهیلات و چه در زمینه قوانین حمایتی از کارآفرینان، تولیدکنندگان و تجار با مشکلات جدی روبرو هستند. سوی دیگر مسائلی چون نوسانات شدید نرخ ارز و قطع برق و گرانی مواد اولیه نیز سبب تشدید مشکلات تولیدکنندگان شده است. کاهش سطح تولید در اقتصاد سبب کاهش بنیه‌ی تجاری کشور و در نتیجه کاهش درآمدها شده است. در این رابطه، فرشاد مومنی از جمله اقتصاددانان نزدیک به کارگزاران در تازه‌ترین اظهارات درباره اقتصاد کشور گفته که شرکت‌های دانش‌بنیان بیش از ۱۰۰ برابر شده، اما اندازه تولید سرانه کشور بیش از ۲۶ درصد سقوط کرده است! درواقع به نظر می‌رسد این شرکت‌ها بیشتر راهی برای برخورداری از رانت و امکانات حکومتی هستند بدون آنکه بنیان آنها را «دانش» تشکیل دهد و سودی به حال اقتصاد

تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است. در همین رابطه روزنامه جمهوری اسلامی با عنوان «تورم وحشتناک اقلام خوراکی در یک سال اخیر»، نوشته که طبق بررسی‌های صورت گرفته یک خانوار ایرانی ماهانه باید برای داشتن تغذیه‌ای سالم و حداقلی بیش از ۵ میلیون تومان هزینه کند. هزینه‌ای که بنظر می‌رسد پرداخت آن از عهده بسیاری از خانواده‌های کم درآمد ایرانی خارج باشد. طبق گزارش مرکز آمار ایران نرخ تورم سالانه تیر ماه ۱۴۰۱ برای خانوارهای کشور به ۴۰٫۵ درصد رسیده که نسبت به ماه قبل، ۱٫۱ درصد افزایش داشته است. در این بین اما آنچه موجب شگفتی شد نرخ «تورم مواد غذایی» بود که طبق گفته مرکزآمارایران به ۸۶ درصد در تیرماه رسید.

در ادامه این مطلب آمده بدهی است که هدف اصلی گرانی‌ها معیشت شهروندان و سلامت آنها است؛ یک هرم غذایی سالم از غلات، میوه و سبزیجات، پروتئین، قندها و چربی‌ها تشکیل شده است، محصولاتی که ماه‌ها است از سفره ایرانیان رخت بریستند.

روزنامه جهان صنعت نیز در سرمقاله امروز خود به قلم غلامرضا کیامهر به موضوع گرانی‌ها و سیاست‌های نادرست دولت رئیسی در مدیریت بازارها اشاره کرده و نوشته که «امروز ما مصداق بارز این گفته معروف را که تاریخ پر از درس عبرت است، اما کسی از تاریخ درس عبرت نمی‌گیرد، به وضوح در سیاست‌های اقتصادی دولت سیزدهم که اساس آن همچون دولت‌های گذشته بر افزایش نقدینگی بدون پشتوانه و استفاده ابزاری از افزایش نرخ دلار به منظور تأمین کسر بودجه دولت است، مشاهده می‌کنیم. سیاستی بسیار تورم‌زا که فشارهای معیشتی حاصل از آن نفس اکثریت قریب به اتفاق خانوارهای کم‌درآمد و حتی قشرهای متوسط جامعه را به شماره انداخته است.»

در این سرمقاله تأکید شده که «متأسفانه در این شرایط دشوار اقتصادی و رکود تورمی که بر اقتصاد ما حاکم شده، برخلاف اصل علمی رایج در کشورهای پیشرفته که در شرایط اینچنینی، انواع تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی را برای فعالان اقتصادی و کسب‌وکارها در نظر می‌گیرند، در کشور ما دولت همچون دوران رونق اقتصادی هر روز مالیات و عوارض جدیدی را برای مردم وضع می‌کند و بر سختگیری‌ها و فشارهای مالیاتی خود می‌افزاید که اجرای این سیاست‌ها مصداق همان مقوله درس نگرفتن از درس‌های عبرت تاریخ است. ناگفته پیداست که هدف اصلی دولت حاضر از افزایش نجومی نرخ ارز و وارد کردن شوک‌های سنگین به قیمت‌ها یا افزودن بر فشارهای مالیاتی به دست آوردن درآمدهای ریالی بیشتر به منظور جبران کسری بودجه‌های سنگین دولت بوده و هست»

در آنسو اما همانطور که غلامرضا کیامهر اشاره کرده، مقامات دولتی وعده‌های تکراری اما بی‌سرانجام خود را مدام تکرار می‌کنند. احسان خاندوزی وزیر اقتصاد دولت رئیسی امروز ۲۰ مردادماه در دیدار با جمعی از فعالان اقتصادی گفته که «مسئله تورم و کنترل قیمت‌ها در بازار در صدر و اولویت هدفگذاری‌های وزارت اقتصاد قرار گرفته است.»

هرچند تا کنون نشانه‌ای از اینکه کنترل تورم و مهار افزایش قیمت‌ها در اولویت دولت بوده باشد وجود ندارد اما احسان خاندوزی مدعی شده که «این اولویت در ستاد اقتصادی دولت در کنار اهدافی مانند رونق تولید، کمک به تولید و... نیازمند توجه ویژه‌ای است و بنا داریم از همه اهرم‌ها و ابزارهای لازم در سیاست پولی، مالی و بودجه‌ای و سایر ابزارها برای کنترل این مسئله حیاتی و کلیدی استفاده کنیم.»

«میرحسین» و «آن جان بیدار» و رقابت «حسن» و «مجتبی» برای برداشتن «عمامه ولایت» از میان کفتارها!؟



شهید همدانی دچار ضربه مغزی شد. درست در مقطعی که مقامات جمهوری اسلامی حضور نظامی در سوریه را تکذیب می‌کردند، همدانی برای تقویت ارتش رژیم اسد به سوریه رفت. جبهه‌ای که او در آنجا حضور داشت حوالی حلب بود و محور درگیری‌ها نه با داعش بلکه گروه انشعابات جبهه النصره بود و این ادعا که او را داعش کشته بعدها توسط رسانه‌های حکومتی تبلیغ شد. در جمهوری اسلامی رسانه‌های حکومتی از مخالفان مسلح بشار اسد [النصره و احرار الشام] به عنوان «گروه‌های تکفیری» نام می‌برند.

در واکنش به اظهارات میرحسین موسوی، خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گزارشی نوشت: «سپاه انصارالحسین همدان در واکنش به یابوه‌گویی‌های میرحسین موسوی نسبت به سردار پرافتخار جهان اسلام حاج حسین همدانی ضمن ابراز تأسف شدید از درج سخیف‌ترین توصیفات با صدور بیانیه‌ای نسبت به این موضوع اعتراض کرده و خواستار برخورد جدی و سریع دستگاه‌های مربوطه با این فتنه‌گر شد.»

حسین همدانی در یکی از آخرین مصاحبه‌های خود در مورد سرکوب اعتراضات ۸۸ گفته بود «پنج هزار نفر از کسانی که در آشوب‌ها حضور داشتند ولی در احزاب و جریان‌های سیاسی حضور نداشتند بلکه از اشرار و اراذل بودند را شناسایی کردیم و در منزلشان کنترل‌شان می‌کردیم. روزی که فراخوان می‌زدند اینها کنترل می‌شدند و اجازه نداشتند از خانه بیرون بیایند. بعد اینها را عضو گردان کردم. بعداً این سه گردان نشان دادند که اگر خواهیم مجاهد تربیت کنیم باید چنین افرادی که با تیغ و قمه سر و کار دارند را پای کار بیاوریم.»

رسانه‌ها و افراد نزدیک به قدرت در جمهوری اسلامی نوشته موسوی را «وقیحانه» و «یابوه‌گویی» و «هرزنامه» خوانده‌اند اما در میان اصلاح‌طلبان این نوشته با واکنش‌های متفاوتی روبرو شده است. اغلب افراد معروف اصلاح‌طلب ترجیح دادند در مورد نوشته موسوی سکوت کنند. شماری از او دفاع کردند و همچنان اصرار دارند او در «چارچوب نظام و آرمان‌های انقلاب» این متن را نوشته و برخی دیگر از جمله عباس عدی معتقدند نوشته او در ادامه همان «تناقضات بی‌پایان اصلاح‌طلبان» است.

یکی از فرزندان «ابراهیم همت» از چهره‌های جنگ ایران و عراق در صفحه شخصی خود در اینستاگرام به انتقاد از موسوی پرداخته و نوشته است «دعا کن عاقبت من هم شهادت باشد نه چون میرحسین‌های موسوی و سایر چپ‌کرده‌ها.»

منظور میرحسین موسوی از «سردار بی‌افتخار» کسی نیست جز حسین همدانی معروف به «ابو وهب» که در جریان سرکوب اعتراضات سال ۸۸ نقش اساسی داشت و بعدها به عنوان «مستشار» به سوریه اعزام شد تا به ارتش رژیم بشار اسد کمک کند که عین جمهوری اسلامی با سرکوب اعتراضات داخلی در قدرت بماند. سرنوشت حسین همدانی با مرگ در اطراف بیابان‌های حلب رقم خورد.

هرچند موسوی در این نوشته نسبت به جان‌شینی موروثی خامنه‌ای توسط پسرش مجتبی خامنه‌ای هشدار داده اما جریان حزب‌اللهی و «ولایت‌مداران» بیشتر به خاطر انتقاد از حضور نظامی سپاه پاسداران در منطقه و کنایه نخست‌وزیر سابق نظام به حسین همدانی (متقی‌نیا) به‌ویژه حمله کرده‌اند. سابقه حسین همدانی نشان می‌دهد او و همکارانش «سردار اشرار» بودند. به کار گرفتن سازماندهی شده اراذل و اوباش در سرکوب اعتراضات مردم سنتی است که جمهوری اسلامی بعد از سرکوب اعتراضات سال ۱۳۸۸ نسخه آن را به بشار اسد نیز آموزش داد و حتا برای تقویت نیروهای اسد از این اوباش به سوریه نیز صادر کرد.

یکی از سردارانی که در این زمینه فعالیت گسترده داشت سعید سیاح طاهری بود که با هماهنگی قوه قضائیه جمهوری اسلامی و پیگیری چند هنرمند از جمله پرویز پرستویی بازیگر سینما بعضی از زندانیانی را که حکم اعدام یا محکومیت‌های سنگین داشتند پس از برگزاری کلاس‌های عقیدتی از زندان آزاد و به سوریه اعزام کردند.

روزنامه «کیهان تهران» که به «تریبون بیت رهبری» مشهور است نوشته موسوی را «مأموریت دیکته‌شده یکی از سران فتنه در حمایت آشکار از اسرائیل و داعش» خوانده است. ابراهیم رئیسی مشهور به «قاضی مرگ» نیز با تجلیل از قاسم سلیمانی و حسین همدانی گفت «شهادی مدافع حرم علاوه بر پاسداری از حریم اهل بیت از امنیت و اقتدار کشور نیز دفاع کردند و همه کسانی که دلسوز ایران و اسلام‌اند، قدران این مجاهدت‌ها هستند.»

البته مدافعان پاسدار همدانی با جعل واقعیت و روایت‌سازی تبلیغ کرده‌اند که او «در مقابله با داعش شهید شده» اما واقعیت چنین نیست.

سردار پاسدار اسماعیل کوثری که اکنون نماینده مجلس شوری اسلامی است در آبان سال ۱۳۹۴ در یک مصاحبه گفت «در حلب... همدانی وقتی در حال حرکت به سوی منطقه بود، به دلیل باریک بودن جاده و زیاد بودن سرعت، خودروی وی هنگام سبقت از یک کامیون واژگون و بر اثر این حادثه

● میرحسین موسوی در یک نوشته ضمن دفاع از «آرمان‌های انقلاب اسلامی» و «خمینی» با اشاره به نقش حسین همدانی در سرکوب اعتراضات سال ۸۸ «با استخدام اوباش بدسیرت برای قمه‌کش کردن جوانان مردم» از او به عنوان «سردار بی‌افتخار» یاد کرد که مرتکب جنایت شده و مرگ در غربت (سوریه) سرنوشت او شد که باید «عبرتی برای بازماندگان» باشد.

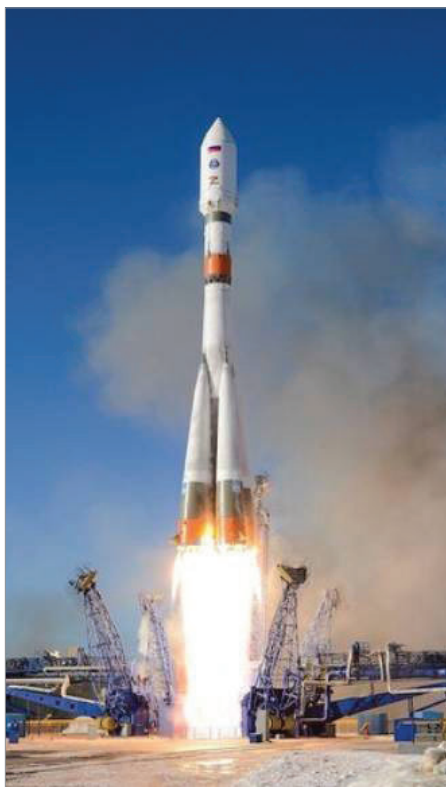
● سابقه حسین همدانی نشان می‌دهد او و همکارانش «سردار اشرار» بودند. به کار گرفتن سازمانیافته و هدفمند اراذل و اوباش در سرکوب اعتراضات مردم سنتی است که جمهوری اسلامی بعد از سرکوب اعتراضات سال ۱۳۸۸ نسخه آن را به بشار اسد نیز آموزش داد و حتا برای تقویت نیروهای اسد از این اوباش به سوریه صادر کرد.

● بخشی از اصلاح‌طلبان حامی سابق موسوی پشت او را خالی کرده‌اند از جمله مهدی همت فرزند «ابراهیم همت» از چهره‌های جنگ ایران و عراق که با انتقاد از موسوی نوشت «دعا کن عاقبت من هم شهادت باشد نه چون میرحسین‌های موسوی و سایر چپ‌کرده‌ها.»

● ظاهراً امنیت‌ها می‌خواهند صحنه به شدت حقیر سیاست در جمهوری اسلامی را به نمایش رقابت بین «حسن خمینی» و «مجتبی خامنه‌ای» برای برداشتن «عمامه ولایت» از میان کفتارها تبدیل کنند! آنهم در حالی که مملکت زیر بار سنگین بحران‌های حیاتی نفس نفس می‌زند.

میرحسین موسوی نخست وزیر دوران رهبری روح‌الله خمینی و از رهبران «جنبش سبز» روز ۱۸ مرداد طی نوشته‌ای که توسط «کلمه» منتشر شد با هشدار درباره «جان‌شینی موروثی رهبری» حضور نظامی سپاه در سوریه را یک «کجروی» و «خطای بزرگ» نامید و نتایج آن را «دنگین‌ترین جرائم» حکومت در منطقه خواند.

موسوی در بخشی از این نوشته که به دفاع از «اصل انقلاب اسلامی» و «خمینی» پرداخته و به مناسبت سالگرد اعتراضات «عاشورا ۸۸» منتشر شده به سرکوب خونین معترضان توسط عوامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی «با استخدام اوباش بدسیرت برای قمه‌کش کردن جوانان مردم» اشاره کرد و گفت «سزای آن سردار بی‌افتخاری که به این جنایت اعتراف و مباحثات کرد چه بود، جز آنکه جانش در غربت به قربانی مستبدی دیگر تلف شود». او این سرنوشت را «عبرتی برای بازماندگان» خواند «تا دریابند که خودکامه در ازای طعمه‌ای که پیش پای‌شان می‌اندازد همه چیز آنان را مطالبه می‌کند.»



ماهواره «خیام»

پرتاب ماهواره «خیام» توسط روس‌ها از پایگاه قزاقستان؛ جمهوری اسلامی ادعا می‌کند مأموریت این ماهواره غیرنظامی است!

● «خیام» اولین ماهواره جمهوری اسلامی نیست که روسیه به فضا فرستاده است. در سال ۲۰۰۵ نیز ماهواره «سینا-۱» توسط روس‌ها به فضا پرتاب شد. در گزارش‌ها اشاره دقیقی به علت استفاده از موشک ماهواره‌بر روسی برای پرتاب ماهواره «خیام» نشده اما پیشتر پروژه‌های جمهوری اسلامی در چند نوبت در مرحله پرتاب و قرار دادن ماهواره در مدار ۵۰۰ کیلومتری با شکست روبرو شده بود.

● شبکه العالم در گزارشی نوشته بود این ماهواره به «نیروهای دفاعی کشور برای رفع نیازهای خود و مسیرهای اختصاصی و منحصر به فرد به لحاظ فنی و راهبردی» کمک می‌کند.

منابع خبری در ایران سه‌شنبه ۹ اوت (۱۸ مرداد) گزارش دادند ماهواره «خیام» توسط ماهواره‌بر روسی «سایوز» از پایگاه فضایی بایکونور قزاقستان به فضا پرتاب شده است. پرتاب ماهواره «خیام» در شرایطی صورت گرفت که مقامات غربی می‌گویند روسیه قصد دارد از این ماهواره برای چند ماه یا بیشتر جهت پشتیبانی از تهاجم نظامی خود علیه اوکراین استفاده کند و سپس کنترل آن را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد.

منابع غربی به روزنامه «واشنگتن پست» گفته‌اند که این ماهواره «قابلیت‌های بی‌سابقه‌ای برای نظارت تقریباً مستمر بر تاسیسات حساس در اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس» در اختیار تهران قرار می‌دهد اما سازمان فضایی جمهوری اسلامی این ادعا را رد کرده است.

حسن سالاریه رئیس سازمان فضایی جمهوری اسلامی می‌گوید «اطلاعات مربوطه برای فرامین این ماهواره، کدگذاری و رمزگذاری شده و طبیعتاً کنترل، هدایت و بهره برداری از آن توسط جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود.»

مقامات رژیم گفته بودند که این ماهواره غیرنظامی است و سازمان فضایی جمهوری اسلامی نیز مدعی شد فعالیت‌ها و اهداف ماهواره خیام «صرفاً صلح‌آمیز و غیرنظامی» است. اما رسانه‌های رسمی داخلی گزارش دادند هدف از پرتاب این ماهواره این است که به مدت پنج سال از داده‌ها و تصاویر ارسالی آن در حوزه کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست، منابع آبی، معادن و پایش مرزها و مدیریت حوادث غیرمترقبه

زمینه‌سازی برای اجرای پروژه‌های ضدامنیتی علیه نظام از جمله دامن زدن به اعتراضات و نارضایتی‌هاست.

در هر صورت به نظر می‌رسد حکومت می‌خواهد از نوشته میرحسین موسوی برای بسیج دوباره نیروها و طرفداران خود جهت برگزاری یک تجمع یا موج تبلیغاتی در حمایت از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نظام بهره‌برداری کند. بخشی از این تبلیغات بر پایه شرایط زمانی یعنی ماه محرم و صفر تقویت می‌شود و طبق معمول مداحان و سیاهی لشکر آنها وارد عرصه شده‌اند.

نکته قابل توجه اینکه خانواده همت در جریان انتخابات سال ۱۳۸۸ از میرحسین موسوی حمایت کردند و بعدها نیز از حامیان «جنبش سبز» بودند. مهدی یکی از آنهاست که به همراه مادرش (همسر همت) خرداد سال ۱۳۸۸ از موسوی حمایت کردند.

یک منبع نزدیک به خانواده میرحسین موسوی به کیهان لندن می‌گوید: «چرخش مهدی همت به خاطر موقعیت کنونی وی است. او با تیم قالیباف کار می‌کند و نان به نرخ روز می‌خورد.»

محمدجواد اکبرین پژوهشگر مذهبی و از حامیان موسوی ساکن فرانسه در توییته به «سرگیجه اصلاح‌طلبان حکومتی» اشاره کرده و بطور تلویحی موضع‌گیری آنها علیه موسوی را مربوط به منافع‌شان و «طعمه‌ای» که از رهبری نظام دریافت می‌کنند می‌داند.

یکی دیگر از آنهايي که علیه موسوی موضع گرفت، احسان مازندرانی است. این روزنامه‌نگار که نزدیک به خانواده اکبر رفسنجانی است و سابقه بازداشت دارد در گذشته از حامیان پر و پاقرص موسوی و اصلاح‌طلبان بود اما حالا در یادداشتی نوشته است «هاشمی سردار همدانی را فرمانده دلاور حرم می‌دانست!» او ادعا می‌کند موسوی «تغییر کرده» و «رادیکال» شده است!

عمار ملکی ساکن هلند از اصلاح‌طلبان سابق، میرحسین موسوی را «پرت» و طرفداران وی را که از سخنان وی ذوقزده شده‌اند، «موسوی‌چی» خوانده و در توییته نوشته است: «هنوز مشکل میرحسین موسوی دعوا بر سر جانیشینی ملا است نه بر سر اصل نظام! او جانی بی‌رحم، خمینی، را «جان بیدار» می‌خواند و می‌گوید اگر حضور داشت نمی‌گذاشت «ملتی را به قهقرا برگردانند!» یعنی هنوز نفهمیده که خمینی و نظامش ایران را به قهقرا برده و نگران است مجتبی این کار را بکنند! پرت است!»

مخالفان جمهوری اسلامی می‌گویند نوشته موسوی در ادامه خط مشی او در دفاع از «انقلاب اسلامی» و روح‌الله خمینی است. او در جریان انتخابات مایشی ریاست جمهوری ۱۳۸۸ شعار بازگشت به «دوران طلایی امام» را مطرح کرده بود و اکنون نیز در همین نوشته نشان می‌دهد که همچنان فکر می‌کند آن دورانی که وی نخست‌وزیرش بوده و آنهمه کشتار و سرکوب شده، «طلایی» بوده است!

مخالفان نظام به عبارت «آن جان بیدار» در نوشته موسوی اشاره می‌کنند که منظور روح‌الله خمینی رهبر انقلاب ارتجاعی ۵۷ و بنیانگذار یکی از خونریزترین و ویرانگرترین حکومت‌های جهان است!

حجت کلاشی فعال سیاسی مشروطه‌خواه معتقد است نوشته موسوی «خط‌دهی جریان‌های امنیتی است که در کنار تأیید اصل نظام و «زدن لگد به نظام پادشاهی مشروطه» قصد برهم زدن توازن به نفع «جان بیدار» (حسن خمینی) نوه خمینی را دارند.

ظاهراً امنیتی‌ها می‌خواهند صحنه به شدت حقیر سیاست در جمهوری اسلامی را به نمایش رقابت بین «حسن خمینی» و «مجتبی خامنه‌ای» برای برداشتن «عمامه ولایت» از میان کفتارها تبدیل کنند! آنهم در حالی که مملکت زیر بار سنگین بحران‌های حیاتی نفس‌نفس می‌زند.

این در حالیهست که برخی انقلابی‌ها و اصولگرایان می‌گویند موسوی «ساده‌لوح» است و مشاوران او در نگارش این نوشته نقش داشتند. استدلال آنها این است که «با بازداشت مصطفی تاجزاده، جریان فتنه و اصلاح‌طلبان افراطی به نوعی تریبون و بلندگوی خود را از دست دادند و بعید نیست خواسته باشند دوباره با میرحسین یک بلندگو دیگر را روشن کنند.» آنها معتقدند نوشته موسوی

و نیروهای دفاعی استفاده شود. شبکه العالم در گزارشی نوشته بود این ماهواره به «نیروهای دفاعی کشور برای رفع نیازهای خود و مسیرهای اختصاصی و منحصر به فرد به لحاظ فنی و راهبردی» کمک می‌کند. بنا بر گزارش منابع حکومتی، ماهواره «خیام» در مدار ۵۰۰ کیلومتر قرار خواهد گرفت و می‌تواند چهار بار در روز تصاویری با دقت یک متر از مدار مورد نظر در اختیار ایران قرار دهد. خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی گزارش داد این ماهواره با همکاری مشترک ایران و روسیه ساخته شده است. «خیام» اولین ماهواره جمهوری اسلامی نیست که روسیه به فضا فرستاده است. در سال ۲۰۰۵ نیز ماهواره «سینا-۱» توسط روس‌ها به فضا پرتاب شد. در گزارش‌ها اشاره دقیقی به علت استفاده از موشک ماهواره‌بر روسی برای پرتاب ماهواره «خیام» نشده اما پیشتر پروژه‌های جمهوری اسلامی در چند نوبت در مرحله پرتاب و قرار دادن ماهواره در مدار ۵۰۰ کیلومتری با شکست روبرو شده بود. هرچند رژیم ایران ادعا می‌کند که برنامه فضایی را برای اهداف غیرنظامی دنبال می‌کند اما آمریکا و اتحادیه اروپا بارها هشدار داده‌اند که جمهوری اسلامی به اسم پرتاب ماهواره موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را آزمایش می‌کند.

چه بسا تجمعات چندمنظوره برای دفاع از نظام برپا شود و آن را با اربعین پیوند بزنند تا «شور حسینی» هم تا آن زمان امتداد پیدا کند. اتفاقاً در همین ارتباط ابراهیم رئیسی ضمن حمایت از همدانی و سلیمانی و عملکرد سپاه پاسداران چه در سرکوب داخلی و چه در سوریه تأکید می‌کند «اربعین یکی از جلوه‌های بروز و ظهور جهانی باورمندان به حضرت سیدالشهدا و جبهه مقاومت است و یقین دارم بسیاری از مسائل به برکت اجتماع عظیم اربعین حل خواهد شد!»

گزارش اتاق ایران:

کاهش تولید و تقاضا در همه بخش‌های اقتصاد کشور

طرف دیگر قانون رفع تعهد ارزی برای تولیدکنندگان بسیار مشکل‌زا شده است.

یکی دیگر از نکات قابل توجه مطرح شده در گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، اثرات قطع پیاپی برق بر اقتصاد ایران است. در این گزارش آمده که قطع و کمبود برق نیز به عنوان یکی دیگر از چالش‌های صنایع عنوان شده که از دیدگاه آنها، باعث می‌شود تا بسیاری از شرکت‌ها با ظرفیت پایین تولید کرده و بعضی از خطوط تولید تعطیل باشند. پیش از این نیز گزارش‌های زیادی از زیان ناشی از قطع برق به صنایع مختلف منتشر شده است. امسال دولت تصمیم گرفته برای اینکه قطع برق بخش خانگی سبب تشدید نارضایتی عمومی مردم نشود، اولویت قطع برق را برای بخش صنعت قرار دهد.

از سوی دیگر، عدم تولید برخی از مواد اولیه مورد نیاز صنایع لاستیک و پلاستیک از سوی پتروشیمی‌ها و کمبود آن در بازار باعث شده تا صنایع پایین‌دستی با تعطیلی برخی از خطوط تولید روبرو شوند. رکود بازار مسکن بر رکود بازار کانی غیرفلزی نیز تأثیر داشته و در مورد صنایع سرامیک وارداتی هم بر کاهش تقاضای داخلی تأثیر منفی دارد. در این گزارش تأکید شده که در بخش خدمات ارتباطات از آنجا که بخش عمده‌ای از مشتریان بخش دولتی هستند و بدهی و تعهدات خود را بازپرداخت نمی‌کنند، شرکت‌ها

خود را ثبت کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در تیرماه، شاخص موجودی محصول (انبار) بخش صنعت به بیشترین مقدار در ۹ ماه گذشته رسیده که از کاهش سفارشات مشتریان و همچنین کاهش صادرات و در نتیجه پیشی گرفتن تولید از فروش موجودی انبار افزایش یافته است. مرکز پژوهش‌های اتاق ایران همچنین تأکید کرده که دو مولفه میزان سفارشات جدید مشتریان و موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده زیر ۵۰ ثبت شده‌اند. این گزارش نگران‌کننده که نمایی از کوچک شدن اقتصاد ایران را نیز به تصویر کشیده نشان می‌دهد، بخش ساختمان بیشترین کاهش و رکود را در میان سایر بخش‌های اصلی داشته است. شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان در تیرماه (۴۷/۱۴) به کمترین میزان طی ۳ ماه اخیر از فروردین رسیده است. این شاخص در بخش‌های خدمات و کشاورزی و ساختمان با رکود همراه بوده است. به عقیده فعالان اقتصادی کاهش قدرت خرید مشتریان باعث کاهش میزان سفارشات شده است.

عدد شاخص میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی (۵۱/۱۷) در تیرماه برای سومین ماه پیاپی کاهش یافته است. نگرانی‌ها در مورد تضعیف تقاضا به دلیل نگرانی‌های ناشی از کاهش قدرت خرید و تورم، باعث شده تا انتظارات کسب‌وکارها را پایین بیاورد و همچنین باعث کاهش خرید

در حالی که فعالان صنفی در بازارهای مختلف از کاهش تقاضا در بازارهای مصرفی خبر می‌دهند، مرکز پژوهش‌های اتاق ایران انتشار نتایج بررسی‌های شاخص مدیران خرید (PMI) اعلام کرده تقاضا در همه بازارهای اقتصاد ایران با کاهش روبرو شده است.

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران نتایج سی و چهارمین دوره شاخص مدیران خرید کل اقتصاد (موسوم به شامخ) و چهل و ششمین دوره شاخص بخش صنعت را منتشر کرد. طبق این گزارش، در تیرماه ۱۴۰۱، شامخ کل اقتصاد با ۴/۶۳ واحد درصد افت نسبت به ماه قبل به ۵۰/۱۰ رسیده و شاخص بخش صنعت با کاهش ۵/۷۲ واحد درصد، روی رقم ۵۳/۹۲ ایستاده است.

این گزارش تکمیل‌کننده گزارش‌هایی است که فعالان صنفی در حوزه تولید و صنعت و بازارهای مصرفی از کاهش تقاضا به دلیل مشکلات مالی خانوارها، و همچنین کاهش سطح تولید به دلیل گرانی و کمبود مواد اولیه و همچنین مشکلاتی نظیر قطع برق ارائه می‌دادند.

طبق نتایج بررسی‌های شاخص مدیران خرید (PMI) برای کل اقتصاد ایران در تیرماه ۱۴۰۱، در این ماه شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان ۴۷/۱۴ واحد ثبت شده که کمترین میزان طی ۳ ماه اخیر (از فروردین‌ماه) است. این شاخص در بخش‌های خدمات و کشاورزی و ساختمان با رکود همراه بوده است. همچنین شاخص میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی در تیرماه ۵۱/۱۷ واحد بوده و برای سومین ماه پیاپی کاهش یافته است. نگرانی‌ها در مورد تضعیف تقاضا به دلیل نگرانی‌های ناشی از کاهش قدرت خرید و تورم، باعث کاهش انتظارات کسب‌وکارها و کاهش خرید مواد اولیه و عقب‌نشینی در استخدام شده است. در مقابل، شاخص موجودی محصول (انبار) در تیرماه ۵۷/۱۰ واحد برآورد شده که بیشترین میزان از ابتدای شروع طرح (دوره ۳۴ ماهه) است. از سوی دیگر شاخص میزان صادرات کالا و خدمات نیز به ۴۶/۹۶ واحد رسیده که یکی از کمترین مقادیر طی ۹ ماه گذشته (به غیر از تعطیلات فروردین‌ماه) است. در سایه کاهش تقاضای بازار و تضعیف قدرت خرید متقاضیان، شاخص میزان فروش محصولات نیز در تیرماه به ۴۶/۳۲ واحد رسیده که طی ۱۱ ماه گذشته (به غیر از تعطیلات فروردین‌ماه) یکی از کمترین مقادیر خود از شهریورماه ۱۴۰۰ است. این شاخص در هر سه بخش اصلی اقتصاد با کاهش روبرو بوده است. یکی از مهم‌ترین نکات گزارش شامخ در تیرماه ۱۴۰۱ این است که شاخص انتظارات در ارتباط با میزان فعالیت اقتصادی در ماه آینده به ۵۰/۱۸ واحد رسیده که طی ۱۶ ماه گذشته (به غیر از تعطیلات فروردین‌ماه) یکی از کمترین مقادیر محسوب می‌شود و منعکس‌کننده انتظارات بسیار بدبینانه شرایط فعالان اقتصادی به‌ویژه در بخش خدمات و کشاورزی در مردادماه است.

کاهش تقاضا بخش صنعت ایران را نیز درگیر کرده بطوریکه بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، شاخص مدیران خرید صنعت به کمترین مقدار در ۵ ماه اخیر (به غیر از تعطیلات فروردین‌ماه) رسیده و شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان نیز کمترین مقدار ۵ ماهه



با کاهش شدید نقدینگی و تعدیل نیروی انسانی روبرو هستند. رکود بازار و کاهش تقاضای مشتریان و کمبود نقدینگی باعث می‌شود تا بسیاری از صنایع تحت تأثیر قرار گیرند.

امیررضا واعظ آشتیانی مدیرعامل پیشین شرکت شهرک‌های صنعتی ایران نیز در گفتگو با وبسایت اقتصاد۲۴ گفته که سیاست‌های صنعتی دولت سیزدهم باعث شد سرمایه گذاران از بخش‌های مختلف تولید به سمت بازارهای دیگر و یا خارج از کشور کوچ کنند.

امیررضا واعظ آشتیانی تأکید کرده که «برخلاف نظر دولت مشکل صنعتگران و تولیدکنندگان تنها نقدینگی

مواد اولیه و عقب‌نشینی در استخدام شده است. آمارها و گزارش‌ها هم نشان می‌دهد نه تنها دولت رئیسی طی سال نخست فعالیت نتوانست در زمینه اشتغالزایی موفق عمل کند بلکه حدود ۱۰۰ هزار شغل نیز در ۱۲ ماه گذشته ناپود شده است.

فعالان اقتصادی در نظرسنجی اتاق ایران اعلام کرده‌اند کمبود شدید نقدینگی مشتریان باعث شده تا در بسیاری از صنایع (غذایی، پوشاک و چرم...) تولیدکنندگان با کاهش تقاضا روبرو باشند. ضمن اینکه به دلیل افزایش مواد اولیه و در نتیجه افزایش قیمت فروش، تقاضای مشتریان در صنایع مواد غذایی، پوشاک و چرم بسیار پایین آمده است از



بسته تشویقی اتحادیه اروپا به جمهوری اسلامی در صورت همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی



نمونه برداری بازرسان آژانس از تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی

دو منبع آگاه گزارش دادند که اتحادیه اروپا به جمهوری اسلامی ایران و سایر طرفین احیای برجام اعلام کرده که تا ۲۴ مردادماه باید پاسخ مثبت یا منفی خود درباره متن پیشنهادی جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی این اتحادیه را اعلام کنند.

ودانت پاتل معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا می‌گوید ایالات متحده و کشورهای اروپایی آماده احیای برجام هستند و این ایران است که باید خواسته‌های فرابرجامی خود را کنار گذاشته و تصمیم نهایی بگیرد.

این مقام آمریکایی تأکید کرد واشنگتن و متحدانش فارغ از اینکه برجام احیا شود یا نه، خود را برای سناریوهای مختلف آماده می‌کنند.

از سوی دیگر تام نایدز سفیر آمریکا در اسرائیل، در مصاحبه با شبکه ۱۳ اسرائیل با اشاره به بن‌بست خورد مذاکرات برای «احیای برجام» گفت که همه گزینه‌ها برای مقابله با اتمی شدن جمهوری اسلامی روی میز است.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سفری که اسفند ۱۴۰۰ به تهران داشت اعلام کرد موضوعات خاص حل نشده و تا حل نشود توافق در کار نیست.

مقامات جمهوری اسلامی پیش از این اصرار داشتند تنها در شرایطی توافق خواهند کرد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا حذف شود و دولت آمریکا برای عدم خروج مجدد از برجام تضمین دهد و آژانس پرونده آثار اورانیوم کشف شده در تأسیسات اتمی ایران را ببندد. به هیچ‌کدام از این تقاضاها از سوی اروپا و آمریکا اعتنایی نشد.

محمد جمشیدی معاون سیاسی دفتر ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» جمعه گذشته در توییتی نوشت که توافق نهایی «فقط زمانی حاصل خواهد شد که ادعاهای پادمانی حل و فصل شده باشد».

شده در سال ۲۰۱۹ در ایران نشان می‌دهد تهران در مقطعی برنامه‌های مخفیانه تسلیحات اتمی داشته اما شماری از مقامات جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند با اهداف صلح‌آمیز پروژه‌های اتمی را پیش برده‌اند و برخی دیگر مثل علی مطهری عضو پیشین هیأت رئیسه مجلس اعتراف کرده‌اند که «از همان ابتدا دنبال ساخت بمب اتم بودیم» یا فریدون عباسی دوانی تأکید کرد که با وجود فتوای علی خامنه‌ای مبنی بر حرام بودن ساخت بمب اتم محسن فخری‌زاده برای ساخت آن سیستم ایجاد کرد.

در گزارش وال استریت ژورنال بطور دقیق مشخص نشده که چه امتیازاتی برای جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده و در ازای آن چه مطالباتی مطرح شده است اما به نقل از چند منبع نزدیک به مذاکرات آمده اتحادیه اروپا پیش از اینکه پیشنهاد خود برای گنجاندن مسئله «مصالحه» در مورد تحقیقات پادمانی را در متن توافق قرار دهد، این مسئله را با آمریکا و همچنین سه طرف اروپایی مطرح و موافقت آنها را جلب کرده است.

اتحادیه اروپا در این متن پیشنهادی، با هماهنگی آلمان، فرانسه، انگلیس و آمریکا اعلام کرده است که «در ازای پاسخ سریع ایران به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره ذرات اورانیوم کشف‌شده در سایت‌های اعلام نشده این کشور» پرونده این مسئله در شورای حکام بسته خواهد شد.

آنچه وال استریت ژورنال به آن اشاره کرد ارائه یک بسته تشویقی به جمهوری اسلامی بعد از همکاری احتمالی تهران با آژانس است اما جزئیات آن مشخص نیست.

وال استریت ژورنال می‌نویسد که اگر طرفین با این توافق موافقت کنند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در شرایط سختی قرار می‌گیرد زیرا اجرای توافق تا حد زیادی به ارزیابی آژانس از همکاری با تهران متکی خواهد بود. سخنگوی آژانس از اظهار نظر در این مورد خودداری کرده است.

● روزنامه «وال استریت ژورنال» به نقل از دیپلمات‌های غربی گزارش داد اروپا به امید رفع بن‌بست در مذاکرات وین برای احیای برجام «امتیازات تازه قابل توجهی» برای جمهوری اسلامی در نظر گرفته است.

● اشاره‌ای به جزئیات این امتیازات نشده اما مربوط به ارائه یک بسته تشویقی به جمهوری اسلامی بعد از همکاری احتمالی تهران با آژانس است.

● دو منبع آگاه گزارش دادند که اتحادیه اروپا به جمهوری اسلامی ایران و سایر طرفین احیای برجام اعلام کرده که تا ۲۴ مردادماه باید پاسخ مثبت یا منفی خود درباره متن پیشنهادی جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی این اتحادیه را اعلام کنند.

روزنامه «وال استریت ژورنال» ۱۱ اوت (۲۰ مرداد) گزارش داد دیپلمات‌های اتحادیه اروپا که در تلاش برای شکست بن‌بست در مذاکرات برای «احیای برجام» هستند، امتیاز قابل توجهی را به تهران پیشنهاد کرده‌اند که هدف آن پایان دادن سریع به تحقیقات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره فعالیت‌های هسته‌ای قبلی جمهوری اسلامی است.

یکی از موانع کلیدی برای توافق اتمی عدم پاسخگویی جمهوری اسلامی در مورد آثار اورانیوم کشف شده با منشأ انسانی و غیرطبیعی در سه سایت اعلام نشده داخل ایران است. مقامات جمهوری اسلامی اصرار دارند آژانس این پرونده را ببندد اما آژانس چنین تقاضایی را نپذیرفته و خواهان پاسخ و توضیح قانع‌کننده از سوی رژیم ایران است. اسرائیل و بعضی مقامات غربی می‌گویند اورانیوم کشف

نیست که با پول پاشی حل شود بلکه باید به مسائلی که باعث التهاب در این بخش‌ها شده توجه ویژه شود. او افزوده که هنوز برنامه جامعی برای رفع نیاز کشور با تولیدات صنعتی تدوین نشده. هیچ اطلاع دقیقی از کمبودها و یا سرریزها در بخش تولید و صنایع مختلف کشور از سوی وزارت صمت در اختیار سرمایه‌گذاران قرار نگرفته و حالا این رویه اشتباه پس از گذشت یک دهه به دولت سیزدهم رسیده که در این دولت هم بدون هیچ اغماضی همین مسیر در حال طی شدن است.

مدیرعامل پیشین شرکت شهرک‌های صنعتی ایران همچنین می‌گوید با این شیوه مدیریت کشور حتی با احیای برجام هم امیدی به بهبود وضعیت اقتصادی نیست و تورم افزایش خواهد یافت: «امروز بهانه نرخ ارز باعث تزلزل در بخش تولید شده و دولت بدون هیچ حمایتی شاهد تأثیر نوسان نرخ ارز بر بخش تولید است در حالی که می‌توان با مدیریت بخش تولیدات صنعتی کشور را از سایر بخش‌های متمایز کرد تا یکسان سازی نرخ ارز بر گرانی تولید اثر مخرب نداشته باشد. من باوری بر تأثیر برجام بر قیمت نرخ ارز ندارم. اگر تولید هدفمند و برون‌گرا باشد بدون برجام هم قابل توسعه است. در صورتی که دولت بخواهد با هین فرمان صنعت و تولید را پیش برد وضعیت خوبی برای تورم این بخش پیش بینی نمی‌شود و در نهایت احتمال افزایش نرخ تورم در بخش تولید و صنعت کشور قطعاً بسیار نگران‌کننده‌تر خواهد شد.»

۳۱ درصد معتادان متجاهر جمع‌آوری شده بی‌خانمان هستند، نه معتاد!



که ورود خانوارها به بازار مسکن در وجه ملکی تقریباً غیرممکن شد، یعنی از سال ۹۵ به اینسو از هر ۱۰۰ خانوار که تازه تشکیل می‌شود، ۸۰ خانوارش وارد بازار مسکن استیجاری شد.

در گزارش هولناکی که سه هفته پیش از بخشی از حاشیه‌نشینان در استان اصفهان منتشر شد، آمده بود که در فاصله‌ای کمتر از یک ربع ساعت از مرکز شهر اصفهان، ۱۵ خانواده در اصطبل زندگی می‌کنند، ۷۶ انسانی که در اتاق‌های تاریک، بدون هیچ امکاناتی خود را جای داده‌اند. آنها تنها زیرانداز و رواندازی برای خواب دارند. کمی آنطرف‌تر ۶ خانواده در گاوداری زندگی می‌کنند، که تنها مزیت‌اش نسبت به اصطبل‌ها، آب لوله‌کشی است؛ که البته امتیاز کمی نیست. چراکه ساکنین اصطبل‌ها به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و از آب شور کشاورزی و آب‌بندهای لجن گرفته برای آشامیدن استفاده می‌کنند.

در ادامه این گزارش آمده بود: «سکونتگاه‌های جهنمی اطراف اصفهان تنها به اصطبل و گاوداری ختم نمی‌شود. کوره‌پزخانه و اتاق‌های کوچکش هم سرپناه ۱۰ خانواده شده است. اتاق‌های کوچکی که زمانی برای آجرپزی استفاده می‌شد، حالا خانه ۵۰ انسان است. آنها برق دارند، اما مردمانی که فقر کمرشان را خم کرده وسیله برقی ندارند که بخواهند از آن استفاده کنند. کولری که در گرمای جهنمی‌ای که نفس‌شان را می‌گیرد، کمی از سختی روزگار کم کند، وجود ندارد.»

حسام عقبایی نایب رئیس اتحادیه مشاوران املاک استان تهران نیز ماه گذشته از سکونت بخشی از مردم در موتورخانه‌ها و زیرزمین‌های غیرمسکونی خبر داد و گفت: «اسکان در موتورخانه‌ها، زیرزمین خانه‌های مسکونی، حاشیه شهر تهران آنهم در نقاط و جاهایی که به هیچ عنوان شرایط زندگی را ندارد، نتیجه معضل اصلی بی‌تفاوتی به وضعیت مسکن مردم است.»

به اعتقاد کارشناسان جلوگیری از تشدید پدیده «بی‌خانمانی» در ایران نیازمند کنترل تورم و بالا بردن ارزش پول ملی است. همچنین گفته شده که سیاست‌گذاران اقتصاد کلان باید با استفاده از ابزارهایی نظیر نرخ بهره و مالیات، ضمن کنترل تورم عمومی، راه سوداگری در بازار مسکن را مسدود کنند. در این صورت ثبات نسبی در دو بخش اصلی بازار مسکن یعنی معاملات خرید و فروش و نیز معاملات رهن و اجاره حاکم می‌شود.

یکی از نتایج آن افزایش شمار افراد بی‌خانمان است. اکنون به نظر می‌رسد که صدای آژیر خطر پدیده بی‌خانمانی در کلانشهرهای ایران به گوش مقامات هم رسیده بطوریکه حمیدرضا صارمی معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران پیرامون رواج پدیده «بدمسکنی» به دلیل گسترش «بی‌خانمانی» در تهران خبر داد.

حمیدرضا صارمی در جلسه ستاد مدیریت بحران شهر تهران با اذعان به این واقعیت تلخ، هشدار داد که «ناآرامی‌های موربانه‌ای» در سطح شهر در حال ایجاد است. وی با بیان اینکه مشکلات اجتماعی بسیاری در تهران در حال شکل‌گیری است، گفت: مدیریت شهری باید برای رفع این مشکلات وارد عمل شود.

روزنامه دنیای اقتصاد با اشاره به سخنان حمیدرضا صارمی در گزارشی نوشته که «پیش از آخرین دوره جهش مسکن در سال ۹۷، مدیران وقت دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی یک‌سوم جمعیت کشور را «بدمسکن» توصیف کرده بودند؛ به این معنا که یا در سرپناه‌های نامناسب در بافت‌های فرسوده سکونت دارند یا در حاشیه شهرها و سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. همچنین بخشی از خانوارهای تحت پوشش نهادهای حمایتی و اقشار کم‌درآمد در مضیقه مسکن به سر می‌برند و در زمره بدمسکن‌ها قرار دارند. اکنون در مقایسه با سال ۹۶ که یک‌سوم جمعیت «بدمسکن» معرفی شده بودند، تامین نیاز سکونتی در شهر تهران به مراتب دشوارتر از گذشته شده است.»

آمارها نشان می‌دهد که در تهران میانگین قیمت هر مترمربع آپارتمان مسکونی نسبت به ابتدای سال ۹۶ حدود ۹ برابر و میانگین اجاره‌بها نیز حداقل شش برابر شده است. داریوش محمد مجد پژوهشگر اجتماعی بهمن‌ماه گذشته با اشاره به «نوظهور» و «رو به گسترش» بودن پدیده بی‌خانمانی در ایران گفته بود که «همه بی‌خانمان‌ها و کارتن‌خواب‌ها یکسری نیازهایی دارند که اگر ما به این نیازها توجه نکنیم، اشکال مختلف از این پدیده را در گوشه و کنار شهر می‌بینیم.»

به گفته محمد مجد در ایران سیستم غربالگری برای کارتن‌خواب‌ها وجود ندارد در حالی که وجود چنین غربالگری کمک می‌کند که مشخص شود تیپ‌های آدم‌هایی که نیاز به مسکن دارند، دارای چه نیازهایی هستند. گروهی فقط نیاز به خانه و به یک اتاق دارند. همزمان فردین یزدانی متخصص اقتصاد شهری نیز گفته

● دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان تهران: ۳۱ درصد افراد جمع‌آوری شده اصلاً معتاد نیستند و صرفاً بی‌خانمان بوده که در فضاهای این معتادان زندگی می‌کنند.

● بحران مستأجران از دو سال پیش تا کنون که تورم اجاره‌بها بین ۵۰ تا ۱۵۰ درصد بوده به شدت حاد شده که یکی از نتایج آن افزایش شمار افراد بی‌خانمان است.

دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان تهران با ارائه آمار هولناکی گفته ۳۱ درصد از افرادی که در طرح جمع‌آوری معتادان در سطح شهر جمع‌آوری شدند صرفاً بی‌خانمان‌های غیرمعتاد هستند.

مصطفی هادی‌زاده دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان تهران با اشاره به اجرای طرح جمع‌آوری معتادان متجاهر در تهران گفته که در غربالگری که پس از اجرای طرح‌های جمع‌آوری انجام شد مشخص شده ۳۱ درصد افراد جمع‌آوری شده اصلاً معتاد نیستند و صرفاً بی‌خانمان بوده و کارتن‌خواب‌های غیرمعتاد هستند که در فضاهای این معتادان زندگی می‌کنند. این آمار بسیار قابل توجهی است که به صورت مستند تهیه شده است.

دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان تهران گفته که «در مجموع در طرح‌های جمع‌آوری به صورت میانگین ۴۵ درصد افراد مشمول ماده ۱۶ نیستند یعنی یا شامل افراد کارتن‌خواب غیرمعتاد هستند و یا معتادانی هستند که در مراکز ماده ۱۶ پذیرش نمی‌شوند مانند معتادان متجاهر دارای صغریا کبر سن یا دارای زخم باز.»

به گفته‌ی این مقام مسئول، ۱۷ هزار معتاد متجاهر جمع‌آوری شده از سطح کلانشهر تهران در مراکز مددجویی نگهداری می‌شوند. با توجه به اینکه او گفته ۳۱ درصد از افراد جمع شده فقط بی‌خانمان بودند و معتاد نبوده‌اند می‌توان محاسبه کرد که دست‌کم ۹ هزار شهروند بی‌خانمان فقط در تهران روزگار سپری می‌کنند.

طی سال‌های گذشته افزایش قیمت اجاره‌بهای مسکن سبب بروز مشکلاتی جدی برای مستأجران شد. کوچ شماری از شهروندان ساکن در محله‌های شهری به مناطق حاشیه‌نشین، سکونت دو خانواده در یک آپارتمان کوچک از جمله پیامدهای موج تورمی در بازار مسکن ایران بوده است. بحران مستأجران اما از دو سال پیش تا کنون که تورم اجاره‌بها بین ۵۰ تا ۱۵۰ درصد بوده به شدت حاد شده که

عضو کانون نویسندگان ایران در رابطه با این پرونده بازداشت شده و همچنان در زندان هستند.

موج بازداشت فعالان صنفی اما همچنان ادامه دارد و دستکم ۴۰ فعال صنفی از ابتدای سال تا کنون بازداشت شدند. دهها فعال صنفی نیز در تجمعات بازداشت و همان روز آزاد شده‌اند و برای دهها فعال صنفی دیگر نیز پرونده قضایی گشوده شده است.

موج فشار بر فعالان صنفی آنچنان بی‌سابقه بوده که بیش از ۱۳۰ اتحادیه کارگری از ۴۰ کشور مختلف جهان طی یک هفته گذشته، در نامه‌های اعتراضی به رهبر جمهوری اسلامی، رئیس قوه قضائیه و نمایندگی دائمی ایران در سازمان ملل، خواستار آزادی فوری تمام فعالان سندیکایی و صنفی زندانی شدند.

اتحادیه‌های کارگری در نامه‌های خود گفته‌اند که کارگران در سراسر جهان از نزدیک، روند اوضاع در ایران را دنبال می‌کنند. فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل نیز به سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران گفته است که اتحادیه‌های این فدراسیون با صدای رسا اعلام می‌کنند که هرگز در مقابل ظلم و ستم علیه فعالان سندیکایی کوتاه نخواهند آمد.

برخوردهای اخیر جمهوری اسلامی نشان می‌دهد نه تنها

دور تازه‌ای از اعتراضات سراسری کارکنان رسمی صنعت نفت

قطعی‌های متعدد سیستم الکترونیکی گمرک و بی‌تدبیری و بی‌مدیریتی مسئولان تجمع اعتراضی برگزار کردند. رانندگان معترض با به صدا درآوردن ممتد بوق کامیون‌های خود تلاش کردند صدای خود را به مسئولان برسانند. همزمان جمعی از کشاورزان اصفهان در مقابل سازمان

- اعتراضات کارکنان رسمی صنعت نفت در بیش از ۴۵ کارگاه، پالایشگاه، پتروشیمی و شرکت حوزه صنعت نفت و همچنین همه فازهای عملیاتی نفت و گاز عسلویه آغاز شد. - بیش از ۱۳۰ اتحادیه کارگری از ۴۰ کشور جهان در نامه‌های اعتراضی به رهبر جمهوری اسلامی، رئیس قوه قضائیه و نمایندگی دائمی ایران در سازمان ملل، خواستار آزادی فوری فعالان صنفی زندانی شدند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت گزارش داده که روز پنجشنبه بیستم مردادماه شمار زیادی از پرسنل رسمی وزارت نفت شاغل در واحدهای ستادی و عملیاتی در بیش از سی مرکز کاری دست به اعتراض گسترده زدند.

اجرای ماده ده قانون وظایف و اختیارات نفت، رسیدگی به وضعیت بهداشت و درمان، معرفی و محاکمه غارتگران صندوق نفت، پایان دادن به انتصابات امنیتی، سیاسی و جناحی، پرداخت مطالبات مزدی، برداشتن سقف پاداش بازنشستگی و توجه به واحدهای فرسوده و میداین مشترک نفت و گاز به عنوان دلائل و خواسته‌های اعتراضات کارکنان رسمی صنعت نفت عنوان شده است.

به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، پرسنل رسمی صنعت نفت اعلام کرده‌اند که این اعتراضات را



مطالبات کارگران و دیگر اصناف اهمیتی برای مقامات نظام ندارد بلکه جان نیروی کار نیز ارزشی برای مسئولان ندارد. در هفته‌های گذشته خبرهایی درباره گرم‌زدگی نیروهای کار در پروژه‌های نفتی جنوب منتشر شده است.

به گزارش منابع کارگری در روزهای گذشته بیش از پانصد نفر از کارگران در مراکز مختلف واقع در مناطق جنوبی دچار گرم‌زدگی شدید شده‌اند و به بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها منتقل شده‌اند. در هفته‌های گذشته خبر درگذشت چند کارگر در استان خوزستان به دلیل گرم‌زدگی منتشر شد.

منابع کارگری می‌گویند، کارگران بخش‌های مختلف صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در مراکز و پروژه‌ها از کارفرمایان خواسته‌اند تا در روزهایی که درجه گرما و درصد رطوبت هوا بسیار بالاست ساعات کاری را به ۶ ساعت کاهش دهند اما تاکنون پاسخی از کارفرمایان دریافت نکرده‌اند.

آنها تأکید کردند در صورت تداوم بی‌توجهی کارفرمایان به جان و سلامت کارگران، این وضعیت می‌تواند ابعاد فاجعه‌بار کنونی را تشدید کند و کارگران قطعاً درمقابل این بی‌توجهی کارفرمایان دست به اعتراض خواهند زد.

آب این شهر در تجمعاتی اعتراضی خواستار رسیدگی به مطالباتشان شدند.

اعتراضات صنفی در حالی طی روزهای گذشته با افزایش روبرو شده که در ماه‌های گذشته جمهوری اسلامی همه تلاش خود برای سرکوب اعتراضات صنفی در ایران را به کار گرفت. ده‌ها تن از فعالان صنفی کارگری و آموزگار در اردیبهشت و خرداد امسال بازداشت شدند.

در نمونه‌ای از سناریوسازی جمهوری اسلامی علیه فعالان صنفی، نیمه اردیبهشت امسال وزارت اطلاعات از بازداشت دو «اروپایی» به اتهام تلاش برای ایجاد «آشوب» و «بی‌ثبات‌سازی جامعه» خبر داد. سسیل کوهلر و همسرش ژاک پاریس دو آموزگار تبعه فرانسه و عضو اتحادیه آموزشی و تحصیلی فرانسه هشتم اردیبهشت امسال در سفری توریستی به ایران رفته و هفدهم اردیبهشت هنگام خروج از کشور در فرودگاه بازداشت شدند.

رسول بدائی، جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، محمد حبیبی، محسن عمرانی، رضا شهابی و ریحانه انصاری‌نژاد فعالان کارگری، و آنیسا اسداللهی مترجم و کیوان مهدتی نویسنده و

تا پایان مردادماه در محل کار خود ادامه داده و سپس برای برگزاری تجمع بزرگ اعتراضی خود تصمیم‌گیری می‌کنند.

این اعتراضات در بیش از ۴۵ کارگاه، پالایشگاه، پتروشیمی و شرکت حوزه صنعت نفت و همچنین همه فازهای عملیاتی نفت و گاز عسلویه آغاز شده است.

با تشدید کسری بودجه دولت پرداخت به شرکت‌های دولتی و پیمانکاران بخش خصوصی کاهش یافته و همین موضوع عقب‌افتادن حقوق‌ها در بخش‌های مختلف تولیدی، صنعتی و خدماتی را افزایش داده است. از سوی دیگر نبود منابع کافی و مواد اولیه نیز سبب کاهش سطح تولید در کارخانه‌ها شده و در آنسو اخراج نیروی کار به ویژه در بخش کارگری با هدف کاهش هزینه تولید نیز گسترش پیدا کرده است. اینهمه، در کنار تورم بالای ۵۰ درصد اعتراضات صنفی را با افزایش روبرو کرده و هر روز شماری از شهروندان در شهرهای مختلف تجمع می‌کنند.

در روز پنجشنبه بیستم مرداد و همزمان با آغاز دور تازه اعتراضات کارکنان رسمی صنعت نفت، شماری از رانندگان کامیون در گمرک بازرگان در شهرستان ماکو در اعتراض به

۱۴ آگوست برابر با ۲۳ مرداد

ساعت : ۲۱:۰۰ به وقت تهران

— دومین همایش همبسته و هماهنگ



احمد رافت
(مجری برنامه)



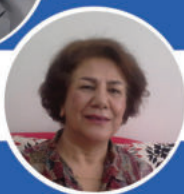
فواد پاشایی



فریبا
داوودی مهاجر



سعید پور عبدالله



مجتبی واحدی حامد شبانی راد مراد خورشیدی شهلا انتصاری

سخنرانان



همراه با کنشگران مدنی از ایران